



طیپ مشاور

(۲۴ پیشنهاد برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح)

محورهای جلسه:

۱. نسخه مشاوره براساس چه روش تحقیقی تدوین می شود؟
۲. ساختار نسخه مشاوره، دارای چند بخش است؟
۳. اولویت دارترین اقدامات برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت چیست؟

اللَّهُمَّ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا
اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش رو (ویرایش اول) صد و پانزدهمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده ی سخنان حجه الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شوری راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) می باشد که در نشست تخصصی «طیب مشاور» (ارائه ۲۴ پیشنهاد برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح) ایراد شده است. این نشست در تاریخ چهارشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۰ در مدرسه علمیه حاجی کلباسی شهر اصفهان برگزار شده است.

طیب مشاور (۲۴ پیشنهاد برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح)

طیب مشاور

مقدمه:

انواع نسخه:

مهم‌ترین وظیفه طیب:

مشورت‌دادن به مسئولین و فرمای کشور در بخش‌های مختلف

نسخه درمان

نسخه موازنه

نسخه مشاوره

نیروهای مسلح

آموزش و پرورش

حوزه ورزش کشور

حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها

حکس و گمان

اتکاء به اشراف (گزارش خالق)

سهاماندهی مباحث به محوریت «سوال»

نسخه‌های تکمیلی:

نسخه‌های اولیه:

دارای ۹ بخش

دارای ۵ بخش:

سویق سیب

گوشت شتر و میوه سیب

خرمای عجوه

نمک طبیعی

حجامت

اصلاح روش پخت نان

مصرف سویق

مصرف روغن زیتون

مصرف سرکه طبیعی

مصرف سویق

آب کم‌مصرف کردن

تقویت چشم

تقویت قلب

تقویت عمومی بدن (خصوصاً «ربه»)

راه‌اندازی مسابقات سبک و رمابه

بیماری چاقی

بیماری‌های ناشی از جراحت

بیماری‌های چشمی

ضعف قلب

تجوُّع (به خود گرسنگی دادن)

عسل

داروی امام کاظم (طیب‌السلام)

تغییر تعریف دارو و معرفی دروهای عمومی

مدیریت بیماری‌های شايع نیروهای مسلح

اولویت‌دارترین اقدامات برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح

اصلاح تغذیه

افزایش ایمنی (حوزه بیوترورسیم)

بخش‌های مختلف نسخه مشاوره

روش تحقیق تدوین نسخه مشاوره

چهاراولویت اول برای ارائه نسخه مشاوره:

نسخه مشاوره

تأثیر فراوان در امنیت مردم و کشور

چگونگی ایجاد نظم اجتماعی میخی بر پیشگویی ساختاری از بیماری

نقد نسخه‌های غلط پزشکی مدرن و ارائه نسخه جایگزین

در آشوب‌ها و فتنه‌های آخرالزمان

در رستنی

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

بیماری

فهرست مطالب:

۱. مقدمه: ۱
- ۱/۱. مشاوره‌دادن به مسئولین و امرای کشور در زمینه چگونگی ایجاد زیرساخت‌های "پیشگیری از بیماری" در بخش‌های مختلف جامعه؛ مهم‌ترین وظیفه طیب ۱
- ۱/۲. بی‌توجهی و نقصان علم پزشکی نوین نسبت به "پیشگیری از بیماری"؛ علت تمرکز خدمات پزشکی بر حوزه "درمان" و گسترش همه انواع بیماری‌ها در کشور ۲
- ۱/۳. انواع نسخه‌های مورد نیاز در راستای تغییر و ایجاد نظم اجتماعی مبتنی بر "پیشگیری از بیماری": ۳
 - ۱/۳/۱. نسخه مشاوره: مشورت‌دادن به مسئولین و امرای کشور در بخش‌های مختلف در مورد چگونگی تغییر و ایجاد نظم اجتماعی مبتنی بر پیشگیری از بیماری (پیوست سلامت) ۳
 - ۱/۳/۲. نسخه موازنه: نقد نسخه‌های غلط پزشکی نوین و تبیین نسخه جایگزین ۴
 - ۱/۳/۲/۱. ارائه ۲۴ پروتکل فقهی مدیریت کرونا در مقابل پروتکل‌های بهداشت جهانی؛ یک نمونه از نسخه‌های موازنه ۴
 - ۲/۳/۲/۲. نقد نسخه پیوند قلب حیوان به انسان (در نشست‌های آینده)؛ نمونه‌ای دیگر از نسخه‌های موازنه ۴
 - ۳/۳/۲/۲. نقد داروهای آنتی‌هیستامین (در نشست‌های آینده)؛ نمونه‌ای دیگر از نسخه‌های موازنه ۴
- ۱/۴. تبیین اجمالی سرفصل‌ها و پرسش‌های مطرح در جلسه ۶
 - ۴/۱/۱. چهار اولویت اول (از بین بخش‌های مختلف کشور) برای ارائه نسخه مشاوره: ۷
 - ۴/۱/۱/۱. نیروهای مسلح کشور؛ اولین اولویت از بخش‌های مختلف کشور برای ارائه نسخه مشاوره ۷
 - ۴/۱/۱/۱/۱. تاثیر فراوان در حفظ امنیت مردم و کشور (خصوصاً در آشوب‌ها و فتنه‌های آخرالزمان)؛ دلیل اولویت‌دادن به نیروهای مسلح در ارائه نسخه مشاوره ۷
 - ۴/۱/۱/۲. آموزش و پرورش کشور؛ دومین اولویت از بخش‌های مختلف کشور برای ارائه نسخه مشاوره ۸
 - ۴/۱/۱/۳. حوزه ورزش کشور؛ سومین اولویت از بخش‌های مختلف کشور برای ارائه نسخه مشاوره ۹
 - ۴/۱/۱/۴. حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور؛ چهارمین اولویت از بخش‌های مختلف کشور برای ارائه نسخه مشاوره ۹
۲. سوال اول: نسخه مشاوره براساس چه روش تحقیقی تدوین می‌شود؟ ۱۰

- ۲/۱. برخی از ویژگی‌های روش تحقیق حاکم بر نسخه مشاوره: ۱۱
- ۲/۱/۱. اتکاء بر اشراف، اولین ویژگی روش تحقیق حاکم بر نسخه مشاوره ۱۱
- ۲/۱/۱/۱. ایجاد تالی فاسد؛ یکی از آثار عدم اتکاء به اشراف ۱۲
- ۲/۱/۱/۲. اتکاء بر حدس و گمان؛ ویژگی روش تحقیق‌های موجود ۱۵
- ۲/۱/۱/۲/۱. توصیف ناقص و مبتنی بر حدس و گمانِ اعضاء مختلف بدن؛ یکی از مصادیق اتکاء بر حدس در روش تحقیق پزشکی موجود ۱۵
- ۲/۱/۲. ساماندهی مباحث به محوریتِ "سوال"؛ ویژگی دیگر روش تحقیق حاکم بر نسخه مشاور ۱۷
- ۲/۱/۲/۱. تبدیل "سوال غیرحَسَن" به "سوال حَسَن (حُسن السوال)"; اصلی‌ترین بحث در ساماندهی مباحث به محوریت سوال ۱۸
- ۲/۱/۲/۱/۱. تبدیل سوال غیرحَسَن «چگونه چرخه و ویروس را مهار کنیم؟» به سوال حَسَن «درون بدن چه اتفاقی افتاده که بیماری رقم خورده است؟» در مورد بیماری کرونا؛ نمونه‌ای از تبدیل "سوال غیرحَسَن" به "سوال حَسَن" (حُسن السوال) ۱۹
- ۲/۱/۲/۱/۱/۱. وجود دو مبنا در مورد منشأ ایجاد بیماری (بیرون (ویروس) و یا درون بدن انسان)؛ علت تغییر و تفاوتِ دو سوال فوق ۱۹
- ۲/۱/۲/۱/۲. تبدیل نگاه سؤال‌کننده نسبت به درمان بیماری‌هایی مانند سُرفه و دُمَل (به عنوان بیماری‌های خطرناک) به بیماری‌های مفید برای انسان؛ نمونه‌ای دیگر از تبدیل سؤال به حُسن السوال ۲۰
۳. سوال دوم: ساختار نسخه مشاوره، دارای چند بخش است؟ ۲۲
- ۳/۱. ساختار نسخه‌های مشاوره اولیه دارای ۵ بخش و ساختار نسخه‌های مشاوره تکمیلی دارای ۹ بخش ۲۲
- ۳/۲. حوزه‌های ایمنی، غذا، تقویت اعضای بدن، بیماری‌های شایع و دواء؛ ساختار پنج‌بخشی نسخه مشاوره اولیه ۲۲
- ۳/۲. ایجاد نظام مقایسه و موازنه با پنج رشته اصلی پزشکی سلول پایه در تامین سلامت؛ مبنای پرداختن به ساختار پنج‌بخشی نسخه مشاوره ۲۳
- ۳/۲/۱. پاتولوژی، فارماکولوژی، ایمونولوژی، فیزیولوژی و گُدکس آلیمنتاریوس؛ پنج رشته اصلی پزشکی سلول پایه در تامین سلامت ۲۳
۴. سوال سوم: اولویت‌دارترین اقدامات برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت چیست؟ ۲۵

- ۴/۱. افزایش ایمنی (حوزه بیوتورریسم)؛ اولین اقدام اولویت‌دار برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی
جبهه مقاومت ۲۵
- ۴/۱/۱. افزایش تهدیدات حوزه ایمنی (بیوتورریسم) در قرن اخیر؛ علت اولویت افزایش ایمنی (حوزه بیوتورریسم) ۲۵
- ۴/۱/۱/۱. ایجاد تغییرات آب و هوایی، غذا و نوع ساختمان‌سازی؛ نمونه‌هایی از تهدیدات حوزه ایمنی (بیوتورریسم) در
قرن اخیر ۲۵
- ۴/۱/۲. راهکارهای افزایش ایمنی: ۲۶
- ۴/۱/۲/۱. استفاده از سویق سیب (نافع‌ترین پادزهر در مقابل سموم)؛ اولین راهکار برای افزایش ایمنی ۲۶
- ۴/۱/۲/۲. مصرف گوشت شتر و میوه سیب (جهت مقابله با یهود و سحر)؛ دومین راهکار برای افزایش ایمنی ۲۶
- ۴/۱/۲/۳. خرماي عجوه (مفيد برای دفع سموم)؛ سومین راهکار برای افزایش ایمنی ۲۸
- ۴/۱/۲/۴. نمک طبیعی (پادزهری مجرب و درمان‌کنندهٔ ۷۲ نوع بیماری)؛ چهارمین راهکار برای افزایش ایمنی ۲۹
- ۴/۱/۲/۵. حجامت؛ پنجمین راهکار برای افزایش ایمنی ۳۱
- ۴/۲. اصلاح تغذیه؛ دومین اقدام اولویت‌دار برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت ۳۳
- ۴/۲/۱. اصلاح روش پخت نان؛ اولین و مهم‌ترین اقدام در حوزه تغذیه ۳۳
- ۴/۲/۱/۱. جداکردن سبوس و اضافه‌کردن مواد افزودنی؛ دو اشکال روش کنونی پخت نان ۳۳
- ۴/۲/۱/۲. پخت بر روی آهن؛ اشکال دیگر روش کنونی پخت نان ۳۴
- ۴/۲/۱/۲/۱. از بین رفتن خاصیت‌ها و ارزش غذایی نان؛ دلیل نامناسب بودن پخت نان بر روی آهن ۳۵
- ۴/۲/۱/۳. انجام فرایند تخمیر با مواد جانبی؛ اشکال دیگر روش کنونی پخت نان ۳۵
- ۴/۲/۲. مصرف سویق (عاملی برای رشد گوشت و ماهیچه‌ها و استحکام استخوان‌ها)؛ دومین اقدام در حوزه تغذیه ۳۶
- ۴/۲/۳. مصرف روغن زیتون؛ سومین اقدام در حوزه تغذیه ۳۷
- ۴/۲/۴. مصرف سرکه طبیعی (موثر بر افزایش قدرت تحلیل اطلاعاتی)؛ چهارمین اقدام در حوزه تغذیه ۳۸
- ۴/۳. تقویت اعضای بدن؛ سومین اقدام اولویت‌دار برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه
مقاومت ۴۰
- ۴/۳/۱. مصرف "سویق" (برای قوت کتف و ماهیچه‌ها)؛ اولین اقدام برای تقویت اعضای بدن ۴۰
- ۴/۳/۲. آب کم مصرف کردن؛ دومین اقدام برای تقویت اعضای بدن ۴۰

- ۴/۳/۳. تقویت چشم (با مصرف میوه "به")؛ سومین اقدام برای تقویت اعضای بدن..... ۴۱
- ۴/۳/۳/۱. افزایش بینایی و رفع تاری دید؛ برخی از آثار میوه "به" در راستای تقویت چشم ۴۱
- ۴/۳/۴. تقویت قلب (با مصرف میوه "به")؛ چهارمین اقدام برای تقویت اعضای بدن ۴۲
- ۴/۳/۴/۱. ایجاد محبت در قلوب (کاهش نزاع) و برطرف کننده ترس؛ برخی از آثار میوه "به" در راستای تقویت قلب ۴۲
- ۴/۳/۵. ایجاد تهویه طبیعی برای ساختمان؛ پنجمین اقدام برای تقویت اعضای بدن (خصوصاً عضو "ریه") ۴۳
- ۴/۳/۵/۱. کاشت درختان معطر و مُثمر در قسمت شمالی و جنوبی ساختمان؛ راهکاری برای تهویه طبیعی ساختمان و تقویت ریه ۴۳
- ۴/۳/۶. راه اندازی مسابقات "سبق و رمایه" (سوارکاری و تیراندازی)؛ ششمین اقدام برای تقویت اعضای بدن ۴۴
- ۴/۳/۶/۱. بدن سازی طبیعی، انگیزه و شوق فراوان، شرط بندی حلال (برای مسابقه دهندگان)، خروج اخلاط ناسالم از بدن؛ برخی از فوائد مسابقات اسب دوانی ۴۴
- ۴/۴. مدیریت بیماری های شایع نیروهای مسلح؛ چهارمین اقدام اولویت دار برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت ۴۷
- ۴/۴/۱. بیماری چاقی؛ یکی از بیماری های شایع نیروهای مسلح ۴۷
- ۴/۴/۱/۱. مصرف کم آب؛ تدبیر اصلی برای درمان بیماری چاقی ۴۷
- ۴/۴/۲. بیماری های چشمی؛ یکی دیگر از بیماری های شایع نیروهای مسلح ۴۷
- ۴/۴/۲/۱. استفاده از "سرمه" در شب و مصرف میوه "به"؛ راه حل هایی برای درمان بیماری های چشمی ۴۷
- ۴/۴/۳. بیماری های ناشی از جراحی؛ یکی دیگر از بیماری های شایع نیروهای مسلح ۴۸
- ۴/۴/۳/۱. استفاده از عسل و داروهای طبیعی انعقاد خون (مانند سویق عدس، خاکستر پوست کدو و چوب نی)؛ راه حل هایی برای درمان جراحی ۴۸
- ۴/۴/۴. بیماری ضعف قلب؛ یکی دیگر از بیماری های شایع در نیروهای مسلح ۴۸
- ۴/۵. تغییر تعریف "دارو" (معرفی داروهای عمومی)؛ پنجمین اقدام اولویت دار برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت ۵۰
- ۴/۵/۱. تَجَوُّع (به خود گرسنگی دادن)؛ اولین و نافع ترین دارو ۵۰
- ۴/۵/۱/۱. شام؛ مهم ترین وعده غذایی (و لزوم عدم حذف آن در فرایند تجوُّع) ۵۱

- ۴/۵/۲. عسل؛ یکی دیگر از مهم‌ترین داروهای عمومی ۵۱
- ۴/۵/۳. داروی امام کاظم علیه السلام؛ یکی دیگر از داروهای عمومی ۵۳
- پیوست‌ها: ۵۴
- پیوست شماره ۱: اساسنامه فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران. ۵۵
- پیوست شماره ۲: اهمیت و فوائد خرما (خصوصا خرمای عجوه) در روایات. ۶۱
- پیوست شماره ۳: تاثیر فراوان "نمک طبیعی" بر درمان و پیشگیری از بیماری‌ها. ۶۷
- پیوست شماره ۴: مضرات زیادآب نوشیدن ۷۲
- پیوست شماره ۵: تاثیر فراوان "تجوُّع" (به خود گرسنگی دادن) بر درمان بیماری‌ها. ۷۴
- پیوست شماره ۶: مضرات فراوان ترک وعده "شام" بر سلامتی. ۷۶
- پیوست شماره ۷: تاثیر فراوان "عسل" بر درمان بیماری‌ها. ۷۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على سيدنا ونبينا وشفيعنا في يوم الجزاء وحبیب قلوبنا ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقيه الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعداءه، اعداء الله من الان الى قيام يوم الدين.

۱. مقدمه:

خدمت برادران و خواهران گرامی، پژوهشگران و اطباء محترم "طب اسلامی" خیرمقدم عرض می‌کنم. همانطور که به استحضار شما رسیده است؛ نشست امروز به تبیین مسئله مهم "طبيب مشاور" اختصاص دارد.

۱/۱. مشاوره دادن به مسئولین و امرای کشور در زمینه چگونگی ایجاد زیرساخت‌های "پیشگیری از بیماری" در

بخش‌های مختلف جامعه؛ مهم‌ترین وظیفه طبیب

همانطور که برادران استحضار دارند، در مجموعه آیات و روایاتی که مرتبط با حوزه سلامت است، ما به سه نوع طبابت و دخالت در مسئله سلامت توصیه شده‌ایم؛ که به دلیل اینکه در آغاز "نظام‌سازی در حوزه سلامت" قرار داریم و هنوز همه روایات و آیات این حوزه به دقت مورد بازخوانی و درایه قرار نگرفته است. معمولاً تصور ما از "طب اسلامی" این است که فقط باید "نسخه" برای بیمار نوشته شود؛ ولی وقتی دقت در آیات و روایات افزایش پیدا می‌کند، از بعضی آیات و روایات استفاده می‌شود که برای طبیب، مهمتر از اینکه برای درمان بیماری "نسخه" بنویسد، این است که مجموعه‌ای از مشاوره‌ها را به مسئولین و امرای کشور ارائه دهد که نظم جامعه بر ضد سلامت عمل نکند.^۱ زیرساخت‌ها و تدابیری را مسئولین باید مورد توجه قرار دهند که اگر از این تدابیر و زیرساخت‌ها

۱. ارجاع پژوهشی؛ و مِنْ كَلَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَمَاءُ بَعْضِ الشَّيْخَةِ نَثْرَ الدَّرَزِ: لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنِ ثَلَاثَةِ يَفْرَعٍ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ، فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا: فقيه عالم و روح، و أمير خیر مطاع، و طبیب بصیر یقین.

امام صادق علیه السلام: مردم هیچ آبادی‌ای از سه گروه، بی‌نیاز نیستند که در کار دنیا و آخرت خویش به ایشان پناه ببرند و چون آنان را نداشته باشند، شوریخت باشند: فقیه دانا و پرهیزگار، امیر نیکوکار و فرمان‌روا، و طبیب آگاه و مورد اعتماد.

غفلت شود، بیماری گسترش پیدا می‌کند. معنای ساده بی‌توجهی نسبت به "طیب مشاور" این است که: اگر شما این مجموعه توصیه‌ها را بحث و گفتگو نکنید، نظم جامعه، ضدسلامت عمل می‌کند و این باعث می‌شود بیماران و بیماری‌های زیادی ایجاد شود و همیشه اطباء مشغول نوشتن "نسخه درمان" باشند، مثل وضعیتی که الان در آن به سر می‌بریم.

۱/۲. بی‌توجهی و نقصان علم پزشکی نوین نسبت به "پیشگیری از بیماری"؛ علت تمرکز خدمات پزشکی بر حوزه "درمان" و گسترش همه انواع بیماری‌ها در کشور

شما می‌بینید که عمده خدماتی که وزارت بهداشت و درمان ارائه می‌دهد، خدمات حوزه "درمان" است؛ [مانند اینکه: دارو تجویز می‌کند، تخت بیمارستانی تجهیز می‌کند، بیمارستان می‌سازد. چرا وزارت بهداشت دائماً خدمات حوزه درمان را افزایش می‌دهد؟ علتش این است که ساختار نظام اجتماعی ما به عوامل ایجادکننده سلامت بی‌توجه است.

البته بعضی، بحث که به اینجا می‌رسد می‌گویند که: «وزارت بهداشت عمداً این کار را می‌کند!»، ولی من همیشه گفته‌ام که: شخصیت‌هایی که در وزارت بهداشت ما هستند، بری از تهمت‌اند. نمی‌دانند و علمش را ندارند که ساختار نظم اجتماعی را مبتنی بر توصیه‌های سلامت بازسازی کنند. شما مطمئن باشید وزیر بهداشت فعلی جمهوری اسلامی یا وزرای بهداشت و سایر شخصیت‌هایی که در "فرهنگستان علوم پزشکی" هستند، اینها اگر علم و اطلاعات کافی را در این حوزه داشتند، حتماً اقدام می‌کردند. من با این بحث‌ها خیلی موافق نیستم که وقتی ما می‌دانیم فرهنگستان علوم پزشکی به لحاظ سواد در این مسئله دچار نقصان است، مسئله را جور دیگری واگویی کنیم و خدایی نکرده بحث را به دعوا تبدیل کنیم.

دلسوزی طبقه پزشکان، پرستاران و سیاست‌گذاران حوزه سلامت کشور برای ما واضح است. حالا چرا با وجود اینکه این دوستان دلسوز هستند، دائماً ساختار اجتماعی ما در حال تولید بیماری است؟! علامتش هم این است که تقریباً همه انواع بیماری‌ها در جامعه ما در حال گسترش است.^۳ چرا ضمن این دلسوزی، این همه بیماری تولید می‌شود؟ پاسخش از نظر ما این است که سواد پزشکی نوین دچار نقصان است که قدرت پیشگیری ندارد و قدرت جلوگیری از بیماری‌ها را به پزشکان ما نمی‌دهد.

۲. **ارجاع پردازشی: فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران طبق اساسنامه مصوب جلسه مورخ ۶۸/۵/۱۰ شورای مشترک کمیسیونهای ۱ و ۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی ... و در اجرای ماده ۵ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل شده است.**

این اساسنامه مشتمل بر نوزده ماده و هشت تبصره به پیشنهاد شماره ۳۰۱۳ مورخ ۱۳۶۸/۴/۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۵/۱۰ شورای مشترک کمیسیونهای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت و به تصویب رسید.

آدرس مطلب: اساسنامه فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران / سایت مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100020>

جهت مشاهده متن کامل «اساسنامه فرهنگستان علوم پزشکی»: به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

۳. **ارجاع پردازشی:** به گزارش ایرنا، دکتر سعید نمکی، وزیر بهداشت در دیدار با محسن حاجی میرزایی، وزیر آموزش و پرورش افزود: ... از ۳۸۰ هزار مورد مرگ و میر سالانه در سالهای اخیر، ۹۷ هزار مورد مربوط به **فشارخون** بالا بوده است. الان این همه برای کرونا و مرگ و میر بالای کرونا غصه می‌خوریم متوجه نیستیم که سالانه ۱۰۰ هزار نفر به وسیله قاتل خاموشی به نام پرفشاری خون، جان خود را از دست می‌دهند. «می‌گوییم هر سه دقیقه یک ایرانی به دلیل کرونا می‌میرد اما هر دو دقیقه یک نفر به دلیل پرفشاری خون، می‌میرد که هیچ وقت هیچ کدام از ما به آن فکر نکرده ایم».

آدرس مطلب: سایت خبرگزاری ایرنا - <https://b2n.ir/875163>

به گزارش خبرگزاری میزان: در سال ۹۶ حدود ۳۸۰ هزار مرگ در کشور گزارش شد که ۳۱۳ هزار مورد آن به دلیل **بیماری‌های غیرواگیر** بود. از این ۳۱۳ هزار مورد، ۱۶۱ هزار مورد به **دلیل بیماری‌های قلبی و عروقی** بود و حدود ۹۷ هزار مورد از مرگ و میر مردم ایران مستقیماً به دلیل **فشار خون** بوده است.

آدرس مطلب: سایت خبرگزاری میزان - <https://b2n.ir/250112>

این نشست در چنین فضایی می‌خواهد وارد بحث شود و مجموعه‌ای از سیاست‌ها و توصیه‌ها را مطرح کند که مثلاً در یک دهه آینده، اساساً بیماری‌ها اینقدر ایجاد نشود که حالا پزشکان ما اعم از پزشکان سلول پایه، طب سنتی و طب اسلامی مجبور شوند اینقدر نسخه بنویسند. این اساس بحث است. از نظر من خیلی بحث مهمی است. شما در ۴۰ سال گذشته، وقتی گفتگوهای وزرای بهداشت و نشست‌های تخصصی را پیگیری می‌کنید، می‌بینید در حد اجمال به مسئله "پیشگیری از بیماری" پرداخته شده است. بله؛ اسمش می‌آید اما در عمل چیزی نمی‌بینیم. ما این عبارت معروف بدون مغز را زیاد از سیاست‌گذاران حوزه سلامت می‌شنویم که می‌فرمایند: «پیشگیری بهتر از درمان است»؛ ولی آدم وقتی مجموعه قوانین کشور را بررسی می‌کند و عملکردها را می‌بیند، مشاهده می‌کند که "سیاست‌گذاری پیشگیری" در کشور تفصیلی نیست. از جمله نتایج آن هم این شده است که همه انواع بیماری‌ها در جامعه ما گسترش پیدا می‌کند و جامعه ما را با چالش روبرو می‌کند. این اساس بحث ماست. لذا ما در حوزه علمیه قم تصمیم گرفتیم، مجموعه گفتگوهایی را تحت عنوان "طیب مشاور" در کشور راه‌اندازی کنیم.

۱/۳. انواع نسخه‌های مورد نیاز در راستای تغییر و ایجاد نظم اجتماعی مبتنی بر "پیشگیری از بیماری":

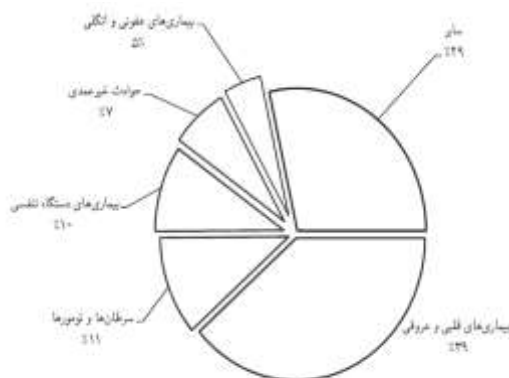
۱/۳/۱. نسخه مشاوره: مشورت دادن به مسئولین و امرای کشور در بخش‌های مختلف در مورد چگونگی تغییر و ایجاد نظم

اجتماعی مبتنی بر پیشگیری از بیماری (پیوست سلامت)

کار طیب مشاور این است که می‌گوید چه تغییراتی در نظم اجتماعی ایجاد کنید تا مردم بیمار نشوند. این تدابیر را به تفصیل بحث می‌کند. بنابراین یک نوع نسخه دیگر را ما باید در جامعه به اسم "نسخه مشاوره" رواج دهیم. این نسخه مشاوره برای بیمار نوشته نمی‌شود بلکه برای امرا و مسئولین کشور نوشته می‌شود. که وقتی خواستند تصمیمی بگیرند، با ملاحظه سلامت باشد. الان معروف است که می‌گویند: همه طرح‌های کشور، باید "پیوست زیست‌محیطی" داشته باشد. اصطلاحی در برنامه‌نویسی است که به

بر پایه داده‌های مرگ و میر پایگاه اطلاعات جمعیت کشور در سال گذشته ایرانیان بیش از هر چیز دیگر به دلیل بیماری‌های قلبی و عروقی از دنیا می‌روند. رتبه بعدی به سرطان‌ها، تومورها و پس از آن بیماری‌های دستگاه تنفسی اختصاص دارد. رتبه‌های بعدی کشندگی به حوادث غیرعمدی مانند سوانح رانندگی و بیماری‌های عفونی و انگلی اختصاص می‌یابد.
<https://www.yjc.news/00SIYC> - ۱۳۹۷ اسفند ۱۵ - تاریخ گزارش: باشگاه خبرنگاران جوان

پنج دلیل اول مرگ‌های ثبت شده در سال ۱۳۹۷ عبارتند از: بیماری‌های قلبی و عروقی با ۶.۳۸ درصد، سرطان و تومورها با ۳.۱۱ درصد، بیماری‌های دستگاه تنفسی با ۹.۰۸ درصد، حوادث غیرعمدی با ۱.۰۷ درصد و بیماری‌های عفونی و انگلی با ۷.۰۴ درصد که این ۵ دلیل، ۵.۷۱ درصد از مرگ و میرهای به ثبت رسیده را شامل می‌شود.



نمودار ۱: سهم پنج دلیل مرگ با بیشترین فراوانی از کل مرگ‌های ثبت شده

تدریج وارد می‌شود. حالا حرف ما هم شبیه همین است. ما می‌گوییم: تصمیماتی که برای کشور می‌گیرند باید "پیوست سلامت" داشته باشد. یعنی: تصمیمی که یک مسئول در کشور جمهوری اسلامی می‌گیرد (و در سایر نقاط دنیا هم این امر جاری است) آن تصمیم اگر پیوست سلامت نداشته باشد (ولو اینکه سود اقتصادی و ۱۰ فایده دیگر هم داشته باشد) در نهایت منجر به گسترش بیماری‌ها خواهد شد.

بنده مایلم قبل از ورود به اصل بحث، ایده دلسوزانه ما خوب درک شود. ما عرض مان این است که: مسئولین کشور برای هر تصمیمشان باید پیوست سلامت داشته باشند. تصمیمی که بی‌توجه به پیوست سلامت گرفته می‌شود، از نظر کارشناسی الگوی پیشرفت اسلامی تصمیم غلطی است. این موضوع جلسه ما است که می‌خواهیم به آن بپردازیم.

۱/۳/۲. نسخه موازنه: نقد نسخه‌های غلط پزشکی نوین و تبیین نسخه جایگزین

البته ما یک نوع نسخه دیگر را هم در آیات و روایات تحت عنوان "نسخه موازنه" استنباط می‌کنیم که شرحش را در جلسات دیگری مطرح می‌کنم. اجمالاً موضوع "نسخه موازنه"، نقد نسخه‌های غلط است. این هم یک کاری است. نسخه موازنه را ما برای بیمار نمی‌نویسیم، بلکه برای پزشک‌ها می‌نویسیم.

۱/۳/۲/۱. ارائه ۲۴ پروتکل فقهی مدیریت کرونا در مقابل پروتکل‌های بهداشت جهانی؛ یک نمونه از نسخه‌های موازنه

ما آن ۲۴ پروتکل را که برای مدیریت قضیه کرونا در حوزه علمیه قم پیشنهاد دادیم؛^۴ این‌ها "نسخه موازنه" بود. به این معنا که نقد پروتکل‌های سازمان WHO بود. این نوع نسخه‌نویسی، مخصوص اطباء است. مرسوم است که بعضی از اطباء محترم، نسخه‌های غلط را ترویج می‌دهند. پس ما برای خود اطباء هم باید نسخه بنویسیم. به این معنا که نسخه‌های غلط آن‌ها را نقد کنیم.

۲/۳/۲/۲. نقد نسخه پیوند قلب حیوان به انسان (در نشست‌های آینده)؛ نمونه‌ای دیگر از نسخه‌های موازنه

من همین‌جا اعلام کنم: مثلاً ما این نسخه را که "پیوند قلب حیوانی به انسانی" عمومی شود؛ به دلیل جایگاه قلب نسخه غلطی می‌دانیم. در آینده ان‌شاء‌الله نشست در این مورد را برگزار خواهیم کرد. ما اشکالاتی که به "پیوند قلب حیوان به انسان"، خصوصاً "پیوند قلب خوک به انسان" داریم را مطرح می‌کنیم و آنجا استدلال‌هایمان را عرض خواهیم کرد.

۳/۳/۲/۲. نقد داروهای آنتی‌هیستامین (در نشست‌های آینده)؛ نمونه‌ای دیگر از نسخه‌های موازنه

یا مثلاً از جمله بحث‌هایی که در نسخه موازنه در آینده بحث خواهیم کرد، نقد مجموعه "داروهای آنتی‌هیستامین (Antihistamine)"^۵ است که بسیار در جامعه ما رواج دارند. همین شربت‌های سرماخوردگی رایجی که وجود

۴. **ارجاع پژوهشی:** در این نشست به بررسی سه پرسش اصلی پرداخته شده است: پرسش اول: روش تحقیق در حوزه سلامت چگونه باید باشد؟ پرسش دوم: تعریف بیماری بنابر مباحث "الگوی فقهی تحلیل بیماری (پاتولوژی فقهی)؛ چیست و چگونه به وجود می‌آید؟ پرسش سوم: بیماری "کرونا" بنابر مباحث "الگوی فقهی تحلیل بیماری (پاتولوژی فقهی)" چه تعریفی پیدا می‌کند؟ پرسش چهارم: پروتکل‌های فقهی بیماری کرونا چیست؟ که در پاسخ به پرسش چهارم به بررسی سه دسته کلی از پروتکل‌های فقهی مدیریت کرونا پرداخته شد؛ که عبارتند از: الف) پروتکل‌های تسهیل تنفس و کنترل علائم حاد. ب) پروتکل‌های تعدیل‌کننده طبع. ج) پروتکل‌های تقویت قلب.

جهت مطالعه متن کامل این نشست؛ به پیاده فوری "پروتکل‌های فقهی مدیریت کرونا" از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی مراجعه کنید:

<https://eitaa.com/olgou4/3391>

۵. **ارجاع پرورشی:** histamine, biologically active substance found in a great variety of living organisms. It is distributed widely, albeit unevenly, throughout the animal kingdom and is present in many plants and bacteria and in insect venom. Histamine is chemically classified as an amine, an organic molecule based on the structure of ammonia (NH₃). It is formed by the decarboxylation (the removal of a carboxyl group) of the amino acid histidine

دارد، نوعی آنتی‌هیستامین هستند که بجای اینکه ریشه‌های بیماری را مدیریت کند، سبب ماندگاری بیماری در بدن و کنترل علائم بیماری می‌شود. ان‌شاء‌الله در آینده به فضل الهی، جلسه‌ای در "نقد تجویز آنتی‌هیستامین‌ها" برگزار خواهیم کرد.

در مجموع، غیر از "نسخه درمان" که برای یک بیمار می‌نویسید، با این نسخه قصد دارید که شفا را از خدا برای بیمار طلب کنید و آن نسخه را وسیله‌ای برای جریان شفا قرار دهید؛ حال جدای از اینها باید "نسخه مشاوره" هم بنویسید، به این معنا که باید پیوست‌های سلامت را در همه حوزه‌ها، به مدیران جمهوری اسلامی پیشنهاد دهید.

با صراحت عرض می‌کنم که: ما نباید به‌عنوان جریان طب اسلامی دائماً "تحصن" و "تجمع" داشته باشیم؛ من این کار را از اول غلط می‌دانستم. ما به‌جای تجمع‌های دائمی، باید نسخه‌های مشاوره متعدد را بنویسیم و در اختیار مسئولین قرار دهیم. اگر شما فهم علمی جدیدی در مورد کنترل یک بیماری دارید، این فهم جدید را نمی‌شود با "الگوی تحصن و تجمع"، به مسئول انتقال داد. قالب انتقال فهم جدید به مسئولین، برگزاری "نشست‌های تخصصی متعدد" است، نه "برگزاری تجمع‌های متعدد". بنابراین ما ان‌شاء‌الله حتماً این تصحیح را در عملکرد برنامه‌ریزی خود اعمال کرده و پیش خواهیم برد و این سه نسخه را دائماً می‌نویسیم. البته الحمدلله "نسخه درمان" به برکت دوستان فاضل طب اسلامی رواج دارد. نسخه‌های درمان مجرب، ارزان قیمت و با کمترین آسیب، در جامعه ما جریان پیدا کرده است. ان‌شاء‌الله با برگزاری این نوع جلسات و کارگاه‌های تخصصی دیگر، روش نوشتن "نسخه مشاوره" و "نسخه‌های موازنه" هم در جامعه جا انداخته و راجع به آن بحث می‌کنیم.

این مقدمه‌ای بود برای اینکه بدانیم برای چه این نشست تخصصی را در حوزه علمیه حاجی کلباسی شهر اصفهان برگزار می‌کنیم. این یک خیرخواهی برای وزارت بهداشت و سایر مسئولین است. تقاضای ما یک جمله است: همه ما باید طبق قَسَمی که در نظام‌نامه پزشکی خورده‌ایم (پزشکان این قسم‌نامه را مطرح می‌کنند) باید همه دائماً دانش خود را افزایش دهند. این حرف اصلی ما

هیستامین، ماده فعال بیولوژیکی که در انواع زیادی از موجودات زنده یافت می‌شود. این به‌طور گسترده، البته نابرابر، در سراسر قلمرو حیوانات توزیع شده است و در بسیاری از گیاهان و باکتری‌ها و در سم حشرات وجود دارد. هیستامین از نظر شیمیایی به‌عنوان یک آمین، یک مولکول آلی بر اساس ساختار آمونیاک (NH₃) طبقه بندی می‌شود. از دکربوکسیلاسیون (حذف یک گروه کربوکسیل) اسید آمینه هیستیدین تشکیل می‌شود.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://www.britannica.com/science/histamine>

antihistamine, Synthetic drug that counteracts the effects of released histamine in the body. Antihistamines compete with histamine at one of the three types of histamine receptors, preventing allergic attacks or inflammation. Some antihistamines also prevent motion sickness and vertigo. Drowsiness is a frequent side effect. H₂ antihistamines, which bind to the second receptor type, are used to control gastric-acid secretion and treat peptic ulcers.

آنتی هیستامین، داروی مصنوعی که با اثرات هیستامین آزاد شده در بدن مقابله می‌کند. آنتی هیستامین‌ها در یکی از سه نوع گیرنده هیستامین با هیستامین رقابت می‌کنند و از حملات آلرژی یا التهاب جلوگیری می‌کنند. برخی آنتی هیستامین‌ها نیز از بیماری حرکت و سرگیجه جلوگیری می‌کنند. خواب‌آلودگی یک عارضه جانبی مکرر است. آنتی هیستامین‌های H₂ که به نوع دوم گیرنده متصل می‌شوند، برای کنترل ترشح اسید معده و درمان زخم معده استفاده می‌شود.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://www.britannica.com/facts/antihistamine>

۶. **ارجاع پردازشی:** در ماده ۱ (هدف) و ماده ۲ (وظایف) اساسنامه فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۳۶۸/۵/۱۰ به تصویب رسید؛ اینچنین آمده است:

ماده ۱ هدف: نیل به استقلال علمی و فرهنگی و توسعه علوم و فنون پزشکی و تهویت روح پژوهش و ارتقای سطح علوم پزشکی کشور و دستیابی به آخرین یافته‌ها و نوآوری‌ها در عرصه دانش پزشکی از طریق فعالیتهای جمعی و جذب و حمایت و تشویق از دانشمندان و محققان برجسته.

ماده ۲ وظایف: ۱. کوشش در جهت گسترش مرزهای دانش و تلاش مستمر برای ارتقای سطح دانش و پژوهش در کشور. ۲. بررسی و تحلیل وضعیت علمی و فنی آموزشی و پژوهشی علوم پزشکی کشور و ارائه پیشنهاد در زمینه بهبود و ارتقای آن به مراجع ذیربط. ۳. انجام دادن امور مشاوره علمی و تحقیقاتی اساسی و مسائل مربوط به تکنولوژی که از سوی دولت و شورای پژوهش‌های علمی و مراکز علمی و تحقیقاتی از فرهنگستان درخواست می‌شود و ارائه پیشنهاد‌های لازم در این زمینه‌ها. ۴. مطالعه تجربیات کشورها در کسب و

است. حالا همه دانش در کتاب "هاریسون" نیست؛ ما فکر می‌کنیم بخشی از دانش پزشکی در کتاب "محاسن" و "اصول کافی" است. این‌ها را هم باید دوستان مورد توجه قرار دهند. ما حاضریم به‌هر حال برای دوستان پزشکمان جلساتی برگزار کنیم و آنها را با این دانش‌های جدید و کارآمد، آشنا کنیم.

۱/۴. تبیین اجمالی سرفصل‌ها و پرسش‌های مطرح در جلسه

در جلسه امروز، بنده برای خوب جا افتادن ایده نسخه مشاوره، به سه پرسش پاسخ می‌دهم. یعنی اساس بحث‌های ما در این جلسه، پرداختن به سه سوال است. سوال اول این است که نسخه مشاوره براساس چه روش تحقیق تدوین می‌شود؟ یعنی روش تحقیقی که ما در نوشتن "نسخه مشاوره" به کار گرفتیم، آیا همین روش تحقیق علوم پزشکی موجود است؟ یا روش تحقیق دیگری است؟ این سوال اول جلسه است. البته این سوال در سایر بخش‌ها هم تکرار می‌شود. مثلاً در "نسخه درمان" هم این سوال مطرح می‌شود که نسخه درمانی شما، براساس چه روش تحقیقی نوشته شده است؟ سؤال از روش تحقیق، سوال مبارکی است. هرکسی بحث روش تحقیق خود را مطرح نکند، یا به اجمال مطرح کند، نمی‌خواهد راجع به معادلات دانشی خود با دیگران تفاهم کند. این اصل بحث است. بنابراین ما برای اینکه زمینه را برای گفتگو با دوستان پزشکمان در وزارت بهداشت باز کنیم، همیشه سوال اولمان، بحث از "روش تحقیق فقهی در حوزه سلامت" است و البته اشکالات روشن و مشخصی هم به روش تحقیق فعلی حوزه پزشکی داریم که عرض خواهم کرد. مهم‌ترین اشکال ما [به روش تحقیق پزشکی مدرن] این است که: "تحقیق مبتنی بر حدس"، علمی نیست. هرکس مبتنی بر "فرضیه حدس‌محور" وارد تحقیقی شود، کارش "علمی" نیست، بلکه "شبه‌علمی" است. پس در سوال اول از ما می‌پرسند مشاوره‌تان را بر اساس چه روش تحقیقی نوشته‌اید؟ ان شاء الله بنده به این سوال پاسخ خواهم داد. بخشی از ویژگی‌های روش تحقیق مان را تبیین می‌کنم.

سوال دومی که در بحث است، این است که: ساختار ارائه مشاوره به مسئولین در حوزه سلامت، کدام است؟ یعنی ما چند نوع مشاوره به مسئولین می‌دهیم؟ روشن‌تر عرض کنم: این "پیوست سلامت" که ما می‌خواهیم به مسئولین ارائه دهیم، چند بخش دارد؟ این هم سوال دوم بحث است. ما توصیه تک‌بعدی به مسئولین در حوزه سلامت نخواهیم کرد. به شرحی که عرض می‌کنم، نسخه‌های مشاوره اولیه ما ۵ بخش و نسخه‌های مشاوره تکمیلی ما ۹ بخش دارد. که بنده امروز یک نسخه مشاوره پنج‌بخشی را تبیین خواهم کرد. این پنج بخش چیست؟ شرح می‌دهم.

ولی خواهش می‌کنم پژوهشگران و اطباء محترم حاضر در جلسه، توجه کنید که مشاوره تک‌بعدی، منجر به تحقق سلامت نخواهد شد. مثلاً: [اگر] شما بگویید من فقط راجع به "غذا"، مشورت می‌دهم [سلامت افراد جامعه تحقق پیدا نمی‌کند]. اصطلاحاً یک شعار تبلیغاتی هم شده است که می‌گویند: «غذای تو، داروی توست.» می‌گویند: «اگر فقط غذا را اصلاح کنید،

توسعه علوم و تکنولوژی پزشکی و همچنین بررسی آخرین یافته‌های علمی و نحوه استفاده از آنها با توجه به زمینه‌ها و امکانات موجود در کشور. ۵. تشویق و ترغیب دانشمندان و پژوهشگران به خلق آثار علمی، از طریق حمایت مادی و معنوی ایشان. ۶. ایجاد تسهیلات لازم در جهت مبادله اطلاعات و نتایج تحقیقات و تبادل نظر بین دانشمندان و محققان و مبادله متخصصان و پژوهشگران علوم پزشکی سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی و جهان سوم با واگذاری بورس و استفاده از مسافرت‌های علمی و فرصت‌های مطالعاتی از طریق مراجع ذیربط. ۷. بررسی و پیشنهاد ضوابط در خصوص ارتقاء سطح علمی سمینارها و کنگره‌ها و کنفرانس‌های پزشکی در سطح ملی و بین‌المللی و ارزیابی این گونه‌مجامع. ۸. برگزاری سمینارها و کنفرانسها و کنگره‌ها و سمپوزیوم‌ها در زمینه جدیدترین یافته‌های علوم پزشکی. ۹. اشاعه اطلاعات و دانسته‌های علوم پزشکی از طریق انتشار مجلات و کتب علمی و پژوهشی بالاخص نتایج تحقیقات و یافته‌های جدید علوم پزشکی در سطح کشور و جهان. ۱۰. اعطای پاداش و جایزه و نشان علمی به دانشمندان و پژوهشگران و مؤسساتی که خدمات علمی برجسته‌ای انجام داده‌اند از طریق مراجع قانونی. ۱۱. پیشنهاد تخصیص اعتبارات و امکانات تحقیقاتی برای فعالیتهای دانشمندان برجسته. ۱۲. بررسی و تصویب عضویت فرهنگستان در مجامع و سازمانهای بین‌المللی که وظایف و اهداف متناسب با وظایف و اهداف فرهنگستان دارند در چهارچوب قوانین و مقررات کشور.

آدرس مطلب: سایت مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100020>

سلامت به جامعه برمی‌گردد.» [در حالی که] این طور نیست. چرا؟ چون "نظامات غذایی"، بخشی از "نظامات اجتماعی" اند. نظامات اجتماعی، محدود به "نظم حوزه غذا" نیست. مثلاً: شما یک نظامات آموزشی و یا یک نظام مهندسی هم دارید که اینبه (ساختمان‌های) یک جامعه را می‌سازد. چون نظامات اجتماعی متعدد است، به عدد نظامات اجتماعی، شما باید نسخه مشاوره بنویسید. این اصل سوال دوم است. دوباره تکرار کنم تا پخته‌تر شود: سوال دوم این است که اگر طبیب طب اسلامی خواست نسخه مشاوره بنویسد، نسخه‌اش چند بعدی باشد؟ چند بخش داشته باشد؟ ما می‌گوییم به عدد نظامات اجتماعی، نسخه شما باید دارای ابعاد باشد که این را ان‌شاء الله شرح خواهم داد.

۴/۱/۱. چهار اولویت اول (از بین بخش‌های مختلف کشور) برای ارائه نسخه مشاوره:

سوال سوم (و شاید مهم‌ترین سوال جلسه) این است که: کدام یک از امرآ و مسئولین کشور، بیشترین نیاز را به نسخه مشاوره دارند؟ البته توجه داشته باشید که چون مدت‌ها "طب سلول پایه" در کشور ما تدریس شده است (که بیشترین ضعف را در حوزه ایجاد "پیشگیری از بیماری" دارد و شاید ضعیف‌ترین معادلات را در بین مکاتب طبی، برای پیشگیری از بیماری ارائه داده است، حتی آنجایی که بحث از پیشگیری را هم مطرح کرده معادلاتش ضعیف است)؛ لذا جامعه ما در همه بخش‌ها نیازمند "نسخه مشاوره" است. بنده به یک معنا، همه بخش‌ها را دارای اولویت می‌دانم. یعنی اگر مجموعه شامل حدود ۱۰ هزار پژوهشگری که ما در "طب اسلامی" در سراسر کشور داریم، فرض کنید همه شروع کنند با همدیگر نسخه مشاوره بنویسند، شاید یک دهه طول بکشد تا ما پیوست‌های سلامت را برای همه حوزه‌ها بحث کنیم. بنده اصرار دارم این را بگویم که خیلی در دانش "پیشگیری از بیماری"، عقب‌افتاده هستیم! و به دلیل این عقب‌افتادگی، یک جهاد همه‌جانبه نیاز است تا سلامت را به جامعه برگردانیم. ولی با این حال از بین همه بخش‌های دارای اولویت، برخی اولویت بیشتری دارند.

بنده چهار بخش را دارای اولویت بیشتر می‌دانم و به استدلال‌های آن اشاره خواهم کرد:

۴/۱/۱/۱. نیروهای مسلح کشور؛ اولین اولویت از بخش‌های مختلف کشور برای ارائه نسخه مشاوره

۴/۱/۱/۱/۱. تأثیر فراوان در حفظ امنیت مردم و کشور (خصوصاً در آشوب‌ها و فتنه‌های آخرالزمان)؛ دلیل اولویت‌دادن به

نیروهای مسلح در ارائه نسخه مشاوره

اول: نوشتن پیوست سلامت برای "نیروهای مسلح جمهوری اسلامی". علت این است که این‌ها "حصون امت" هستند.^۷ این‌ها سد دفاعی ملت ایران و همه ملت‌ها در برابر هجوم‌ها هستند. اگر آنها خدایی نکرده به "بیوتوررسم" و بعضی چالش‌ها مبتلا شوند، همه

۷. ارجاع پژوهشی: و من کتاب له ع کتبه للأشتر النعمي [رحمه الله] لما ولاه علی مصر و أعمالها حين اضطرب أمر أميرها محمد بن أبي بكر، و هو أطول عهد كتبه و أجمعه للمحاسن: بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما أمر به عبد الله علي أمير المؤمنين مالك بن الحارث الأشتر في عهده إليه حين ولاه مصر جباية خراجها و جهاد عدوها و استصلاح أهلها و عمارة بلادها... و أعلم أن الرعية طبقات لا يصلح بعضها إلا ببعض و لا غنى ببعضها عن بعض فميتها جئود الله و منها كتاب العامة و الخاصة و منها قضاء العدل و منها عمال الإصناف و الرفق و منها أهل الجزية و الخراج من أهل الذمة و مسلمة الناس و منها التجار و أهل الصناعات و منها الطبقة السفلى من ذوي [الحاجات] الحاجة و المسكنة و كل قد سقى الله له سهمته و وضع على حده [و فريضته] فريضة في كتابه أو سنة نبية ص عهداً منه عندنا مخفوطاً. قال جئود ياذن الله حصون الرعية و زينى الأولية و عز الدين و سبل الأمن و ليس تقوم الرعية إلا بهم ثم لا قوام إلا للجئود إلا بما يخرج الله لهم من الخراج الذي تقوون به على جهاد عدوهم و يعتمدون عليه فيما يضلحهم و يكون من وراء حاجتهم ثم لا قوام لهذين الضنفتين إلا بالصنف الثالث من القضاء و العمال و الكتاب لما يحكمون من المعاقيد و يجمعون من المنافع و يؤتمنون عليه من خواص الأمور و عوامها و لا قوام لهم جميعاً إلا بالتجار و ذوي الصناعات فيما يجتمعون عليه من مرافقهم و يقيمونه من أسواقهم و يكفونهم من الترفق بإيديهم - [مما] ما لا تبلغه رفق غيرهم ثم الطبقة السفلى من أهل الحاجة و المسكنة الذين يحق رفقهم و مغوثهم و في الله لكل سعة و لكل على الوالي حق يقدر ما يضلحه و ليس يخرج الوالي من حقيقة ما أزمه الله [تعالى] من ذلك إلا بالاهتمام و الاستعانة بالله و توطين نفسه على لزوم الحق و الصبر عليه فيما حث عليه أو ثقل...

نامه امیرالمومنین (علیه السلام) به مالک اشتر، در سال ۳۸ هجری هنگامی که او را به فرمانداری مصر برگزید، آن هنگام که اوضاع محمد بن ابی بکر متزلزل شد، و از طولانی‌ترین نامه‌هاست که زیبایی‌های تمام نامه‌ها را دارد:

ملت دچار مشکل خواهند شد. لذا بنده نسخه مشاوره امروز را با گرایش تقویت پیوست سلامت برای ستاد کل نیروهای مسلح مطرح می‌کنم. به این دلیل که نیروهای مسلح در حفظ امنیت مردم، خصوصاً در این آشوب‌های آخرالزمان و فتنه‌هایی که در آن به سر می‌بریم خیلی نقش بالایی دارند؛ بنابراین نسخه اول مشاوره ما، حدود ۲۵ توصیه است برای ستاد کل نیروهای مسلح و برای برادر خوبم سرلشکر باقری که ان‌شاءالله گزارش این جلسه را در اختیار ایشان قرار خواهیم داد.

۴/۱/۱/۲. آموزش و پرورش کشور؛ دومین اولویت از بخش‌های مختلف کشور برای ارائه نسخه مشاوره

حوزه دومی که ما باید به آن پردازیم و پیوست سلامت برایش ارائه دهیم، "آموزش و پرورش کشور" است. باید سلامت در سنین پایین تامین شود و درک احداث (نوجوان‌ها) و جوان‌های ما راجع به مسئله سلامت، افزایش پیدا کند. این دومین حوزه است که البته در این جلسه خیلی به آن نمی‌پردازم، بعداً راجع به آن بحث خواهیم کرد.

بنام خداوند بخشنده و مهربان، این فرمان بنده خدا علی امیر مؤمنان، به مالک اشتر پسر حارث است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد، و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح، و شهرهای مصر را آباد سازد... ای مالک بدان! مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا، و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران، و نیز طبقه پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند، که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته، و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است. پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راههای تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگرند، و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند، و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند. سپس سپاهیان و مردم، جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند، و آن قضات، و کارگزاران دولت، و نویسندگان حکومتند، که قراردادهای و معاملات را استوار می‌کنند، و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند، و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند. و گروه‌های یاد شده بدون بازرگانان، و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیاورند، زیرا آنان وسائل زندگی را فراهم می‌آورند، و در بازارها عرضه می‌کنند، و بسیاری از وسایل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندانند که باید به آنها بخشش و یاری کرد. برای تمام اقشار گوناگون یاد شده، در پیشگاه خدا گشایشی است، و همه آنان به مقداری که آموزشان اصلاح شود بر زمامدار، حقی مشخص دارند، و زمامدار از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موفق باشد جز آن که تلاش فراوان نماید، و از خدا یاری بطلبد، و خود را برای انجام حق آماده سازد، و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد... (ترجمه دشتی)

نهج البلاغه، ص ۴۳۱ (نامه ۵۳ به مالک اشتر نخعی) / تحف العقول، ص ۱۳۱ (با اندکی تفاوت)

بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۶۰۳ و ج ۷۴، ص ۲۴۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۶۳ / جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۶۴۶ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۴۸۲

عن علی ع: **الْجُودُ حُضُورُ الرَّعِيَّةِ.**

امیرالمومنین (علیه السلام): سپاهیان (نظامیان)، دژ مستحکم مردم هستند.

عیون الحکم و المواعظ (للشی)، ص ۵۰، ح ۱۲۹۷

۸. **ارجاع پژوهشی: "احداث"** به معنای "نوجوان" اصطلاحی است که در روایات به کار برده شده است؛ مانند:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ وَ أَنَا سَمِعُ «أَتَيْتُ الْبَصْرَةَ»؟ قَالَ: تَعَمْ. قَالَ: «كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ فِي هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِيهِ»؟. فَقَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ، وَ قَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ. فَقَالَ: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ».

به نقل از اسماعیل بن عبد الخالق شنیدم امام صادق علیه السلام به ابو جعفر اخول فرمود و من سخن وی را می‌شنیدم: به بصره رفتی؟ عرض کرد: آری. فرمود: شوق مردم به این امر (ولایت و امامت ما) و پذیرش آنها را چگونه دیدی؟ عرض کرد: به خدا قسم آنان اندکند، کارهایی کرده‌اند اما کم است. حضرت فرمود: **بر تو باد نوجوانان!** زیرا این گروه در پذیرش هر نوع خوبی شتاب بیشتری نشان می‌دهند.

الکافی، ج ۸، ص ۹۳ / قرب الإسناد، ص ۱۲۸ (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطَّبَّالِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ)

الوافی، ج ۳، ص ۹۰۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۸۷ / بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶

قال امیرالمومنین (علیه السلام): **وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ.**

امام علی علیه السلام: **قلب نوجوان**، در حقیقت چونان زمینی بایر است که هر چه در آن افکنده شود می‌پذیرد.

نهج البلاغه، ص ۳۹۳ (نامه ۳۱) / تحف العقول، ص ۷۰ / خصائص الأئمة علیهم السلام (خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام) (شریف الرضی)، ص ۱۱۶ (فیه «فَإِنَّ» بدل «وَ إِنَّمَا»)

نزہة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۵۸ / كشف المحجة لثمرة المهجة (ابن طاووس)، ص ۲۲۰

سند كشف المحجة: علی بن موسی بن طاووس فی كتاب كشف المحجة لثمرة المهجة **تلا من كتاب الرسائل لمحمد بن يعقوب الكلباسي** واستأذنه إلى جعفر بن عتبة بن زياد الأسيدي عن عمرو بن أبي المقدام عن أبي جعفر ع في وصية أمير المؤمنين ع لولده الحسن ع و هي طويلة منها

وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۸ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۳ / جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۶، ص ۸۴۸ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۵۳۹

۴/۱/۱/۳. حوزه ورزش کشور؛ سومین اولویت از بخش‌های مختلف کشور برای ارائه نسخه مشاوره

سومین حوزه: "حوزه ورزش کشور" است. ورزشکاران عزیز کشور، در بخش‌های مختلف به این پیوست نیاز دارند. فرض کنید ما پیوستی را برای تیم پرسپولیس یا استقلال طراحی کنیم و پیشنهاد دهیم؛ [با این کار، سلامت یک جمعیت کثیری از مردم تحت تاثیر قرار خواهد گرفت]. در مجموع برای همه ورزشکارانی که در کشور وجود دارند، باید نسخه مشاوره به سازمان تربیت بدنی ارائه شود و در اختیار آن‌ها قرار گیرد.

۴/۱/۱/۴. حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور؛ چهارمین اولویت از بخش‌های مختلف کشور برای ارائه نسخه مشاوره

و چهارمین اولویتی هم که برای نوشتن نسخه مشاوره در نظر گرفته‌ایم، مدیریت محترم "حوزه‌های علمیه" و مدیریت محترم "دانشگاه‌های کشور" است. وضعیت پیوست‌های سلامت، در حوزه علمیه و در دانشگاه‌ها باید ارتقاء پیدا کند و این میزان بیماری که الان در طلبه‌ها، دانشجویان و اساتید ما وجود دارد، نشان از این است که مدیریت حاکم بر حوزه علمیه و دانشگاه‌ها، به پیوست سلامت به نحو حداکثری توجه نکرده است.

بنابراین با این چهار اولویت، ما نسخه مشاوره را ان‌شاء‌الله در آینده تبیین خواهیم کرد. البته بنده عرض کردم، امروز گرایش نسخه مشاوره ما برای نیروی‌های نظامی و ستاد کل نیروهای مسلح است. بعد از بحث‌هایی که بنده امروز عرض خواهم کرد، اگر یک فرمانده نظامی در هر سطحی، گزارش ما را بخواند می‌تواند تصمیمات بهینه‌تری را اتخاذ کند. بله؛ تصمیمات یک فرمانده نظامی در حوزه امنیت است؛ منتها توجه کنید که امنیت، پیوست سلامت دارد که در موردش باید بحث کنیم. ان‌شاء‌الله حوزه آموزش و پرورش را هم که بحث کردیم، معنایش این می‌شود که حوزه آموزش و پرورش کشور هم پیوست سلامت دارد. ببینید آینده کار این‌گونه خواهد شد. مثلاً الان بنده دیدم که در مورد ورزشکاران کشور، فرض کنید وقتی در استادیوم آزادی مسابقات دربی و تیم ملی برگزار می‌شود، مسئولین مختلف از حیث‌های مختلف، یک بازی را ارزیابی می‌کنند. بنده تقریباً در هیچ خبری نمی‌بینم که ملاحظات سلامت در مصوبات آمده باشد و اگر هم آمده باشد خیلی ضعیف است. ببینید؛ آینده کار این‌گونه می‌شود که مثلاً یک تیم از اطباء طب اسلامی می‌نشینند برای برگزاری یک مسابقه، پیوست سلامت می‌نویسند که برگزارکنندگان چه اقداماتی انجام بدهند که سلامت مردم و ورزشکاران در بازی به مخاطره نیفتد. این تصویر آینده کار ما است. بنابراین رئیس یک دانشگاه، مدیر یک حوزه علمیه هم مشمول همین پیشنهاد می‌شود. مثلاً مدیر حوزه علمیه [و مدیران دانشگاه‌های کشور] چه تصمیماتی بگیرند که سلامت در حوزه علمیه و در دانشگاه ارتقاء پیدا کند؟ این هم سرفصل سوم بحث است. پس ما به این سه سوال پاسخ خواهیم داد. من پیشاپیش از همگی عذرخواهی می‌کنم؛ ممکن است یک مقدار بحث طولانی شود و ان‌شاء‌الله ثانیه به ثانیه و لحظه به لحظه اش ذخیره راه طولانی عالم برزخ همه ما قرار بگیرد.

۲. سوال اول: نسخه مشاوره بر اساس چه روش تحقیقی تدوین می‌شود؟

خب من وارد سوال اول شوم. بر اساس چه روش تحقیقی در حوزه سلامت وارد می‌شویم و بحث می‌کنیم؟ اگر خاطرتان باشد در مناظراتی که سال‌های ۹۵ و ۹۶ در حوزه "تراریخته" داشتیم، یک بحث جدی را دانشمندان حوزه بیوتکنولوژی مطرح می‌کردند که در مناظرات هم آمد و این سوالات از ما پرسیده می‌شد. آن وقت آقایان می‌گفتند که: «شما برای نقد تراریخته دانش بیوتکنولوژی (biotechnology)» را مطالعه نکرده‌اید و در آن تخصص دانشگاهی ندارید؛ بنابراین نقدهای شما علمی نیست!» این سوال آن زمان مطرح می‌شد. حالا عین همان سوال را مطرح می‌کنند و مثلاً می‌گویند: «انتقاداتی که راجع به واکسن و یا پروتکل‌های فقهی کرونا از مجموعه اطباء و طرفداران طب اسلامی و مخالفین طب مدرن» وجود دارد، این انتقادات را کسانی مطرح می‌کنند که تخصصی در خصوص ایمنولوژی (Immunology) و دارو ندارند، تخصص‌های فارماکولوژی (Pharmacology) را بلد نیستند، پاتولوژی (Pathology) نخوانده‌اند؛ بنابراین اشکالات علمی نیست، شبه علمی است!» خب؛ ما چگونه جواب می‌دادیم؟ همه‌جا همین جواب را داده‌ایم که: اساساً نقد و اشکال ما به "تراریخته"، "واکسن"، مجموعه "داروهای آنتی‌هیستامین"؛ [همه] بر مبنای یک روش تحقیق دیگری [غیر از روش تحقیق موجود و مرسوم] است. ما از پایگاه یک روش تحقیق دیگری وارد بحث می‌شویم.

معنای سخن من این است که اگر کسی بر اساس یک روش تحقیق دیگری [غیر از روش تحقیق پزشکی سلول پایه] نقد کرد، شما به عنوان پزشک "سلول پایه" نمی‌توانید به او بگویید که "شبه علم" است. چون او بر اساس یک روش تحقیق دیگری وارد بحث شده است. این اهمیت روش تحقیق است. روش تحقیق باعث تولید گزاره‌های علمی می‌شود و این اساس بحث است.

۹. **ارجاع پرورشی:** **biotechnology:** the manipulation (as through genetic engineering) of living organisms or their components to produce useful usually commercial products (such as pest resistant crops, new bacterial strains, or novel pharmaceuticals also : any of various applications of biological science) used in such manipulation.

بیوتکنولوژی: دستکاری (مانند مهندسی ژنتیک) موجودات زنده یا اجزای آنها برای تولید محصولات مفید معمولاً تجاری (مانند محصولات مقاوم در برابر آفات، سویه های باکتریایی جدید، یا داروهای جدید) همچنین: هر یک از کاربردهای مختلف علوم زیستی که در چنین دستکاری استفاده می‌شود.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.merriam-webster.com/dictionary/biotechnology>

۱۰. **ارجاع پرورشی:** **Immunology,** the scientific study of the body's resistance to invasion by other organisms (i.e., immunity)

ایمنولوژی، مطالعه علمی مقاومت بدن در برابر تهاجم توسط موجودات دیگر (یعنی ایمنی).

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://b2n.ir/s?e=۵۶۸۰>

۱۱. **ارجاع پژوهشی:** **Pharmacology,** branch of medicine that deals with the interaction of drugs with the systems and processes of living animals, in particular, the mechanisms of drug action as well as the therapeutic and other uses of the drug

فارماکولوژی، شاخه ای از پزشکی است که به تعامل داروها با سیستم‌ها و فرآیندهای حیوانات زنده، به ویژه مکانیسم‌های اثر دارو و همچنین موارد درمانی و سایر موارد مصرف دارو می‌پردازد.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://b2n.ir/q34614>

۱۲. **ارجاع پرورشی:** معنای کلمه **پاتولوژی، مطالعه (logos) آسیب (pathos)** است. در این علم، بیماری‌ها و تغییرات مربوطه در سطح سلول‌ها، بافت‌ها و اندام‌ها که سبب ایجاد علائم و نشانه‌های بیماری می‌گردند مورد بررسی قرار می‌گیرند... علم پاتولوژی با توضیح علل و نحوه ایجاد بیماری، بنیان علمی پزشکی را فراهم می‌آورد.

کتاب آسیب شناسی پایه (عمومی) رابینز، ویرایش نهم، صفحه ۱۱

۲/۱. برخی از ویژگی‌های روش تحقیق حاکم بر نسخه مشاوره:

حالا روش تحقیق ما ویژگی‌هایی دارد که من در مجموعه مباحث "فقه‌البیان"^{۱۳} نه ویژگی را برای روش تحقیق فقهی بحث کرده‌ام. اتفاقاً اولین دوره‌ای که از فقه‌البیان بحث شد، در مدرسه چهارباغ اصفهان بود و در این شهر بحث‌های تفصیلی‌اش آغاز شد. در آن‌جا ۹ ویژگی برای روش تحقیق ذکر کردیم که به بعضی از آن اشاره می‌کنم. این‌ها ویژگی‌های روش تحقیق ماست.

۲/۱/۱. اتکاء بر اشراف، اولین ویژگی روش تحقیق حاکم بر نسخه مشاوره

ما معتقدیم کسی که "اشراف" به یک شیء یا یک پدیده دارد؛ هم توصیفش از یک شیء یا از یک پدیده، علمی است، و هم دلیلش علمی است. از اینجا روش تحقیقمان شروع می‌شود. شما یک شینی را تصور کنید، مثلاً "درخت گردو" را من خدمت شما مثال می‌زنم. ممکن است صد دانشمند در مورد درخت گردو کتاب بنویسند. حالا ما می‌خواهیم راجع به این صد دانشمند قضاوت کنیم و بگویم کتاب‌های این صد دانشمند علمی هستند یا خیر؟ قضاوت را از اینجا شروع می‌کنیم که آیا این صد نفری که راجع به درخت گردو کتاب نوشتند، اشراف به درخت گردو دارند یا هر کدامشان بخشی از درخت گردو را مطالعه کرده‌اند؟ فرض کنید یک درخت گردو یک اثری روی هوای پیرامون خودش دارد، میوه درخت گردو یک اثری روی انسان دارد، یک تاثیراتی روی موجودات دارد، اعم از حیوانات، حشرات، درختان و گیاهان اطراف. خود درخت گردو یک ریشه‌های خاصی دارد، و مثلاً با ریشه درخت چنار خیلی متفاوت است، مثلاً [خود درخت گردو] یک اندازه خاصی دارد. برگ درخت گردو یک اندازه خاصی دارد؛ می‌دانید که برگ با جذب نور نسبت دارد، وقتی می‌گوییم برگ درختان متفاوت هستند، یکی از معانی‌اش این است که میزان دریافت نور آن‌ها متفاوت است. (مثلاً در مورد درخت زیتون قرآن می‌فرماید: «این درخت "لا شَرْقِيَّةٌ" و "لا غَرْبِيَّةٌ" است.»)^{۱۴} یا در روایت می‌فرماید: «این درخت دو نوبت نور دریافت می‌کند.» هم زمان طلوع نور دریافت می‌کند، هم زمان غروب نور دریافت می‌کند.^{۱۵} این برمی‌گردد به ویژگی‌ای که در برگ درخت زیتون وجود دارد. همه برگ‌ها این‌گونه نیستند که بتوانند در دو نوبت نور تام دریافت

۱۳. ارجاع پژوهشی: "فقه‌البیان" یکی از ابواب نه‌گانه فقه هدایت است که دارای ۹ باب بحثی است و در مجموع، قواعد تخاطب منجر به هدایت را تبیین می‌کند. قواعدی همچون بیان مبتنی بر ظرفیت (قدر)، بیان مبتنی بر تأمل، بیان مبتنی بر مُکث، بیان مبتنی بر نظام مقایسه، بیان مبتنی بر رفق، بیان مبتنی بر منزلت و بیان مبتنی بر انفتاح. جهت مطالعه پیرامون این بحث مهم به دوره مباحثاتی "فقه‌البیان" از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی مراجعه کنید.

۱۴. ارجاع پژوهشی: اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (سوره مبارکه نور، آیه ۳۵)

خدا نور آسمان‌ها و زمین است وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن، چراغ پر فروغی است، و آن چراغ در میان آبگینه بلورینی است، که آن قندیل بلورین گویی ستاره تابانی است، [و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونی پربرکت که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود، [و] روغن آن [از پاکي و صافی] نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری خدا هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می‌کند، و خدا برای مردم مثل‌ها می‌زند [تا حقایق را بفهمند] و خدا به همه چیز داناست.

۱۵. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع فِي هَذِهِ الْآيَةِ ... «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ... زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» قَالَ: عَلَى سِوَاءِ الْجَبَلِ لَا غَرْبِيَّةَ أَيْ لَا شَرْقَ لَهَا وَ لَا شَرْقِيَّةَ - أَيْ لَا غَرْبَ لَهَا إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ طَلَعَتْ عَلَيْهَا - وَإِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ غَرَبَتْ عَلَيْهَا.

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۳

تفسیر الصافی (فیض کاشانی)، ج ۳، ص ۴۳۶ / بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۸

تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۰۶ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۳۰۹

کنند). خیلی سوال راجع به درخت گردو است. من همین را به شما عرض کنم که ما در "جدول تسخیر"^{۱۶} در بخش ویژگی‌های مشترک اشیاء، فعلاً چهل سوال مشترک راجع به هر شیئی با تکیه بر آیات و روایات استخراج کرده‌ایم.

۲/۱/۱/۱. ایجاد تالی فاسد؛ یکی از آثار عدم اتکاء به اشراف

حالا نکته فنی بحث این است که: اگر یک پژوهشگری "مبتنی بر اشراف"، وارد توصیف یک شیئی نشد، (شیئی مورد مثال ما درخت گردو است) توصیفش ناقص خواهد بود. توصیف‌های ناقص همیشه یک جایی وسط راه ما را جا می‌گذارند. "توصیف بخشی" باعث می‌شود که شما وقتی بر اساس آن عمل کنید، دچار "تالی فاسد" شوید. مثلاً حضرت می‌فرمایند: «میوه درخت گردو در تابستان درد است ولی در زمستان قابل تحمل‌تر و اثرش مثبت‌تر است.»^{۱۷} و «حتماً هم باید با یک مُصلحی مصرف شود.»^{۱۸} این

۱۶. **ارجاع پژوهشی:** این جدول فقهی تبیین‌کننده الگوئی جدید برای تصرف بشر در عالم است و در فضای مقایسه با الگوی فعلی "تصرف در طبیعت" به محوریت مطالعات عنصر پایه مطرح شده است. سرفصل‌های این جدول فقهی به هفت پرسش شامل: ۱- فساد و ریشه‌های آن در اندیشه پیامبران کدام است؟، ۲- تعریف تصرف شیئی پایه چیست؟، ۳- چه ارتباطی میان تصرف در عالم و منایای بشر وجود دارد؟، ۴- روش تعدیل منایا و روش شناسائی خاصیت نهائی اشیاء چیست؟، ۵- سیر تکوین اشیاء چگونه است؟، ۶- جدول تسخیر اشیاء عالم را چگونه طبقه بندی می‌کند؟، ۷- ساختار "اطلاعات پیوسته هر شیئی" از نظر فقه چیست؟ پاسخ می‌دهد. در مجموع و بعد از بررسی پرسش‌های اصولی فوق‌الذکر در اولین ویرایش جدول فقهی تسخیر حدود ۲۰۰ شیئی پر کاربرد در زندگی بشر را از حیث سببیت و خاصیت نهائی بررسی می‌کنیم. به عبارت بهتر جدول فقهی تسخیر، جدول معرفی اسباب مورد نیاز در زندگی بشر است و آموزش و درایه در آن؛ بی‌نیازی از مطالعات پوزیتیویستی را زمینه‌سازی می‌کند. به فضل الهی. جدول فقهی تسخیر از ثمرات اولیه بررسی ویژگی‌های مشترک اشیاء - با روش تحقیق فقهی - است.

حجت الاسلام علی کشوری - دو شنبه ۲ فروردین ۱۴۰۰ هجری شمسی - قم مبارک

<https://eitaa.com/olgo> ۲۰۳۷

بشر همواره تصرفاتی در عالم داشته است؛ ولی در دوران مدرنیته تصرفات بشر، عنصر پایه شده است. به عبارت بهتر در دوران مدرنیته، بشر با شناسائی ویژگی‌های عناصر مانند میزان واکنش پذیری، رسانائی، چکش خواری و... به صورت گسترده‌ای به تولید ترکیبات در حوزه‌های مختلف دست زده است. ترکیبات تولیدی بشر در حوزه‌های مختلف - که بر پایه شناسائی ویژگی‌های عناصر ساخته شده است - در سه حوزه محیط زیست، سلامت و اخلاق تالی فاسدهای فراوانی را به سبک زندگی تحمیل کرده است. برای مواجهه منطقی با تالی فاسدهای سه‌گانه تصرف عنصر پایه، پیشنهاد داده‌ایم: تصرف‌های ترکیب‌پایه و شیئی‌محور تبیین شود. در جدول فقهی تسخیر خاصیت و حیث سببیت اشیاء (ترکیبات طبیعی) در رفع نیازهای بشر را تشریح کرده‌ایم.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی جدول فقهی تسخیر در مقایسه با جدول مندلیف - مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه - دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۹

<http://nro-di.blog.ir/1399/08/19>

جهت مشاهده «تصویر اولین ویرایش جدول فقهی تسخیر» به نشانی زیر مراجعه کنید:

<http://nro-di.blog.ir/1399/09/19>

جهت دریافت متن پیاده فوری مکتوب «جدول فقهی تسخیر (در مقایسه با جدول تناوبی عناصر)» به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgo4/3747>

۱۷. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: **أَكَلُ الْجُوزِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ نَهَجُ الْحَرِّ فِي الْجَوْفِ وَيَهَيِّجُ الْفُرُوحَ عَلَى الْجَسَدِ وَ أَكَلُهُ فِي الشَّمَاءِ يَسْخُنُ الْكَلْبَيْنِ وَ يَدْفَعُ الْبُرْدَ.**

امام علی علیه السلام: خوردن گردو در گرمای شدید (تابستان)، حرارت را در بدن بر می‌انگیزد و زخم‌های تن را تحریک می‌کند؛ اما خوردن آن در زمستان، کلیه‌ها را گرم می‌کند و سرما را می‌راند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۷ (عَنْهُ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ)

مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹

الوفا، ج ۱۹، ص ۳۵۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۲۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۸۳ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۸۱ و ج ۶۳، ص ۱۹۸ / طب الأئمة

عليهم السلام (للشبر)، ص ۳۴۵

۱۸. **ارجاع پژوهشی:** یکی از مُصلحاتی که برای "گردو" در روایات بیان شده است، خوردن "پنیر" به همراه آن است:

توضیحاتی است که حضرت می‌دهند. ولی اگر شما بخواهید درخت گردو را بر اساس "مولکول‌های زیستی"^{۱۹} بحث کنید، نمی‌توانید به اینجا برسید. مثلاً [در پزشکی سلول پایه] توصیه می‌شود گردو بخورید؛ [شما هم طبق توصیه آنها] گردو می‌خورید، [بعد از مدتی] بواسیرتان عود می‌کند. یکی از عوارضی که مصرف گردو در تابستان ایجاد می‌کند، گسترش بیماری "بواسیر" است و بدن را دچار مشکل می‌کند. پس اگر توصیف کامل نباشد [و طبق مبنای مولکول‌های زیستی گردو را توصیف کنید] و مثلاً با این تعاریف ناقص بگویید: در گردو پنج نوع "ویتامین" وجود دارد، و شما هم بخاطر همین پنج نوع ویتامین در تابستان گردو مصرف می‌کنید؛ ولی [با این حال] این عوارض برایتان ایجاد می‌شود.

لذا ما معتقدیم توصیف‌هایی که "بخشی" هستند، همیشه در یک نقطه‌ای به "تالی فاسد" منجر می‌شوند. لذا وقتی قرآن کریم و روایات را مطالعه می‌کنیم؛ قرآن نمی‌فرماید: «کفار و دیگران علم ندارند»، بلکه می‌فرماید: «علم ناقص دارند»، یا در بعضی از تعبیر می‌فرمایند: «علم غیرنافع دارند».^{۲۰} مثلاً کجای قرآن؟ اگر با خاطر مبارکتان توجه کنید، قرآن کریم می‌فرماید: «ذَالِكْ

مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: **الْجُبُّنُ وَالْجُوزُ إِذَا اجْتَمَعَا فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا شِفَاءٌ وَإِنْ افْتَرَقَا كَانَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دَاءٌ.**

امام صادق (علیه السلام): **گردو و پنیر** هرگاه با هم جمع شوند، در هر کدام از آن دو شفاء است. و هرگاه جدا گردند، در هر کدام از آن دو درد و بیماری است.
 الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۷ (عنه عن ابن محبوب عن عبد العزيز العبدی قال قال أبو عبد الله) مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹
 الوافی، ج ۱۹، ص ۳۵۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۹۸ و ج ۶۳، ص ۲۸۱

مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ إِدْرِيسَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **إِنَّ الْجُوزَ وَالْجُبُّنَ إِذَا اجْتَمَعَا كَانَا دَوَاءً وَإِذَا افْتَرَقَا كَانَا دَاءً.**
 امام صادق (علیه السلام): همانا **گردو و پنیر** هرگاه با هم جمع شوند، دواء هستند و هرگاه جدا گردند، درد و بیماری هستند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰
 الوافی، ج ۱۹، ص ۳۵۷ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۹۶ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۰۶

۱۹. **ارجاع پرورشی:** Biomolecule, also called biological molecule, any of numerous substances that are produced by cells and living organisms.

Biomolecules have a wide range of sizes and structures and perform a vast array of functions. The four major types of biomolecules are carbohydrates, lipids, nucleic acids, and proteins.

مولکول‌های زیستی که مولکول‌های بیولوژیکی هم نامیده می‌شوند، هریک از مواد متعددی است که توسط سلول‌ها و موجودات زنده تولید می‌شود. مولکول‌های زیستی طیف وسیعی از اندازه‌ها و ساختارها را دارند و عملکرد وسیعی را انجام می‌دهند. چهار نوع اصلی مولکول‌های زیستی کربوهیدرات‌ها، لیپیدها، اسیدهای نوکلئیک و پروتئین‌ها هستند.

آدرس مطلب در دانشنامه رسمی بریتانیکا:
britannica.com/science/biomolecule

۲۰. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِينِيُّ الْهَرَوِيُّ بِالزَّمَلَةِ فِي سَوَالِ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ وَأَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَجِيدٍ إِمْلَاءً قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْجُبَيْدِ الرَّازِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُعَاوِيَةُ بْنُ سَلِيمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ مُعَاوِيَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَبَّازَةَ أَنَّ أَبَانَ حَدَّثَنَا قَالَ حَدَّثَنِي أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدْعُو فِي آثَرِ الصَّلَاةِ فَيَقُولُ **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعِ.**

انس بن مالک نقل می‌کند: همیشه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از نماز اینچنین دعا می‌فرمود: **خدایا به تو پناه می‌برم از علمی که سود ندهد و از دلی که خشوع ندارد و دعائی که شنیده نشود؛ خدایا به تو پناه می‌برم از این چهار.**

کنز الفوائد (کراچی)، ج ۱، ص ۳۸۵
 المصباح للکفعمی (جنته الأمان الواقیة)، ص ۲۹۹ (مع اضافه) [منها الادعية المنسوبة إلى محمد ص] مِنْ كِتَابِ السَّهَابِ لِلْقَضَائِي، اللَّهُ كَانَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ ص
 نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۲۵۶ (با اندکی تفاوت)
 مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۷۰ / بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۸

مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ»^{۲۱} یعنی: این نهایت علم اینها است! اشاره به مشرکین دارد. ببینید؛ نمی‌گوید: «علم ندارند»، بلکه می‌گوید: «علم ناقص دارند.»

این طرف وقتی ما در مورد اهل بیت (علیهم السلام) بحث می‌کنیم، مثلاً در زیارت می‌خوانیم: «يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ»،^{۲۲} یا در روایت داریم: «مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ»؛^{۲۳} صحبت از "علم کامل" است. اگر یک پژوهشگری گزارش بخشی از یک شیء به ما داد، ما می‌گوییم: اگر به آن عمل کردید دچار نقصان و تالی فاسد می‌شوید. پس آن توصیفی جزء علم نافع محسوب می‌شود که مبتنی بر

۲۱. ارجاع پژوهشی: إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى * وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَخْبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا * ... ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى (سوره مبارکه نجم، آیت ۲۷ تا ۳۰)

در حقیقت، کسانی که آخرت را باور ندارند، فرشتگان را در نامگذاری به صورت مؤنث نام می‌نهند * ایشان را به این [کار] معرفتی نیست. جز گمان [خود] را پیروی نمی‌کنند، و در واقع، گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند * ... این منتهای دانش آنان است. پروردگار تو، خود به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانتر، و او به کسی که راه یافته [نیز] آگاه‌تر است.

۲۲. ارجاع پژوهشی: الدعاء النذبية: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي قُرَّةَ: نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَرْزَوِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هَذَا الدَّعَاءَ، وَ ذَكَرَ فِيهِ أَنَّ الدَّعَاءَ لِصَاحِبِ الرِّمَانِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَجَلْ فَرحَهُ وَ فَرَحَنَا بِهِ، وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ: ... يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَ الْحِمَى، يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا ابْنَ التُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْهَدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهَدَّبِينَ، يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا ابْنَ الْعَطَارَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا ابْنَ الْأَطْلَابِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا ابْنَ الْخَضْرَاءِ الْمُتَنَجِّبِينَ، يَا ابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُتَبِيرَةِ، يَا ابْنَ الشَّرْحِ الْمُضِيئَةِ، يَا ابْنَ الشُّهُبِ الْقَافِيَةِ، يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الرَّاهِرَةِ، يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ الْأَيَّاحَةِ، يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورَةِ، يَا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُورَةِ، يَا ابْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا ابْنَ النَّبَا الْعَظِيمِ، يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَا ابْنَ الْآيَاتِ الْبَيِّنَاتِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا ابْنَ الْبَرَاهِينِ الْبَاهِرَاتِ، يَا ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا ابْنَ النِّعَمِ السَّابِعَاتِ، يَا ابْنَ طَهٍ وَ الْمُحْكَمَاتِ، يَا ابْنَ يَسٍ وَ الدَّارِيَّاتِ، يَا ابْنَ الطُّورِ وَ الْعَادِيَّاتِ، يَا ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَنَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، ذُوًّا وَ اقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى. لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيُّ أَرْضٍ تَهْلِكُ أَوْ تَرَى؟

... پدر و مادرم به فدایت و جانم نگهدارت، ای پسر سروران مقرب، ای پسر برگزیدگان گرامی‌تر، ای پسر هدایتگران هدایت‌شده، ای پسر برگزیدگان وارسته، ای پسر سروران برگزیده، ای پسر پاکان پاکیزه، ای پسر بخشندگان انتخاب‌شده، ای پسر سالاران و سروران بزرگ، ای پسر ماه‌های تابان، ای پسر چراغ‌های فروزان، ای پسر شهاب‌های درخشان، ای پسر ستارگان نورافشان، ای پسر راه‌های روشن، ای پسر نشان‌های آشکار، ای پسر دانش‌های کامل، ای پسر نشان‌های هویدا، ای پسر سنت‌های پرآوازه، ای پسر نشان‌های یادشده، ای پسر معجزه‌های موجود، ای پسر راه راست، ای پسر خبر بزرگ، ای پسر آن که نزد خدا در ام کتاب والا و فرزانه است، ای پسر آیات و بیّنات، ای پسر دلیل‌های آشکار، ای پسر برهان‌های درخشان، ای پسر حجت‌های رسا، ای پسر نعمت‌های سرشار، ای پسر طاها و آیات "محکمات"، ای پسر یاسین و ذاریات، ای پسر طور و عادیات، ای پسر آن که [به خدا] نزدیک شد و نزدیک شد تا آن که به اندازه دو کمان به قُرب خدای والای برتر رسید! کاش می‌دانستم در کدام سو و ناحیه جا گرفته‌ای؟ بلکه در کدام سرزمین و خاک به سر می‌بری؟

المزار الكبير (لأين المشهدي)، ص ۵۸۰ / الإقبال بالأعمال الحسنة (ابن طاووس)، ج ۱، ص ۵۱۰ / جمال الأسبوع (ابن طاووس)، ص ۵۶۱

بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸ / زاد المعاد، ص ۳۰۷

۲۳. ارجاع پژوهشی: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو الْبَقَاءِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْبَصْرِيُّ بِقُرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي الْمُحَرَّمِ سَنَةَ سِتِّ عَشْرَةَ وَ حَمْسِمِائَةَ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عُثْبَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ الدَّبَيْلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ كَثِيرِ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ أَبُو سَلَمَةَ الْأَصْفَهَانِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنِي رَاشِدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ وَائِلِ الْفَرَشِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَفْصِ الْمَدَنِيِّ قَالَ: أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَرْطَاةَ قَالَ: لَقِيتُ كُمَيْلَ بْنَ زِيَادٍ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ فَضْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. فَقَالَ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِوَصِيَّةِ أَوْصِيَانِي بِهَا يَوْمًا هِيَ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا؟! فَقُلْتُ بَلَى قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ ع: يَا كُمَيْلُ بْنَ زِيَادٍ! ... مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ أَنَا أَفْتَحُهُ وَ مَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَ الْقَائِمُ ع يَخْتُمُهُ. يَا كُمَيْلُ! ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا كُمَيْلُ لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا تَكُنْ مَيِّتًا ...

سعید بن زید بن ارتطاه می‌گوید: روزی کمیل بن زیاد را دیدم و در مورد فضیلت امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) از وی سوال کردم. او گفت: آیا تو را خبر ندهم به وصیتی که امیرالمومنین (علیه السلام) روزی مرا به آن وصیت کرد که از دنیا و آنچه در آن است بهتر است؟! گفتم: چرا! می‌خواهم. کمیل گفت: امیرالمومنین (علیه السلام) به من فرمود: ... ای کمیل! هیچ علمی نیست جز آنکه من آن را آغاز کنم، و هیچ سری نیست جز اینکه «قائم» ما آن را پایان رساند.

ای کمیل! (سلسله خاندان رسالت) نزادی هستند که همه از یک دیگر (و از یک ریشه‌اند) و خدا شنوا و داناست (اقتباس از قرآن در باره نسل پاک حضرت ابراهیم (ع)).

ای کمیل! (علم و ادب را) جز از ما نگیر تا از ما باشی (بر در خانه گمراهانی که نام عالم بر خود نهاده و راه از چاه نمی‌شناسند مرو).

بشارة المصطفى لشيعة المرتضى (عمادالدين طبري)، ج ۲، ص ۲۵

إنبات الهداة بالنعوص و المعجزات (شيخ حرّ عاملي)، ج ۵، ص ۱۵۰ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۶۷ و ص ۴۱۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۷ و ج ۱۷، ص ۲۶۷

طیب مشاور (ارائه ۲۴ پیشنهاد برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح)

اِشْرَافٌ "توصیف کننده باشد. می دانید اِشْرَاف هم فقط در اختیار خداوند متعال است و ما به توصیفات معصومین (علیهم السلام) اعتماد می کنیم، چون گزارش خالق را می دهند. این اصل مهمی است.

۲/۱/۱/۲. اتکاء بر حدس و گمان؛ ویژگی روش تحقیق های موجود

شما حتماً این گزاره معروف را خوانده اید: (من خواهش می کنم، توجه ویژه کنید) می دانید که همه گزاره های علمی موجود از مفهوم "فرضیه" شروع می شود. در مفهوم "فرضیه" هم "حدس پژوهشگر" اساس است. خودشان هم می گویند این بحث را ما نمی گوئیم. می گویند: پژوهشگر هنگام فرضیه سازی بر اساس حدس، ارتباط بین دو یا چند متغیر را بیان می کند (نه بر اساس اِشْرَاف)؛^{۲۴} لذا قرآن می فرماید: «شما به حدس و ظن اتکاء نکنید.» چون ماهیت "حدس"، "اِشْرَاف" و "علم" نیست! وقتی می گوئید "حدس" مساوی با "ظن" است «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً»^{۲۵} این اشکال اول است.

۲/۱/۱/۲/۱. توصیف ناقص و مبتنی بر حدس و گمان اعضاء مختلف بدن؛ یکی از مصادیق اتکاء بر حدس در روش تحقیق

پزشکی موجود

پس ما دعوی روش تحقیق با پزشکی موجود داریم. می گوئیم شما [مثلاً اگر] عضو "قلب" را توصیف می کنید، اِشْرَاف ندارید که قلب چیست. فقط خالق قلب، اِشْرَاف به ماهیت قلب دارد؛ بنابراین من نمی توانم توصیف کسی که به قلب "اِشْرَاف" دارد و کسی که از روی "حدس" [قلب را] توصیف می کند؛ را با هم مساوی بدانم. این اصل بحث ما در حوزه علمیه است. لذا ما اساساً توصیف های غیر مبتنی بر اِشْرَاف را "علمی" نمی دانیم؛ [بلکه] "شبه علم" می دانیم. این ویژگی اول روش تحقیق است.

۲۴. ارجاع پرورشی: Hypothesis, something supposed or taken for granted, with the object of following out its consequences... The most important modern

use of a hypothesis is in relation to scientific investigation. A scientist is not merely concerned to accumulate such facts as can be discovered by observation: linkages must be discovered to connect those facts. An initial puzzle or problem provides the impetus, but clues must be used to ascertain which facts will help yield a solution. The best guide is a tentative hypothesis, which fits within the existing body of doctrine. It is so framed that, with its help, deductions can be made that under certain factual conditions ("initial conditions") certain other facts would be found if the hypothesis were correct

فرضیه: چیزی که تصور می شود یا بدیهی تلقی می شود، با هدف پیگیری پیامدهای آن... مهمترین کاربرد مدرن یک فرضیه در رابطه با تحقیقات علمی است. یک دانشمند صرفاً به دنبال جمع آوری حقایق نیست که با مشاهده قابل کشف است: برای پیوند این حقایق باید پیوندهایی کشف شود. یک معما یا مشکل اولیه انگیزه را ایجاد می کند، اما باید از سرخ هایی برای تعیین اینکه کدام حقایق به ارائه راه حل کمک می کند، استفاده کرد. بهترین راهنما یک فرضیه، آزمایشی است که در متن آموزه موجود متناسب است. آنقدر چارچوب بندی شده است که با کمک آن می توان استنباط کرد که تحت شرایط واقعی ("شرایط اولیه") اگر فرضیه صحیح باشد، برخی حقایق دیگر نیز یافت می شوند.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/health/hypothesis>

۲۵. ارجاع پژوهشی: وَمَا يَشِيعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً إِنَّ اللّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (سوره مبارکه یونس، آیه ۳۶)

و بیشتر آنان [در عقاید و آرایشان] جز از گمان و ظن پیروی نمی کنند، یقیناً گمان و ظن به هیچ وجه انسان را از حق بی نیاز نمی کند، [و جای معرفت و دانش را نمی گیرد] مسلماً خدا به آنچه انجام می دهند، داناست.

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً (سوره مبارکه نجم، آیه ۲۸)

و آنان را به این کار هیچ آگاهی و معرفت نیست. [آنان] فقط از گمان پیروی می کنند، و بی تردید گمان [انسان را] برای دریافت حق هیچ سودی نمی دهد.

پس اگر ما بخواهیم راجع به "کبد" اظهار نظر کنیم که کبد چه کار انجام می‌دهد؟ روایت می‌فرماید: «الْكَبِدُ لِلتَّخْلِيسِ»؛^{۲۶} من این گزاره را بررسی می‌کنم. چون گزاره کسی است که اشراف دارد. می‌گوید: کبد کارش خالص‌سازی است. این را شرح می‌دهم و این تجربه را جلو می‌برم.

مثلاً روایت می‌فرماید: «الْقَلْبُ امِيرُ الْبَدَنِ»^{۲۷} یعنی: در بین همه اعضای بدن، پادشاه، قلب است. هر اتفاقی در قلب شما افتاد، همه جوارح شما تحت تاثیر قرار می‌گیرند.^{۲۸} ولی آقایان در علوم شناختی می‌گویند: «مغز عضو رئیسه بدن است». ببینید؛ دو

۲۶. **ارجاع پژوهشی:** رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: [قال ابو عبدالله ع:] فَكُرِّبَا مُفَضَّلٌ فِي أَعْضَاءِ الْبَدَنِ أَجْمَعِ وَ تَدْبِيرُ كُلِّ مِنْهَا لِإِلَازِبِ - فَالْيَدَانِ لِلْعِلَاجِ وَ الرَّجْلَانِ لِلسَّعْيِ وَ الْعَيْنَانِ لِإِهْتِدَاءِ وَ الْقَمِيمُ لِإِهْتِدَاءِ وَ الْمَعْدَةُ لِلهَضْمِ وَ الْكَبِدُ لِلتَّخْلِيسِ وَ الْمَنَافِدُ لِتَنْفِيذِ الْفُضُولِ وَ الْأَوْعِيَةُ لِحَمْلِهَا وَ الْفَرْجُ لِإِقَامَةِ النَّسْلِ وَ كَذَلِكَ جَمِيعُ الْأَعْضَاءِ إِذَا مَا تَأَمَّلْتَهَا وَ أَعْمَلْتَ فِكْرَكَ فِيهَا وَ نَظَرْتَ وَ حَدَّثْتَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْهَا قَدْ قُدِّرَ لِسَيِّءٍ عَلَى صَوَابٍ وَ حِكْمَةٍ.

تفکر کن: ای مفضل در همه اعضای بدن و تدبیر آنها که هر یک برای غرضی و حاجتی آفریده شده‌اند دستها برای کار کردن و پاها برای راه رفتن، چشمها برای دیدن، و دهان از برای غذا خوردن، و معده، برای هضم کردن، و جگر [کبد] برای جدا کردن اخلاط بدن، و منافذ بدن برای بیرون رفتن فضلات تا هنگام دفع، و فرج برای حصول نسل و هم چنین جمیع اعضا اگر تأمل کنی در آنها و نظر و فکر خود را به کار فرمائی می‌دانی که هر یک برای کاری خلق شده‌اند و برای مصلحتی مهیا گردیده‌اند. (ترجمه علامه مجلسی)

توحید المفضل، ص ۵۴

بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۷ و ۵۸، ص ۳۲۰ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۲۹

۲۷. **ارجاع پژوهشی:** وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ (حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْبُرْقِيُّ؛ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مَا جِئْتُ بِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِرَجُلٍ: اعْلَمْ يَا فَلَانُ أَنَّ مَنَزِلَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْجَسَدِ بِمَنْزِلَةِ الْإِمَامِ مِنَ النَّاسِ الْوَاجِبِ الطَّاعَةِ عَلَيْهِمْ أَلَا تَرَى أَنَّ جَمِيعَ جَوَارِحِ الْجَسَدِ شَرَطُ الْقَلْبِ وَ تَرَاجِمَةٌ لَهُ مُؤَدِّيَةٌ عَنْهُ الْأَذْنَانِ وَ الْعَيْنَانِ وَ الْأَنْفُ وَ الْقَمِيمُ وَ الْبِدَانُ وَ الرَّجْلَانِ وَ الْفَرْجُ فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا هَمَّ بِالنَّظَرِ فَتَحَّ الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ وَ إِذَا هَمَّ بِالِاسْتِمَاعِ حَوَّكَ أُذُنَيْهِ وَ فَتَحَّ مَسَامِعَهُ فَسَمِعَ وَ إِذَا هَمَّ بِالْقَلْبِ بِالسَّمِّ اسْتَنَشَقَ بِأَنْفِهِ فَأَدَّى تِلْكَ الرَّايِحَةَ إِلَى الْقَلْبِ وَ إِذَا هَمَّ بِالنَّطْقِ تَكَلَّمَ بِالسَّانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالْبَطْشِ عَمِلَتِ الْيَدَانُ وَ إِذَا هَمَّ بِالْحَرَكَةِ سَعَتِ الرَّجْلَانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالشَّهْوَةِ تَحَرَّكَ الذَّكَرُ فَهَذِهِ كُلُّهَا مُؤَدِّيَةٌ عَنِ الْقَلْبِ بِالتَّخْرِيكِ وَ كَذَلِكَ يُتَّبَعِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُطَاعَ لِالأَمْرِ مِنْهُ.

بعضی از اصحاب نقل می‌کنند که از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که به مردی چنین فرمودند: فلانی! بدان که قلب نسبت به جسد انسانی به منزله امام است برای مردم؛ که همه باید اطاعتش کنند، مگر نمی‌بینی که تمام جوارح و اعضاء جسد اعوان و ایادی و مفسر قلب هستند. دو گوش و دو چشم و بینی و دهان و دو دست و دو پا و عورت خواسته‌های قلب را اداء می‌کنند لذا: هر گاه قلب خواسته‌اش نگرستن به چیزی باشد، شخص دو چشمش را می‌گشاید. و زمانی که بخواهد بشنود، شخص دو گوشش را حرکت داده و منفذ آنها را باز کرده تا مطلوب را بشنود. و هر وقت میل داشته باشد بویی را استشمام نماید، شخص با بینی استنشاق کرده در نتیجه بوی مطلوب به قلب می‌رسد. و هنگامی که رغبت به سخن گفتن داشته باشد، به وسیله زبان تکلم می‌کند. و در صورتی که مطلوبش گرفتن چیزی باشد دستها به کار افتاده و آن چیز را می‌گیرد. و به فرض که مقصودش حرکت کردن باشد، دو پا سعی نموده و راه می‌روند. و اگر محبوبش شهوت و غریزه باشد، نرینه شخص به حرکت و جنبش در می‌آید. پس تمام این اعضاء و جوارح حرکت و فعالیت نموده تا خواسته قلب را اداء کرده و بدین ترتیب اطاعتش می‌کنند. و همچنین شایسته است که خلاق نسبت به امام علیه السلام مانند اعضاء و جوارح بوده و امر آن سرور را اطاعت کنند. (ترجمه ذهنی تهرانی)

علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۰

بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۵۳ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۲۴۳

قال علي بن موسى الرضا (عليه السلام): ... أَنَّ الْأَجْسَامَ الْإِنْسَانِيَّةَ جُعِلَتْ عَلَى مِثَالِ الْمَلِكِ فَمَلِكُ الْجَسَدِ هُوَ الْقَلْبُ وَ الْعُمَالُ الْعُرُوقُ وَ الْأَوْصَالُ وَ الدِّمَاغُ وَ يَتَّبِعُ الْمَلِكُ قَلْبَهُ وَ أَرَضُهُ الْجَسَدُ وَ الْأَعْوَانُ يَدَاهُ وَ رِجْلَاهُ وَ شَفَتَاهُ وَ عَيْنَاهُ وَ لِسَانُهُ وَ أذُنَاهُ ...

امام رضا علیه السلام: ... بدن انسان بر سیاق یک مملکت، ساخته شده‌اند. پادشاه این سرزمین، قلب است. رگ‌هایی که در بدن و مغز وجود دارد، کارگران‌اند. خانه آن پادشاه، قلب انسان است. سرزمین آن پادشاه، بدن انسان است، و دستان، پاها، چشمان، لب‌ها، زبان و گوش‌ها نیز یاران اویند...

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۱۱

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۹ / مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۱۹۰ (و فيه: فملك الجسد هو ما في القلب)

بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُيَسَّرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصِيبِيِّ قَالَ: قَالَ الْعَالِمُ ع: ... فَمِنْهَا قَلْبُهُ الَّذِي بِهِ يَعْقِلُ وَ يَقْفَهُ وَ يَتَّقَهُ وَ هُوَ أَمِيرُ بَدَنِهِ الَّذِي لَا تَوَرَّدُ الْجَوَارِحُ وَ لَا تَصُدُّرُ إِلَّا عَنْ رَأْيِهِ ...

امام رضا (عليه السلام): ... قلب امیر و فرمانروای جوارح و اعضاء او می‌باشد، هر چه قلب امر کند اعضاء بدنش اطاعت می‌کنند و از فرمان او سرپیچی ندارند...

الكافي، ج ۲، ص ۳۹ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۵ / تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۵۷

سند عياشي: عن أبي عمرو الزبيری عن أبي عبد الله

الوافي، ج ۴، ص ۱۱۵ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۰

توصیف است: اگر گفتید «مغز عضو رئیسه بدن است»، یک تدابیری برای حوزه سلامت [تربیب خواهید داد] و [بر طبق آنها] مدیریت خواهید کرد. ولی اگر (طبق فرموده امیرالمومنین (علیه السلام) که نسبت به قلب اشراف دارند) گفتید: «القلب امیرُ البَدَن»، [تصمیمات دیگری را اتخاذ خواهید کرد]. حالا من چرا توصیف "هاریسون" را نمی‌پذیرم؟ چرا در پاتولوژی، توصیف "راینز" را نمی‌پذیرم؟ چون راینز به قلب و کبد اشراف ندارد. بررسی کرده، بله؛ در بررسی‌هایش به سه یا چهار نکته صحیح هم رسیده است، ولی ده‌ها مسئله مهم را ندیده است. [لذا در این مواقع] حتما عقل حکم می‌کند که بین "اشراف" و "ظن"، انسان "اشراف" را انتخاب کند. این حرف اول ماست.^{۲۹} پس این مهم است.

وقتی با دوستان علوم پزشکی اصفهان بحث می‌کنیم، به آنها می‌گوییم که: کل تحقیقات شما مبتنی بر حدس است! بنابراین شما اصلاً به مسئله اشراف ندارید؛ به خلاف خداوند متعال که خالق مخلوقات است و خودش به آنها اشراف دارد.

حالا بنده ان‌شاء الله در یک دوره‌ای اگر ۳۰ یا ۴۰ جلسه وقت داشته باشم و بحث روش تحقیق را ارائه کنم؛ در مورد هر شیئی باید چهل پرسش را مطرح کنیم؛ تازه این فهم استنباطی ما است [وگرنه] اگر بعداً روایات را بیشتر بررسی کنیم خیلی بیشتر خواهد شد. شما اگر نتوانید این چهل پرسش را راجع به هر شیئی توضیح دهید، توصیف شما ناقص است. به تعبیر ناقص، فلاسفه می‌گویند: «احکام کلی وجود»، حالا مرحوم آقای [علامه] طباطبایی در [کتاب] "بدایه" و "نهایه"، هشت یا نه حکم کلی برای وجود بیان کرده‌اند. [ولی] ما در بحث‌های فقهی چهل حکم کلی برای وجود و شیئی بحث کرده‌ایم. خیلی روش تحقیق ما پیشرفته است! وقتی با فقه وارد توصیف یک شیئی می‌شویم، چهل بعد از هر شیئی را توصیف می‌کنیم. حالا این شیئی می‌خواهد استکان یا آب باشد، یا درخت گردو یا قلب انسان باشد، قدرت توصیف فقه اینگونه گسترده است.

۲/۱/۲. ساماندهی مباحث به محوریت "سوال"؛ ویژگی دیگر روش تحقیق حاکم بر نسخه مشاور

بحث دیگر و اصل دوم در روش تحقیق [فقهی] در حوزه سلامت این است که: ساماندهی بحث‌ها به محوریت پرسش است. یعنی ابتدای بحث فقهی (چه در حوزه سلامت، چه در سایر حوزه‌ها) یک پرسش است. چون روایت داریم که: «مفتاح علم، پرسش

۲۸. ارجاع پژوهشی: أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدَّيْلَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ سَمِعْتُ الشَّعْبِيَّ يَقُولُ سَمِعْتُ النَّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: فِي الْإِنْسَانِ مِضْعَةٌ إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَصَحَّتْ سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ فَإِذَا سَفَعَتْ سَفَعَتْ بِهَا سَائِرَ الْجَسَدِ وَفَسَدَتْ هِيَ الْقَلْبُ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در انسان پاره گوشتی است که اگر آن سالم و درست باشد، دیگر [اعضای] بدن به وسیله آن سالم می‌شود و هر گاه آن بیمار شود سایر [اعضای] بدن بیمار و تباه می‌گردد. آن پاره گوشت، قلب است.

الخصال، ج ۱، ص ۳۶ / روضة الواعظین (فتال نیشابوری)، ج ۲، ص ۴۱۳ / مشکاة الأنوار (طبری)، ص ۲۵۵ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۵۰

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: القلبُ مِلكٌ ولهُ جُنودٌ، فإذا صلحَ المِلكُ صلحتْ جُنودُهُ، وإذا فسَدَ المِلكُ فسَدتْ جُنودُهُ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قلب، پادشاهی است که سپاهیان دارد. هر گاه پادشاه شایسته باشد، سپاهیان شایسته باشند و هر گاه پادشاه فاسد شود، سپاهیان نیز به فساد و تباهی افتند.

کنز العمال، ح ۱۲۰۵

۲۹. این مطلب جا افتاده که سراغ نکته دوم بروم؟

است»^{۳۰} یعنی چه؟ یعنی در سینه شما یک بحث علمی است، اگر قرار است آن را به کسی منتقل کنید؛ باید از کلیدش استفاده کنید. یا اگر کسی قرار است فهم شما را متوجه شود، باید از کلیدش استفاده کند وگرنه به فهم شما دست پیدا نمی‌کند.

۲/۱/۲/۱. تبدیل "سوال غیر حسن" به "سوال حسن (حسن السؤال)"; اصلی‌ترین بحث در ساماندهی مباحث به محوریت سوال

بنابراین ما در اصل دوم روش تحقیق مان همیشه پرسش‌های مان را به "پرسش حسن" تبدیل می‌کنیم. می‌دانید که پرسش حسن در تمام دستگاه‌های فکری وجود دارد ولی فقط در فقه است که "حسن السؤال" متولد می‌شود. اهل بیت (علیهم‌السلام) بحث می‌کنند و می‌گویند: «سوال باید حسن باشد.»^{۳۱} حالا این سوال حسن و خوب چه نوع سوالی است؟ ما در باب "بیان مبتنی بر تامل" توضیح داده‌ایم. خوب؛ کارکرد سوال حسن و خوب چیست؟ می‌گوییم: اگر شما فرق "سوال حسن" با "سوال غلط" یا "غیرحسن" را بدانید، در مباحثه‌ها به هر پرسشی پاسخ نمی‌دهید.

۳۰. **ارجاع پژوهشی:** و یاسناده [أخبرنا الشَّيْخُ الإمامُ الأَجَلُ الْعَالِمُ الرَّاهِدُ الرَّاشِدُ أَمِينُ الدِّينِ بَقَّةُ الْإِسْلَامِ أَمِينُ الرَّؤَسَاءِ أَبُو عَلِيٍّ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرِسِيُّ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ فِي يَوْمِ الْحَمِيسِ غُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْأَضَمِّ وَحَبَّ سَنَةِ تِسْعٍ وَعِشْرِينَ وَخَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الإمامُ السَّعِيدُ الرَّاهِدُ أَبُو الْفَتْحِ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ هَوَازِنَ الْفَشَّيْرِيُّ أَدَامَ اللَّهُ عِزَّةَ قِرَاءَةِ عَلَيْهِ دَاخِلَ الْقُبَّةِ الَّتِي فِيهَا قَبْرُ الرَّضَاعِ غُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْمُبَارِكِ رَمَضَانَ سَنَةِ إِحْدَى وَخَمْسِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْعَالِمُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْخَانِمِي الرَّوْزَنِي قِرَاءَةَ عَلَيْهِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَارْتِعَامَةَ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ هَارُونَ الرَّوْزَنِي بِهَا قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ حَفْدَةَ الْعَبَّاسِ بْنِ حَمْرَةَ التَّبَسَاتُورِيِّ سَنَةِ سَبْعٍ وَكَلَاثِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِي بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي سَنَةَ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَتِسْعِينَ وَمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ طَالِبٍ ع] قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ**; فَاسْأَلُوا بِرَحْمَتِكُمْ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِيهِ أَرْبَعَةَ - السَّائِلُ وَالْمُعَلَّمُ وَالْمُسْتَمْعُ وَالْمُجِبُّ لَهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: **دانش گنجینه‌هایی است و کلید آنها پرسش است**؛ پس، رحمت خدا بر شما، پرسید که بر اثر آن چهار نفر پاداش می‌یابند: پرسنده، گوینده، شنونده و دوستدار آن.

صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۳

الخصال، ج ۱، ص ۲۴۵

سند خصال: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ الْكُوفِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُعِينَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ ع

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸

سند عیون: وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهَ الْمَرْوَزِيُّ بِمَرْوَزِدٍ فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّبَسَاتُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سَلِيمَانَ الطَّائِي بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَتِسْعِينَ وَمِائَةٍ وَحَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بِتَبَسَاتُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ زِيَادِ الْفَقِيهَ الْخُورِيِّ بِتَبَسَاتُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ السَّبْتِيَانِي عَنْ الرَّضَاعِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع وَحَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنُ مُحَمَّدِ الْأَشْثَانِي الرَّازِي الْعَدْلُ بِبَلَّحٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَهْرُوبِ الْقَزْوِينِي عَنْ دَاوُدَ بْنِ سَلِيمَانَ الْقَرَاءِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرَّضَاعِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع قَالَ حَدَّثَنِي [حَدَّثَنِي] أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ ع] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص

تحف العقول، ص ۴۱ / كنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰۷ / روضة الواعظين، ج ۱، ص ۷ / أعلام الدين في صفات المؤمنين، ص ۸۱

المجازات النبوية (شريف الرضي، ۴۰۶ ق)، ص ۲۰۰

نوادير الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (للفيض)، ص ۱۸ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۹۶ (نقلا عن الخصال) و ج ۱، ص ۱۹۷ (نقلا عن صحيفه الرضا و العيون) / نهج الفصاحة، ص ۵۸۱

۳۱. ارجاع پژوهشی: رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: **حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ**.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوب پرسیدن نیمی از دانش است.

کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۸۹ / شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص) (محمد بن سلامه قضاعی، ۴۵۴ ق)، ص ۱۳ / نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۳۲ / شرح

نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱۸، ص ۱۰۸ (نقلا عن الامام الحسن علیه السلام) / كشف الغمة في معرفة الأئمة (اربلی، ۶۹۲ ق) ج ۱، ص ۵۷۵

منية المرید، ص ۲۵۸ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۴ و ج ۱۰۱، ص ۷۳ / نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، ص ۳۶۷ و ۴۴۳

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **حُسْنُ الْمَسْأَلَةِ نِصْفُ الْعِلْمِ**.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوب سوال کردن نیمی از دانش است.

تحف العقول، ص ۵۶

بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۰

الإمام علي عليه السلام: **من أحسن السؤال عليم، من عليم أحسن السؤال**.

امام علی علیه السلام: هر که خوب سؤال کند، دانا شود؛ هر که دانا باشد، خوب سؤال کند.

غرر الحكم و درر الكلم، ص ۵۸۷، ح ۲۸۸ و ص ۵۷۵، ح ۳۶ / عیون الحكم و المواعظ (للشي)، ص ۴۲۴ و ۴۵۱ / تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۶۰

۲/۱/۲/۱/۱. تبدیل سوال غیر حَسَن «چگونه چرخه ویروس را مهار کنیم؟» به سوال حَسَن «درون بدن چه اتفاقی افتاده که

بیماری رقم خورده است؟» در مورد بیماری کرونا؛ نمونه‌ای از تبدیل "سوال غیر حَسَن" به "سوال حَسَن" (حَسَن السَّوَال)

مثال رایج را بزنم: الان در بحث‌های مدیریت کرونا سوال اصلی که وزرات بهداشت می‌پرسد این است که می‌گویند: «چگونه چرخه ویروس را مهار کنیم؟» حالا شما در روش تحقیق‌تان می‌گویید که قبل از اینکه وارد بررسی این سوال شوم که «چگونه چرخه ویروس را مهار کنیم؟»؛ ابتدا باید بررسی کنم و ببینم که آیا خود این سوال درست است یا خیر؟. بنده به عنوان برادر کوچکتان در "نشست پروتکل‌های فقهی کرونا" پنجاه دقیقه حول این سوال بحث کردم که آیا اصلاً خود این سوال درست است؟ یا اینکه یک سوال دیگری بپرسم؟ مثلاً بپرسم: «چگونه بیماری "سرماخوردگی" را درمان کنیم؟» یا مثلاً «چگونه "سرفه" را درمان کنیم؟»، «چگونه "دمامیل" (دُمَل‌ها) را درمان کنیم؟»، «اگر مریض شدید مفردات اولویت دارد یا داروهای مرکب؟» اینها همه جزء سوال‌هایی هستند که شما باید آنها را بررسی کنید که آیا این درست است یا خیر؟ در مجموع؛ هر سوالی از شما در حوزه سلامت پرسیدند، حکم روش تحقیقی ما این است که ابتدا باید صحت‌سنجی شود که آیا این سوال درست است یا خیر؟

۲/۱/۲/۱/۱/۱. وجود دو مبنا در مورد منشأ ایجاد بیماری (بیرون (ویروس) و یا درون بدن انسان)؛ علت تغییر و تفاوت دو

سوال فوق

مثلاً: در مورد این سوال که «چگونه چرخه ویروس را مهار کنیم؟» من در آن نشست چند روایت خواندم؛ [یکی از آنها این روایت بود که] حضرت می‌فرمایند: «منشاء پیدایش بیماری‌ها از درون بدن است؛ مگر دو بیماری: الْجِرَاحَةُ وَالْحُمَّى»،^{۳۲} "تب" و "جراحت" از بیرون به بدن انسان وارد می‌شود. مثلاً کسی گلوله می‌خورد، شمشیر می‌خورد، تصادف می‌کند؛ اینها "جراحت" هستند و از بیرون وارد بدن انسان می‌شوند. "تب" هم از بیرون است. ولی مابقی بیماری‌ها از درون بدن است. بنابراین این گزاره که «ویروس‌ها (viruses) و میکرو ارگانیسم‌ها (microorganisms)،^{۳۳} علت اصلی پیدایش بیماری است»؛ از نظر دستگاه طبی ما اشکالات متعددی دارد. بنابراین در درمان "سرماخوردگی کرونا" هرگز به دنبال "مهار چرخه ویروس" نمی‌رویم؛ [بلکه] می‌رویم آن اختلالی که در "درون [بدن انسان]" ایجاد شده را برطرف می‌کنیم. ببینید؛ اصلاً سوال در دستگاه فکری ما تغییر می‌کند. چون

۳۲. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عَبْدِ الْبَقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَةَ بَابٍ مِمَّا يُصَلِّحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ: ... لَيْسَ مِنْ دَاوٍ إِلَّا وَ هُوَ دَاخِلُ الْجَوْفِ إِلَّا الْجِرَاحَةَ وَ الْحُمَّى فَإِنَّهُمَا يَرِدَانِ عَلَى الْجَسَدِ وَرُوداً.

امیرالمومنین (علیه السلام): هیچ بیماری‌ای نیست مگر اینکه در داخل بدن است، مگر جراحت (زخم) و تب که (از بیرون) به نحوی بر بدن وارد می‌شوند.

الخصال، ج ۲، ص ۶۲۰ / تحف العقول، ص ۱۱۰

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۹۷ و ج ۷۸، ص ۱۷۸ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۷

۳۳. ارجاع پرورشی: microbiology, Scientific study of **microorganisms**, a diverse group of simple life-forms including protozoans, algae, molds, bacteria, and viruses. Microbiology is concerned with the structure, function, and classification of these organisms and with ways of controlling and using their activities.

میکروبیولوژی، مطالعه علمی میکروارگانیسم‌ها، گروه متنوعی از اشکال ساده حیات از جمله تک یاخته‌ها، جلبک‌ها، کپک‌ها، باکتری‌ها و ویروس‌ها. میکروبیولوژی به ساختار، عملکرد و طبقه بندی این موجودات و راه‌های کنترل و استفاده از فعالیت‌های آنها می‌پردازد.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://www.britannica.com/facts/microbiology>

منشاء همه بیماری‌ها درون است؛ سوال ما این است که: «درون بدن چه اتفاقی افتاده است که سرماخوردگی کرونا رقم خورده است؟» سوال ما این نیست که: «چگونه چرخه ویروس را مهار کنیم؟» [ما و متخصصین وزارت بهداشت] راجع به یک بیماری صحبت می‌کنیم، ولی دو مدل تحلیل در مورد آن وجود دارد: ما می‌گوییم: «کرونا منشاء درونی دارد»، اما آقایان [وزارت بهداشت] می‌گویند که: «کرونا منشاء بیرونی دارد» [ولذا] «ویروس» و «میکروارگانسیم‌ها» را مبنا قرار می‌دهند.

۲/۱/۲/۱/۲. تبدیل نگاه سؤال‌کننده نسبت به درمان بیماری‌هایی مانند سرفه و دُمَل (به عنوان بیماری‌های خطرناک) به بیماری‌های مفید برای انسان؛ نمونه‌ای دیگر از تبدیل سؤال به حُسن‌السؤال

یا مثلاً [در مورد این] سوال که: «چگونه "دُمَل‌ها" را درمان کنیم؟» حضرت در روایت می‌فرمایند: «از چهار نوع بیماری هراس نداشته باشید.»^{۳۴} یعنی اصلاً به سمت درمانش نروید. مثلاً [یکی از آن بیماری‌ها "سرفه" است؛ در روایت است که: [اگر شما به "سرفه" افتادید، [از آن هراس نداشته باشید؛ چون] سرفه بیماری خوبی است. مدیریتش کنید ولی نگویند حالا اتفاق بدی افتاده است [و حتماً باید سریعاً درمان شود]. چرا؟ چون سرفه از "فلج" جلوگیری می‌کند^{۳۵} و یک شرایطی را ایجاد می‌کند که شما به فلج مبتلا نشوید.

یا دُمَل‌ها باعث چه می‌شوند؟ یک نوع مکانیسم طبیعی برای پالایش خون است. بنابراین آدم نباید از دُمَل بهراسد. سوال را تنقیح می‌کنیم [بدین صورت که مثلاً: یک نفر آمده و خیلی هم نگران است و می‌گوید: حاج‌آقا! من یک دُچار یک دُمَل بزرگ شده‌ام. شما نگاهش را عوض می‌کنید و می‌گویید: اساساً "قوه مُدبّره بدن" از طریق دُمَل، یک بیماری خطرناک را از بدن شما دفع می‌کند شما نگران نباشید.

حالا این کاری که من الان مثال زدم در همه بحث‌های طبی کار اول است. روش تحقیق را توضیح می‌دهم. شما باید ابتدا سوال حوزه سلامت را تنقیح کنید. ما به سوال غلط جواب نمی‌دهیم. "سوال غلط" را به "حسن‌السؤال" تبدیل می‌کنیم، این کار روش تحقیقی است. پس اگر کسی می‌گوید: فرق "روش تحقیق فقهی" با "روش تحقیق پزشکی سلول پایه" چیست؟ پاسخ ما این است که: ما ابتدا با یک روش و الگوی سه‌بخشی (که برای تنقیح پرسش‌ها داریم: تنقیح بیانی و غیربیانی و شاکله‌ای^{۳۶})، سوال‌های غلط را تنقیح می‌کنیم. (که حالا این را بعد باید توضیح دهیم).

۱۰۳۴. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً فَإِنَّهَا لِأَرْبَعَةٍ: لَا تَكْرَهُوا الرُّكَامَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَلَا تَكْرَهُوا الدَّمَامِيلَ فَإِنَّهَا أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ، وَلَا تَكْرَهُوا الرَّمَدَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْعَمَى، وَلَا تَكْرَهُوا السُّعَالَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْقَالِحِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید؛ زیرا که برای چهار چیز، سودمندند: زکام را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از جذام است. کوزک‌ها را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از یبسی‌اند. چشم‌درد را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از کوری است. و سرفه را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از فلج شدن است.

الخصال، ج ۱، ص ۲۱۰

روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۱۰ / الدعوات (للراوندي)، ص ۱۲۱

الفصول المهمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۳۷ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۱، ص ۲۲۶ / بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۷۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۰

۳۵. همان.

۱۰۳۶. ارجاع پژوهشی: در روش مختار موضوع شناسی، یک موضوع را در سه مرحله الف- "تنقیح بیانی" (شامل تنقیح معنایی و لفظی)، ب- "تنقیح غیر بیانی" (شامل بررسی تأثیر تضعیف یا تقویت زیرساخت‌های ۹ گانه هدایت در پیدایش یا محو یک موضوع) و ج- "تنقیح شاکله ای" (بررسی بسته اقدامات انگیزه ساز برای ایجاد اقبال نسبت به یک موضوع) بررسی می‌کنیم.

بنابراین خواستم دو نکته در مورد روش تحقیق در ابتدای بحث بگویم. این نسخه‌ای را که ما برای مشاوره نوشتیم، براساس این روش تحقیق است. یعنی: این روش تحقیق "اخباری" نیست، "پوزیتیویستی" نیست، نگاه "مکتب تفکیک" بر آن حاکم نیست، با نگاه معیوب "فلسفی" نیست؛ [بلکه] "روش تحقیق فقهی" است. و [در اینجا به صورت مختصر] دو قسمت از این روش تحقیق فقهی را تبیین کردم. ان شاء الله در مباحث فقه‌البیان اینها را تکمیل تر عرض خواهیم کرد. پس از سوال اولمان اجمالاً عبور کردیم.

حجت الاسلام علی کشوری / جمعه انتظار - دهم شهر مبارک رمضان ۱۴۴۲ مصادف با ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰ - قم
<http://nro-di.blog.ir/1400/02/03>

یکی از بحث‌های مهم در تفقه بحث موضوع شناسی است. تنقیح موضوع را در سه مرحله ۱- تنقیح بیانی، ۲- تنقیح غیر بیانی و ۳- تنقیح شاکله ای انجام می‌دهیم. (جدول تحلیل موضوع)

اولین مرحله تنقیح یک موضوع، "تنقیح مفهومی و لفظی" موضوع است. به عنوان مثال: اگر فقیه بخواهد درباره تورم حکم دهد؛ ابتدائاً مفهوم تورم را موشکافی می‌کند و ارتباط آن را با مفاهیم مرتبط مانند: تعریف پول، تعریف بازار، احتکار، انصاف، اقاله، خیار، ربح و... بررسی می‌کند و بعد از بررسی مفهومی مسئله تورم، استعمال لفظ جدید تورم - که نتیجه‌اش تَوْهْم "مالاً نص فیهِ" و "منطقه الفراغ" است - را تبدیل به استعمال الفاظ متناسب با مفهوم موضوع - که عمدتاً الفاظ توقیفی هستند - می‌کند.

دومین مرحله تنقیح یک موضوع، "تنقیح غیر بیانی موضوع" است. در مرحله "تنقیح غیر بیانی" تأثیر زیر ساخت‌های هدایت بر ایجاد موضوع بحث بررسی می‌شود. به عبارت روشن تر تضعیف امر ۱- امامت، ۲- علم صحیح، ۳- تزکیه ۴- عبرت، ۵- بیان، ۶- نظم، ۷- مکاسب، ۸- نفی سبیل و ۹- فرقان از عوامل بسیار مهم بر پیدایش موضوعات جدید هستند و تحلیل ارتباط این موضوعات زیرساختی و موضوع بحث، مسیر پیدایش آن موضوع را برای فقیه تصویر می‌کند. به عبارت سوم سیر ساخت موضوعات طبیعی نیست و موضوع ذیل یک الگوی مدیریتی ساخته می‌شود. اگر فقیه مسیر پیدایش یک موضوع در نظام اجتماعی را بداند؛ می‌تواند بخشی از مسیر تضعیف آن موضوع را به صورت فقهی تعریف کند. به عنوان مثال در مسئله تورم، بخش قابل توجهی از تورم به دلیل محوریت یافتن ارز واسط در کسب و کار ایران است و محوریت یافتن ارز واسط در کسب و کار ایران هم، به دلیل وابستگی اقتصاد ایران در تولید - خصوصاً غذا و لباس - به اقتصاد خارجی است. به عبارت بهتر اندراج اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی و ایجاد سبیل اقتصادی بر جامعه اسلامی، علت اصلی پیدایش تورم، در ایران است. (تبیین ارتباط نادیده گرفتن قاعده نفی سبیل و ایجاد تورم).

سومین مرحله تنقیح یک موضوع، "تنقیح شاکله ای موضوع" است. در مرحله "تنقیح شاکله ای" مسیر ارتباط انسان با یک موضوع جدید یا یک موضوع اصیل فقهی بحث می‌شود. به عنوان مثال بخشی از مسیر پیدایش مسئله تورم به تحریک حرص فعالین اقتصادی از پایگاه سیاست های پولی و مالی، مانند اعطای مشوق های صادراتی و معافیت های مالیاتی وابسته است. به عبارت دیگر دولت های مدرن با طراحی سیاست هایی در بخش های مالی، پولی، مدیریتی و... اوصاف رذیله انسانها را برای مشارکت در زنجیره تولید، توزیع و مصرف مدرن تحریک می‌کنند. به نظر ما فقیه در مرحله موضوع شناسی باید قدرت تشخیص عوامل موثر بر شاکله و نیت انسان از پایگاه آن موضوع را داشته باشد؛ تا بتواند فرآیند تضعیف یک موضوع را از پایگاه شاکله ای استنباط کند.

به دلیل مرتبط بودن موضوعات جدید به مفاهیم پیرامونی و الفاظ متناسب با آن مفاهیم، تضعیف زیرساخت‌های هدایت و انحراف شاکله‌ای افراد جامعه، موضوعات جدید به وجود می‌آیند و فقیه اگر از حیث های سه گانه این موضوعات جدید را تنقیح نکند؛ به دلیل توهّم مقوله مالا نص فیهِ، اظهار نظر درباره موضوعات جدید را به کارشناسان پوزیتیویستی تفویض نموده و بر اساس گزارش آنها حکم می‌کند. (تلاش برای مدیریت فقهاء به وسیله گزارش های موضوعی). تبیین ارتباط موضوعات جدید به مراحل سه گانه فوق‌الذکر ما را به این نتیجه می‌رساند؛ که وظیفه فقیه مدیریت فرآیند ساخت موضوعات فقهی است و طراحی مسیر ساخت موضوعات فقهی از مسیر روشمند کردن موضوع شناسی در مباحث فقهی محقق می‌شود.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین روش موضوع شناسی در فقه هدایت / یک شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۹ - حوزه علمیه قم

<https://nro-di.blog.ir/>

۳. سوال دوم: ساختار نسخه مشاوره، دارای چند بخش است؟

۳/۱. ساختار نسخه‌های مشاوره اولیه دارای ۵ بخش و ساختار نسخه‌های مشاوره تکمیلی دارای ۹ بخش

حالا سوال دوم این بود که طبیبی که می‌خواهد به مسئول و امیر مشاوره بدهد، در چند بخش این کار را انجام دهد؟ آیا یک نکته را بگوید؟ یا مسائل بیشتری را مطرح کند؟ اصطلاحاً ساختار نسخه مشاوره، چند بُعد و چند بخش دارد؟ عرض کردیم ملاک در "نسخه مشاوره"، "اصلاح نظم اجتماعی" است. پس نظم اجتماعی به هر میزان ابعاد دارد، نسخه شما هم باید به همان میزان دارای ابعاد باشد. مثلاً اگر نظم اجتماعی دارای ده بخش است، نسخه مشاوره شما هم باید ده بخش داشته باشد. این اساس کار است. دوستانی که با حقیر در شورای پژوهشی شرکت می‌کنند، توجه کنند ما ابتدا باید بحث کنیم که "ساختار نظم اجتماعی" چند بخش دارد. به همان میزانی که ساختار نظم اجتماعی را بحث و مُنقح کردیم، اجزای نسخه ما هم به همان اندازه خواهد بود. من عرض کردم چون الان اولین نسخه مشاوره را در کشور مطرح می‌کنیم، فعلاً پنج بخش برای نسخه مشاوره بحث خواهیم کرد. در آینده نسخه‌های مشاوره ما نُه‌بخشی خواهد بود، علتش هم "اصل ظرفیت" است. الان اگر ما یک نسخه نُه‌بخشی بنویسیم، ممکن است که تحملش توسط مسئولین نظام مبارک جمهوری اسلامی سخت باشد. لذا به دلیل اصل ظرفیت یک نسخه پنج‌بخشی را امروز بحث می‌کنیم.

۳/۲. حوزه‌های ایمنی، غذا، تقویت اعضای بدن، بیماری‌های شایع و دواء؛ ساختار پنج‌بخشی نسخه مشاوره اولیه

حالا این پنج بخش چیست؟ عرض کردیم (نسخه مشاوره اولیه در این جلسه را) با گرایش ستاد کل نیروهای مسلح می‌نویسیم. اول: "حوزه ایمنی"؛ چگونه ایمنی پادگان‌ها و نیروهای مسلح را افزایش دهیم؟ این یک حوزه است که تدابیرش را بحث خواهیم کرد.

دوم: "حوزه غذا" و "ارزیابی غذا". بخشی از مشاوره ما به ستاد کل نیروهای مسلح این است که غذای نیروهای مسلح باید تغییر کند. ما معتقدیم با این نوع تغذیه نیروهای مسلح ما تضعیف می‌شوند. حالا بعداً که نسخه مشاوره برای رؤسای حوزه‌های علمیه هم نوشتیم، مجدداً دارای همین پنج بخش است، برای ورزشکارها هم که نوشتیم همینطور است در همه عرصه‌ها اولویت‌ها اینها است.

سوم: "حوزه تقویت اعضای بدن" به تفکیک است. منتها با اولویت‌هایی که در نیروهای نظامی بیشترین کارکرد را دارند. مثلاً شما می‌دانید برای یک نیروی نظامی ماهیچه‌ها و "قوت عضلات" خیلی مهم است. بنابراین ما در نسخه مشاوره، نحوه "تقویت عضلات" را بحث می‌کنیم. یا برای یک نیروی نظامی "بینایی" خیلی مهم است. چون اگر بینایی تضعیف شود، هدف‌گیری تیراندازی دچار مشکل خواهد شد. بنابراین نحوه "تقویت چشم" را هم بحث می‌کنیم. اگر ان‌شاء‌الله در محیط‌های علمی آمدم [و بحث طبیب مشاور را ارائه کردیم]، ممکن است شما بگویید که در حوزه علمیه و دانشگاه، تقویت عضله اولویت اول نیست. مثلاً سراغ این برویم که بگویم مغز را چگونه تقویت کنیم. بعد هم نسبت به تغییر منزلتی که در نسخه می‌دهید، ممکن است یک عضو دیگری اولویت داشته باشد. این فضای بحث سوم است.

چهارمین مسئله: "حوزه بیماری‌های شایع در نیروهای مسلح" است. کدام بیماری‌ها در آنجا شایع هستند؟ مجدداً ما اینجا هم مشورت خواهیم داد.

و آخرین حوزه: "حوزه دواء" است. آیا تعریف رایج طب سنتی (که دواء را به مفرد و مرکب تقسیم می‌کنند) را بپذیریم؟ آیا تعریف طب سلول پایه (که می‌گوید: دواء عبارت است از "ماده موثره" و براساس ماده موثره ساخته می‌شود) را بپذیریم؟ یا نه؛ دواء در طب اسلامی تعریف دیگری دارد؟ من خواهش می‌کنم برادر خوبم آقای سرلشکر باقری که بعداً این بحث را می‌خوانند توجه کنند. یکی از مشکلاتی که ما در پادگان‌ها داریم این است که تعریف غلطی از "دواء" و "دارو" در پادگان‌های ما حاکم است. باید درک از دواء و دارو ارتقا پیدا کند؛ که ان‌شاءالله بحث خواهیم کرد.

سوال دوم، سوال کوتاهی است و من پاسخ آن را دادم. اما بسیار سوال مهمی است. شما باید در پنج حوزه "ایمنی"، "غذا"، "تقویت اعضای بدن"، "حوزه‌های بیماری‌های شایع" و "دواء"؛ پیوست سلامت را برای نیروهای مسلح بنویسید. این آغاز کار است.

۳/۲. ایجاد نظام مقایسه و موازنه با پنج رشته اصلی پزشکی سلول پایه در تامین سلامت؛ مبنای پرداختن به ساختار پنج‌بخشی نسخه مشاوره

یک سوال را می‌پرسند و آن اینکه: «چرا پنج بخش را اصالت بدهیم؟» بنده عرض می‌کنم پاسخ آن مبتنی بر "نظام مقایسه" است.

۳/۲/۱. پاتولوژی، فارماکولوژی، ایمونولوژی، فیزیولوژی و کُدکس آلیمنتاریوس؛ پنج رشته اصلی پزشکی سلول پایه در تامین سلامت

چون پزشکی سلول پایه پنج رشته مهم در تامین سلامتی دارد: پاتولوژی (Pathology)، فارماکولوژی (Pharmacology)، ایمونولوژی (Immunology)، کُدکس‌های آلیمنتاریوس (Codex Alimentarius)^{۳۷} و آناتومی (Anatomy) و

۳۷. ارجاع پردازشی: اصطلاح «کُدکس آلیمنتاریوس» ریشه لاتین دارد و به معنای «قانون غذا» است.

آشنایی با کُدکس مواد غذایی و استانداردهای موجود

کُدکس (Codex) ریشه لاتین داشته و در لغت به مفهوم "مقررات" است. کمیسیون مقررات مواد غذایی (CAC) [Codex Alimentarius Commission]، کمیسیون مشترک دو سازمان خواربار کشاورزی (FAO) [Food Agriculture Organization] و بهداشت جهانی (WHO) [World Health Organization] می‌باشد که در سال ۱۹۶۳ به دلیل اهمیت و لزوم تدوین استانداردهای غذایی، ایجاد گردید. این کمیسیون، تدوین استانداردهای غذایی را به طور واحد و یکسان برعهده دارد و اجلاس آن هر ساله در مقر یکی از سازمان‌های مذکور برگزار می‌گردد. در حال حاضر ۱۸۶ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران عضو این کمیسیون است.

از ویژگی‌های مهم این کمیسیون، تصویب استانداردهای جهانی مواد غذایی با رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی مصرف‌کنندگان، تسهیل تجارت و تبادل مواد غذایی بین کشورها است و با توجه به تاکید سازمان تجارت جهانی (WTO)، رعایت این استانداردها در تجارت مواد غذایی بین کشورهای منطقه و سایر کشورهای عضو کمیسیون حائز اهمیت و موثر می‌باشد.

ایران در سال ۱۳۶۸ به عضویت این کمیسیون پیوست، که طی همان سالها به دلیل فعالیت مناسب از سوی مدیر اجرایی کُدکس مورد تشویق قرار گرفت. در اجرای مصوبات یکصد و یکمین اجلاس شورای عالی استاندارد مورخ ۸۰/۲/۱۲ که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۳ در جلسه کمیسیون امور زیر بنایی، صنعت و محیط زیست مورد بازنگری قرار گرفت، به منظور ساماندهی مشارکت کارشناسان و صاحب نظران و گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌ربط جمهوری اسلامی ایران در فعالیت کمیسیون مقررات مواد غذایی (CAC) و همکاری با سایر سازمان‌های مرتبط در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، شورای هماهنگی کُدکس غذایی ایران با مشارکت

فیزیولوژی (Physiology). چون مشورت‌های پزشکی سلول پایه براساس این پنج تخصص است، ما از باب موازنه و مقایسه در گام اول، مقابل توصیه‌های این پنج تخصص پزشکی سلول پایه، توصیه‌های خودمان را مطرح می‌کنیم. ان‌شاء‌الله وقتی فضای بحث جلو رفت ساختار توصیه‌های مشاوره‌ای و ساختار پیوست سلامت، نه بخشی خواهد شد؛ که بعداً عرض خواهیم کرد. از سوال دوم نیز عبور کردیم. سوال دوم، یک سوال ریزنقشی است. سوال و جواب بسیار کوتاه و مهمی است. دیشب ما داشتیم در شورای پژوهش جمع‌بندی می‌کردیم. من با این پژوهشگرانی که با شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی همکاری دارند مشورت می‌کردم؛ بعضی می‌گفتند که ما فقط در حوزه غذا می‌ایستیم و نمی‌توانستند ساختار راه‌اندازی سلامت را عمیق‌تر بحث کنند. این سوال برای رفع این مشکل است. یعنی حتماً شما باید همه عوامل موثر بر "پیشگیری از بیماری" را بحث کنید.

وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی؛ بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ صنعت، معدن و تجارت؛ علوم، تحقیقات و فناوری؛ و سازمان ملی استاندارد ایران تشکیل و فعال گردید.

۴. سوال سوم: اولویت‌دارترین اقدامات برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت چیست؟

سوال سوم و اصلی‌ترین سوال این جلسه را بحث کنیم. اقدامات دارای اولویت برای ارتقاء سلامت در نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت کدام است؟ پنج حوزه را به ترتیب بحث می‌کنم:

۴/۱. افزایش ایمنی (حوزه بیوتروریسم)؛ اولین اقدام اولویت‌دار برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت

۴/۱/۱. افزایش تهدیدات حوزه ایمنی (بیوتروریسم) در قرن اخیر؛ علت اولویت افزایش ایمنی (حوزه بیوتروریسم) در حوزه افزایش ایمنی، ما به دلیل پنج دسته روایت، پنج توصیه داریم: اگر نیروهای مسلح ما این پنج توصیه را عمل کنند نسبت به وضعیت فعلی، ایمنی نیروهای مسلح افزایش بیشتری پیدا خواهد کرد. تهدیدات حوزه سلامت در قرن اخیر خیلی با تهدیدات دوره‌های قبل تفاوت دارد.

۴/۱/۱/۱. ایجاد تغییرات آب و هوایی، غذا و نوع ساختمان‌سازی؛ نمونه‌هایی از تهدیدات حوزه ایمنی (بیوتروریسم) در قرن اخیر

من در بعضی از گزارش‌های سازمان ملل مشاهده می‌کنم اینها از طریق "تغییرات آب و هوایی" می‌خواهند یک ملت را از بین ببرند. درحالی‌که در دوره‌های قبل معلوم نبود مثلاً تغییرات آب و هوایی به عنوان یک سلاح در دست‌ورکار جبهه متخاصم قرار گیرد. بنابراین همه چیز این نیست که ما موشک بسازیم، الان "غذا" جزئی از "بیوتروریسم" (bioterrorism) است، اینها همه گزارش‌های شایع جهانی است. مثلاً "ساختمان‌سازی" جزئی از "بیوتروریسم" است. شما می‌توانید ساختمانی بسازید و به صورت متوسط دو تا سه دهه عمر انسان‌ها را کاهش دهید! این یک نوع ترور است و آدم‌ها را با چالش روبرو می‌کند. سوال‌های "حوزه ایمنی" [که در این بخش به آن پرداخته می‌شود] با عبارت امروزی گرایش به سوال‌های "حوزه بیوتروریسم" [هم معناست]؛ منتها نه آن بیوتروریسمی که غربی‌ها تعریف کرده‌اند. ما در مدرسه هدایت تعریفی از بیوتروریسم نوشته‌ایم که بیوتروریسم و عوامل زیستی‌ای که برای ترور و صدمه‌زدن به سلامتی ملت استفاده می‌شود را خیلی فراتر بحث کرده‌ایم.

بر اساس آن تعاریف، پنج دسته توصیه داریم که در سبد اقلام نیروهای مسلح قرار داده شود: "میوه سیب"، "گوشت شتر"، "خرمای عجوه"، "نمک" و "حجامت" برجسته شود. یعنی وقتی فرمانده‌های نیروهای نظامی برای افزایش ایمنی نیروهای نظامی بحث می‌کنند، ما توصیه می‌کنیم به این پنج مسئله توجه کنند.

۴/۱/۲. راهکارهای افزایش ایمنی:

۴/۱/۲/۱. استفاده از سویق سیب (نافع‌ترین پادزهر در مقابل سموم)؛ اولین راهکار برای افزایش ایمنی

حال اینها چرا مهم است؟ دقت بفرمایید در مورد سیب: محمد بن موسی عن بعض اصحابه مرفوعاً عن الصادق (علیه السلام) نقل شده است که حضرت فرمود: «مَا أَعْرِفُ لِلشُّمُومِ دَوَاءً أَنْفَعَ مِنْ سَوِيقِ الثَّنَّاحِ».^{۳۸} ببینید؛ عبارت "سموم" را به کار می‌برند، نه در مورد یک سم خاص. حضرت می‌فرمایند: «من پادزهری نافع‌تر از سویق سیب برای مبارزه با سموم نمی‌شناسم.» حالاً ممکن است سموم مختلفی مطرح شود؛ [در هر صورت در مورد تمام این سموم] سویق سیب، یک "پادزهر جامع" است. یعنی ممکن است مثلاً غذای نیروهای مسلح (در شرایط جنگی و حتی در شرایط صلح) آلوده شود؛ اگر سویق سیب باشد، میزان آسیب آن سم به شدت کاهش پیدا می‌کند. این یک بحث، البته عرض کردم، روایت مرفوعاً از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است ولی چون در مورد تفاح، روایات مُعاضد و متکثر دیگری داریم، این نقص سندی به دلیل وجود روایات دیگر جبران می‌شود.^{۳۹}

۴/۱/۲/۲. مصرف گوشت شتر و میوه سیب (جهت مقابله با یهود و سحر)؛ دومین راهکار برای افزایش ایمنی

حالاً گوشت شتر چرا باید در دستور کار قرار گیرد؟ این روایت در مکارم الاخلاق حسن بن فضل طبرسی، عالم شیعه معروف قرن ششم آمده است. چند نفر از علماء کتاب مکارم الاخلاق نوشته‌اند. وقتی می‌گوییم مکارم الاخلاق، منظورمان این روایت مکارم الاخلاق حسن بن فضل طبرسی عالم شیعه قرن ششم است. ایشان آدم بسیار معتمدی است که علما به او اعتماد دارند.^{۴۰}

۳۸. ارجاع بزوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: مَا أَعْرِفُ لِلشُّمُومِ دَوَاءً أَنْفَعَ مِنْ سَوِيقِ الثَّنَّاحِ.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۶

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۴ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۰۹ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۷

/ طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۶۰

۳۹. ارجاع بزوهشی: عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: كَانَ إِذَا لَسَعَ إِنْسَانًا مِنْ أَهْلِ الدَّارِ حَيَّةً أَوْ عَقْرَبَ قَالَ: اسْقُوهُ سَوِيقَ الثَّنَّاحِ.

به نقل از احمد بن محمد بن یزید: ایشان، چون کسی از اهل خانه را مار یا کژدم (عقرب) می‌گزید، می‌گفت: «به او سویق سیب بخوراند».

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۶

مکارم الاخلاق، ص ۱۹۳ (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ كَانَ إِذَا لَسَعَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الدَّارِ حَيَّةً أَوْ عَقْرَبَ قَالَ اسْقُوهُ سَوِيقَ الثَّنَّاحِ)

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۷

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۴ (و فيه: كُنَّا إِذَا لَسَعَ بَعْضُ أَهْلِ الدَّارِ حَيَّةً أَوْ عَقْرَبَ قَالَ: اسْقُوهُ سَوِيقَ الثَّنَّاحِ)

الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۰۹

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۷ (و فيه: رُوِيَ: أَوْ مِنْ لَسَعَتْهُ حَيَّةٌ أَوْ عَقْرَبَ يُسْقَى سَوِيقَ الثَّنَّاحِ)

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۸۱ (وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: كَانَ إِذَا لَسَعَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الدَّارِ حَيَّةً أَوْ عَقْرَبَ قَالَ اسْقُوهُ سَوِيقَ الثَّنَّاحِ)

طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۱۸ (و عن أحمد بن يزيد، قال: كان إذا لسع أهل الدار حية، أو عقرب، قال: اسقوه سويق التفاح)

(و عنه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن أحمد بن محمد بن يزيد، قال: كنا إذا لسع بعض أهل الدار حية، أو لدغه عقرب، قال: اسقوه سويق التفاح)

عَنْهُ (عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الثَّنَّاحِ مَا دَاوَوْا مَرَضَاهُمْ إِلَّا بِهِ.

امام صادق (علیه السلام): اگر مردم می‌دانستند چه (فوندی) در سیب است؛ بیماران خود را جز به وسیله آن مداوا نمی‌کردند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۱ (عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۷

۴۰. ارجاع پرورشی: مرحوم علامه مجلسی در مقدمه کتاب شریف بحار الانوار در توصیف کتاب مکارم الاخلاق و مولف آن اینچنین نگاشته است:

«کتاب المکارم في الاشتهار كالشمس في رابعة النهار و مؤلفه قد أتى عليه جماعة من الأخيار.»

کتاب «مکارم الاخلاق» در شهرت همانند خورشید در وسط روز است! و جماعتی از نیکان، مولف را او تمجید نموده‌اند.

روایت این است که امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «عَلَيْكُمْ بِأَكْلِ لُحُومِ الْإِبِلِ فَإِنَّهُ لَا يَأْكُلُ لُحُومَهَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ مُخَالِفٍ لِيَهُودِ أَعْدَاءِ اللَّهِ.»^{۴۱} حضرت می‌فرمایند: «اگر مؤمنی هستی که در درگیری با یهود قرار داری (مثل وضعیت الان کشورمان که با اسرائیل غاصب درگیر هستیم)، در چنین شرایطی گوشت شتر مصرف کنی.» حالا علت چیست؟ (البته من این را بعداً باید بحث تفصیلی کنم) علت این است که یهود در جنگ‌ها، از ابزار "طلسم" و "سحر" استفاده می‌کند و یکی از فوایدی که گوشت شتر دارد این است که انسان را در مقابل طلسم و سحر ایمن‌تر می‌کند. که حالا بعداً بحث خواهیم کرد.^{۴۲}

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۸

هو الحسن الملقب برضي الدين و المكنى بأبي نصر نجل الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسي، من أعلام القرن السادس الهجري. كان من أكابر علماء الإمامية، و أجلاء هذه الطائفة و ثقافتهم، روى عن والده أمين الدين الفضل الطبرسي... و هو من أسرة علمية تتسلل فيها العلم و الفضل. فأبوه صاحب مجمع البيان في تفسير القرآن... و ولده علي بن الحسن كان من العلماء المؤلفين و هو صاحب كتاب «مشكاة الأنوار»... و يمكن اعتبار كتابه تيمماً لكتاب والده (مكارم الأخلاق)... و مهما كان الأمر فان ما وصلنا من أخباره العلمية كله ثناء عليه. فقد وصفه صاحب أمل الآمل بأنه كان محدثاً فاضلاً، و وصفه في رياض العلماء بالمحدث الجليل. و وصفه في مستدرک الوسائل: بالفقيه النبيل المحدث الجليل. و قال المجلسي (ره) في مقدمة البحار: بأنه قد أتى عليه جماعة من الأخيار. الى غير ذلك من الصفات التي ذكرها هؤلاء و غيرهم.

فضل بن حسن بن فضل طبرسی از بزرگان و ثقافت علماء امامیه (شیعه) در قرن ششم هجری است. از پدرش (امین الدین طبرسی) روایت نقل کرده است... و از خانواده‌ای است که علم و فضل در آن به طور مداوم جریان داشته است. پدرش صاحب کتاب مجمع البيان در تفسیر قرآن است... فرزندش علی بن الحسن مولف کتاب مشكاة الانوار است... و امکان دارد که اعتبار کتاب مشكاة الانوار نیز بخاطر این باشد که در آن کتاب پدرش (مکارم الاخلاق) را تمییم و تکمیل نموده است... در هر صورت هر آنچه از اخبار علمی در مورد وی به ما رسیده است تماماً ثناء و تمجید در مورد اوست. صاحب کتاب امل الآمل (مرحوم شیخ حرّ عاملی مولف کتاب وسائل الشیعه) وی را اینچنین توصیف نموده است که او محدثی فاضل است. و همچنین صاحب کتاب رياض العلماء (مرحوم افندی، معاصر مرحوم علامه مجلسی) می‌گوید: او محدثی جلیل و بزرگوار است. و در مستدرک الوسائل اینچنین توصیف نموده که: فقیه بی نظیر و محدثی جلیل و بزرگوار است. و مرحوم علامه مجلسی در مقدمه کتاب بحار می‌گوید: جماعتی از نیکان او را ثناء و تمجید نموده‌اند. و دیگر صفاتی که ایشان و دیگران برای او ذکر کرده‌اند.

مقدمه مکارم الاخلاق، ناشر: شریف رضی / قم / ۱۳۷۰ ش / ۱۴۱۲ ق

۴۱. ارجاع پژوهشی: من الفِرْدَوْسِ عَنِ مَعَاذِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: عَلَيْكُمْ بِأَكْلِ لُحُومِ الْإِبِلِ فَإِنَّهُ لَا يَأْكُلُ لُحُومَهَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ مُخَالِفٍ لِيَهُودِ أَعْدَاءِ اللَّهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خوردن گوشت شتر؛ زیرا این گوشت را تنها مؤمنان مخالف یهود (که دشمنان خدایند) می‌خورند.

مکارم الاخلاق، ص ۱۶۰

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۴

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَا يَأْكُلُ الْجَزُورَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شتر را جز مؤمن نمی‌خورد.

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۰

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۱۹۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۶

عَنْ إِبْرَاهِيمَ السَّمَّانِ قَالَ: مِنْ تَمَامِ الْإِسْلَامِ حَبُّ لَحْمِ الْجَزُورِ.

از ابراهیم روغن فروش که از کمال مسلمانی دوستی گوشت شتر است.

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۴

مکارم الاخلاق، ص ۱۶۰

۴۲. ارجاع پژوهشی: یکی از آیات شریفه قرآن که به استفاده یهود از سحر اشاره دارد؛ آیه ۱۰۲ سوره مبارکه بقره است:

و اتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ مَا أُتِرَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَازِرَتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ مَا هُمْ بِضَآرِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يُتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ لَبِئْسَ مَا سَرُّوا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

و [یهودیان] از آنچه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان [از علم سحر بر مردم می‌خواندند] پیروی کردند. و [سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود، بنابراین] سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین که به مردم سحر می‌آموختند، کافر شدند. و [نیز یهودیان] از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد [پیروی کردند]، و حال آنکه آن دو فرشته به هیچ کس نمی‌آموختند مگر آنکه می‌گفتند: ما فقط مایه آزمایشیم [و علم سحر را برای مبارزه با ساحران و باطل کردن سحرشان به تو تعلیم می‌دهیم]، پس [با به کار گرفتن آن در مواردی که ممنوع و حرام است] کافر مشو. اما آنان از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می‌آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می‌انداختند در حالی که آنان به وسیله آن سحر جز به‌اند خدا قدرت آسیب رساندن به کسی را نداشتند و همواره چیزی را می‌آموختند که به آنان آسیب می‌رسانید و سودی نمی‌بخشید و یقیناً [یهود] می‌دانستند که هر کس خریدار سحر باشد، در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد. و همانا بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند اگر معرفت می‌داشتند. (ترجمه انصاریان)

البته خود سبب هم که عرض کردم، پادزهر نافع است، خاصیت دیگری هم دارد و آن این است که مصرف سبب هم انسان را "ضد سحر" می‌کند.^{۴۳} اگر در مصرف روزانه خود بگنجانید، کسانی که حسادت یا دشمنی با شما می‌کنند، نمی‌توانند از ابزار سحر علیه شما استفاده کنند.

۴/۱/۲/۳. خرماى عجوه (مفيد برای دفع سموم)؛ سومين راهکار برای افزایش ایمنی

"خرمای عجوه"^{۴۴} را چرا به نیروهای مسلح توصیه کردیم؟ روایتی هست از عبدالرحمان بن زید بن حسن از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده و در کتاب محاسن آمده است. حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: «**الْعَجْوَةُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنَ السَّمِّ**».^{۴۵} می‌فرماید: اگر شما خرمای عجوه مصرف کردید، در این نوع خرما یک عامل ضد سمی وجود دارد. دقت کنید که

همچنین در تفسیر آیه شریفه «**وَمِنْ سُرِّ التَّمَّانَاتِ فِي الْعَقْدِ**» (سوره مبارکه فلق، آیه ۴) برخی مفسران این مطلب را تایید می‌کنند:

الْمُفَسِّرُونَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «مِنْ سُرِّ التَّمَّانَاتِ فِي الْعَقْدِ» أَنَّهُ لَمَّا سَحَرَ النَّبِيُّ ع بِنْتُ دَوْرَانَ مَرَضَ النَّبِيُّ فَجَاءَ إِلَيْهِ مَلَكَانِ فَأَخْبَرَاهُ بِالرُّمْرِ فَأَنْقَذَ صَاحِبًا وَ الرَّبِيبَ وَ عَمْرًا فَتَرَجُّحُوا مَاءَ تِلْكَ الْبَيْتْرِ كَأَنَّهُ نَقَاعَةُ الْجَبِي ثُمَّ رَفَعُوا الصَّخْرَةَ وَ أَخْرَجُوا الْخُفَّ فَإِذَا فِيهِ مِشَاطَةٌ رَأْسِهِ وَ أَسْنَانٌ مِشْطِهِ وَ إِذَا وَتَرَ مَعْقُودٌ فِيهِ إِحْدَى عَشْرَةَ عُقْدَةً مَعْرُوزَةً فَحَلَّهَا عَلِيٌّ فَبَسَّرَ النَّبِيَّ ع.^{۴۶}

مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (الابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۲۲۶

بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۳۰۳

و قال البيضاوي: «**وَمِنْ سُرِّ التَّمَّانَاتِ فِي الْعَقْدِ**» و من شر النفوس أو النساء السواحر اللاتي يعقدن عقدا في خيوط و يفتنن عليها و يفتنن بالفتح النفخ مع ريق و تخصيصه لما روي أن يهوديا سحر النبي ص في إحدى عشرة عقدة في وتر دسه في بئر فمض ع فنزلت المعوذتان و أخبره جبرئيل بموضع السحر فأرسل عليا ع فجاء به فقراهما عليه فكان كلما قرأ آية انحلت عقدة و وجد بعض الخفة.

بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۱۵

۴۳. **ارجاع پژوهشی:** أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع يَقُولُ: **التَّمَّاحُ يَنْقَعُ مِنْ خِصَالِ عِدَّةٍ مِنَ السَّمِّ وَ السَّحْرِ وَ اللَّيْمِ يَعْرِضُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ التَّلَعْمُ الْغَالِبُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ مِنْهُ مَنَقَعَةً**.

امام کاظم علیه السلام: سبب، برای درمان چند چیز سودمند است: (۱) مسمومیت، (۲) سحر (جادو)، (۳) جنونی که از زمینیان (جنیان) پیش می‌آید، (۴) بلغمی که چیره شده باشد. هیچ چیز منفعتش سریع‌تر از سبب نیست.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵

المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۳ (عنه عن بکر بن صالح عن الجعفری قال سمعت أبا الحسن الأول ع يقول: التَّمَّاحُ شِفَاءٌ مِنْ خِصَالِ...)

الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۰۶ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۶ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۵ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۰

/ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۴

۴۴. **ارجاع پژوهشی:** الْعَجْوَةُ: و قد تكرر ذكرها في الحديث. و هو نوع من تمر المدينة أكبر من الصيحاني يضرب إلى السواد من غرس النبي صلى الله عليه و سلم. عجوه: این لفظ در احادیث زیاد تکرار شده است. و آن نوعی از خرماى صيحاني بزرگ تر است که (رنگ آن) به سیاهی می‌زند. و از (درختانی است که) توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کاشته شده است.

النهاية في غريب الحديث و الأثر (ابن اثیر)، ج ۳، ص ۱۸

۴۵. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: **الْعَجْوَةُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنَ السَّمِّ**.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۲ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۷

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۳ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۴۱ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۰۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۲

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۸۵ (نقل عن البحار، عن كتاب الإمامة و التبصرة لعلی بن بابويه عن سهل بن أحمد عن محمد بن الأشعث عن موسى بن إسماعيل بن موسى بن جعفر عن أبيه عن

آبائه عن النبي

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَيَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: **الْكُمَاءُ مِنَ الْمَمْنِ وَ الْمَمْنُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مَاؤُهَا شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ وَ الْعَجْوَةُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنَ السَّمِّ**.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): فارغ از «من» است و «من» از بهشت است و آبش شفاء ی برای چشم است. و خرماى عجوه از بهشت است و در آن شفاء از سم است.

طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌ابسطام)، ص ۸۲

طیب مشاور (ارائه ۲۴ پیشنهاد برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح)

حضرت نمی فرماید: «أَمَانٌ مِنَ السَّمِّ». بلکه می فرماید: «شِفَاءٌ مِنَ السَّمِّ». یعنی: اگر کسی مسموم شد، شما می توانید به او (همان طور که در بعضی از روایات آمده) هفت خرماى عجوه بدهید.^{۴۶} به جای اینکه داروهایی مبتنی بر "ماده مؤثره" را توصیه کنید، می توانید این خرما را بخورید.

۴/۱/۲/۴. نمک طبیعی (پادزهری مجرب و درمان کننده ۷۲ نوع بیماری)؛ چهارمین راهکار برای افزایش ایمنی

"نمک" را چرا به ستاد کل نیروهای مسلح توصیه کردیم؟ البته ما همیشه عرض کرده ایم که "نمک تصفیه شده" و "نمک یددار"، نمک فاسد است. من این را صریح بگویم که اگر سلامت خود را می خواهید "نمک تصفیه شده" و "نمک یددار" مصرف نکنید؛ بلکه همان نمکی که خداوند متعال خلق کرده است همان را بخورید و مصرف کنید. یکی از احادیثی که توصیه به نمک می کند این است که جناب محمد بن مسلم راوی ثقه و قابل اعتماد از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است: «إِنْدُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ، فَكُلُوا يَغْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَاوَهُ عَلَى الدَّرِيَاقِ الْمُجْرَبِ.»^{۴۷} حضرت می فرماید: اگر مردم می دانستند، (پیداست حضرت

عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۱۰۷

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۰۸ و ص ۱۵۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۴ (و فيه الشقم بدل السم)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعَجْوَةُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنَ الشَّخْرِ.

امام صادق (علیه السلام): خرماى عجوه از بهشت است و در آن شفاء از سحر است.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۸

جهت مشاهده «اهمیت و فوائد خرما (خصوصاً خرماى عجوه) در روایات»: به پیوست شماره ۲ مراجعه کنید.

۴۶. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مَتَّوَرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَكَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعَ تَمْرَاتٍ عَجْوَةٍ عَلَى الرَّبِيعِ مِنْ تَمْرِ الْعَالِيَةِ لَمْ يَضُرَّهُ سَمٌّ وَلَا سِحْرٌ وَلَا شَيْطَانٌ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس ناشتا هفت دانه خرماى عجوه عالیه (قریه ای است نزدیک مدینه) بخورد؛ در آن روز هیچ زهر یا سحر یا شیطانی به او زیان نرساند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۲

سند محاسن: عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عُثَيْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مَتَّوَرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَكَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعَ تَمْرَاتٍ عَجْوَةٍ عَلَى الرَّبِيعِ مِنْ تَمْرِ الْعَالِيَةِ لَمْ يَضُرَّهُ سَمٌّ وَلَا سِحْرٌ وَلَا شَيْطَانٌ.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۸ (و فيه اضافہ: "في ذلك اليوم بعد" لم يضره)

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۴۴ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۴ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۷۹ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۳ / الفصول المهمة في أصول الأئمة

تكملة الوسائل، ج ۳، ص ۱۰۳

أَخْبَرَنَا أَبُو بَشِيرٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السَّمَاكِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُتَدَايِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَدْرِ شُجَاعُ بْنُ الْوَلِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَانِئُ بْنُ هَانِئٍ، عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدٍ: أَنَّ سَعْدًا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) : مَنْ تَصَبَّحَ بِعَشْرِ تَمْرَاتٍ عَجْوَةٍ لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سِحْرٌ وَلَا سَمٌّ.

از پیغمبر (صلی الله علیه و آله): هر کس صبح را با خوردن ده دانه خرماى عجوه آغاز کند، در آن روز هیچ سم و سحرى به او ضرر نرساند.

الأمالي (للطوسي)، ص ۳۹۵ / مکارم الأخلاق، ص ۱۶۸

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۴۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۱ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۲

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْزَوَانَ الْقُنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَكَلَ سَبْعَ تَمْرَاتٍ عَجْوَةٍ عِنْدَ مَنَامِهِ قَتَلَنَ الدَّيْدَانَ مِنْ بَطْنِهِ.

امام صادق علیه السلام: هر کس به هنگام خواب، هفت خرماى عجوه بخورد، خرماها کرم های شکم او را می کشند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۳

الوافی، ج ۱۹، ص ۳۷۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۳

۴۷. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَكُلُوا يَغْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَاوَهُ عَلَى الدَّرِيَاقِ الْمُجْرَبِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): غذای خود را با نمک آغاز کنید. اگر مردم آنچه را در نمک هست می دانستند، آن را بر تریاقی تجربه شده برمی گزیدند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۱

صادق (علیه السلام) با علم امامتشان می دانستند که مثلاً پزشکان ما الان قدر نمک را نمی دانند؛ واقعاً ما به مشکل نقصان در علم مبتلا هستیم؛ یکی از مصادیق آن در مورد نمک است) حضرت می فرماید: اگر مردم خاصیت های نمک را می دانستند، «لَا حَتَّازُوهُ عَلَي الدَّرِيَاقِ الْمُجَرَّبِ» سراغ پادزهرهای مجرب نمی رفتند، بلکه به سراغ نمک می رفتند. این مطلب در روایات دیگر هم توضیح داده شده است. هر چه که فاسد شد، برای جلوگیری از فساد آن از نمک استفاده می کنیم. نمک جلوی فساد را می گیرد. پس معنایش این است که: اگر عروق، خون، کبد، کلیه یا موی شما فاسد می شود (اینها اجزای درونی بدن هستند) از نمک استفاده کنید. تا می توانید از نمک استفاده کنید. جلوی فشار خون را می گیرد، مو را مستحکم می کند و مانع فساد عصب می شود. همان طور که در روایت آمده است ۷۲ نوع بیماری را معالجه می کند.^{۴۸} پس نمک باید در اقلام همراه سرباز باشد، خصوصاً در شرایط جنگی.

دوسند محاسن: ۱- عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْزِيِّ) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

۲- رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ الْأَحْمَدِ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۶

عِدَّةً مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ وَعَمْرٍو بْنِ إِبْرَاهِيمَ جَمِيعاً عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَدَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص عَقْرَبٌ فَتَفَضَّهَا وَ قَالَ: لَعَنَكَ اللَّهُ فَمَا يَسْلَمُ مِنْكَ مُؤْمِنٌ وَلَا كَافِرٌ. ثُمَّ دَعَا بِالْمِلْحِ فَوَضَعَهُ عَلَى مَوْضِعِ الدَّعَةِ ثُمَّ عَصَرَهُ بِإِبْهَامِهِ حَتَّى ذَابَ ثُمَّ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا اخْتَبَجُوا مَعَهُ إِلَى دَرِيَاقِ. امام صادق (علیه السلام): عقربی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را گزید، حضرت آن را پرت کرد و فرمود: خدا تو را لعنت کند! که نه مؤمن از تو سالم ماند و نه کافر. سپس نمک خواست و آن را برجای گزیش نهاد و آنگه با انگشت بزرگش آن را مالید تا آب شد، سپس فرمود: اگر مردم می دانستند چه در نمک است با وجود آن به هیچ تریاقی نیاز نداشتند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۲۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۰

سند محاسن: عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۷

بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۹۱ و ج ۶۳، ص ۳۹۵ و ج ۶۱، ص ۲۷۳ و ج ۵۹، ص ۲۰۷

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۲ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۸۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۰

عَلَيْهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخُرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: إِنَّ الْعَقْرَبَ لَسَعَتْ [لَدَعْتُ] رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ لَعَنَكَ اللَّهُ فَمَا تَبَالِيهِمْ مُؤْمِنًا أَدَابَتْ أَمْ كَافِرًا ثُمَّ دَعَا بِالْمِلْحِ فَذَلَكُ فَهَدَّتْ. ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا بَقُوا مَعَهُ إِلَى دَرِيَاقِ.

محمد بن مسلم نقل کرده است: عقربی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را گزید، پس حضرت فرمود: خدا تو را لعنت کند! که برای تو فرق نمی کند که مومن را اذیت کنی یا کافر را. سپس نمک درخواست کردند پس آن را بر موضع گزیدگی مالیدند تا آب شد. سپس امام باقر (علیه السلام) فرمود: اگر مردم می دانستند چه در نمک است با وجود آن به هیچ تریاقی نیاز نداشتند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۲۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۱

سند محاسن: عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخُرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۹۱ و ج ۵۹، ص ۲۰۸ و ج ۶۱، ص ۲۷۳ و ج ۶۳، ص ۳۹۶

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۱ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۸۳ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۷۵

۴۸. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيٍّ: يَا عَلِيُّ! افْتَتِحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمِ بِالْمِلْحِ فَإِنَّ مِنَ افْتَتِحِ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمِ بِالْمِلْحِ غُوفِي مِنَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ مِنْهُ الْجُدَامُ وَ الْجُنُونُ وَ الْبَرَصُ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه السلام): ای علی! غذا را با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چه، هر کس غذای خویش را با نمک آغاز کند و با نمک پایان دهد، از هفتاد و دو نوع از انواع بلاء که جدام، دیوانگی و پیسی از آن جمله است، به دور باشد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳ (با اندکی تفاوت)

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۱۹ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۴۰۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۸ (نقلا عن المحاسن)

۴/۱/۲/۵. حجامت؛ پنجمین راهکار برای افزایش ایمنی

آخرین مسئله‌ای که ایمنی را افزایش می‌دهد، مسئله "حجامت" است. در مسئله حجامت هم جناب محمد بن مسلم و هم جناب ابی بصیر هر دو از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده‌اند به سندی که در کتاب خصال آمده است: «إِنَّ الْحِجَامَةَ تُصَحِّحُ الْبَدَنَ وَ تَشُدُّ الْعُقْلَ»^{۴۹} باز می‌فرماید که بدن در حالت فساد قرار گرفته است؛ چون مفهوم مخالف "تُصَحِّحُ" مفهوم "تَفْسِدُ" است. حجامت باعث می‌شود "فساد" از بدن خارج شود و بدن به حالت "صحت" برگردد. این عامل می‌خواهد هر چیزی باشد؛ یکی از عواملی که در روایات آمده که "حجامت" آن را برطرف می‌کند، "سم" و "غذای مسموم" است.^{۵۰} من در چهار مورد توصیه‌های حوزه ایمنی، روی

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ وَ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَ التَّهَكِّيَّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْزَوَانَ الْقُدِّيِّ عَنِ ابْنِ سَيَّانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمَلْحِ دَفَعَهُ عَنْهُ أَوْ رَفَعَهُ عَنْهُ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ دَاةً. وَ رَوَاهُ التَّوْفَلِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ رَوَاهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع. امام صادق (علیه السلام): هر کس غذایی را با نمک آغاز کند هفتاد و دو بیماری از او دفع یا رفع می‌شود.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد تاثیر فراوان "نمک طبیعی" بر درمان و پیشگیری از بیماری‌ها؛ به پیوست شماره ۳ مراجعه کنید.

۴۹. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْفَيْطِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِينَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاةٍ قَالَ ع: إِنَّ الْحِجَامَةَ تُصَحِّحُ الْبَدَنَ وَ تَشُدُّ الْعُقْلَ...

امام علی علیه السلام: حجامت، بدن را صحت می‌دهد و عقل را استحکام می‌بخشد.

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱ / تحف العقول، ص ۱۰۰

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۱۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱۷

۵۰. **ارجاع پژوهشی:** أَبِي رَجْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: اخْتَجَمَ النَّبِيُّ ص فِي رَأْسِهِ وَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ وَ فِي قَفَاةِ ثَلَاثَا سَمَى وَ وَاحِدَةً النَّافِعَةَ وَ الْأُخْرَى الْمُغِيثَةَ وَ النَّالِيَةَ الْمُنْقِذَةَ.

امام جعفر بن محمد (علیهما السلام) از پدر بزرگوارش روایت نموده که فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) سه جا را حجامت کردند: (۱) سر، (۲) بین دو کتف و (۳) در پشت (چهاربند). یکی را نافع (سودمند)، دیگری را مغیثه (فریادرس) و سومی را منقذه (رهاکننده) نامیدند.

معانی الأخبار، ص ۲۴۷

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱۳ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۶، ص ۷۸ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۱۲ و ۱۱۷

وَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: اخْتَجَمَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي رَأْسِهِ وَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ وَ قَفَاةً وَ سَمَى الْوَاحِدَةَ النَّافِعَةَ وَ الْأُخْرَى الْمُغِيثَةَ وَ النَّالِيَةَ الْمُنْقِذَةَ.

وَ فِي غَيْرِ هَذَا الْحَدِيثِ: النَّبِيُّ فِي الرَّأْسِ الْمُنْقِذَةَ وَ النَّبِيُّ فِي الثُّفْرِ الْمُغِيثَةَ وَ النَّبِيُّ فِي الْكَاهِلِ النَّافِعَةَ وَ زَوِي الْمُغِيثَةَ.

و حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمود: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سر و بین دو کتف و در پشت گردن حجامت می‌کردند و اولی را «نافع» (سودمند) و دومی را «مغیثه» (فریادرس در بیماری‌ها)، و سومی را «منقذه» (نجات‌دهنده)، نام نهاد.

و در حدیث دیگر: حجامت سر را «منقذه» (نجات‌دهنده) و حجامت در پشت گردن را «مغیثه» (فریادرس) و حجامت در شانه را «نافع» (سودمند) یا «مغیثه» (فریادرس) خواند.

مکارم الأخلاق، ص ۷۶ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۲۷

الْخَضِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَوَارِيُّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْبَرْدِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا صَفْوَانُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَخْتَجِمُ بِثَلَاثٍ: وَاحِدَةً مِنْهَا فِي الرَّأْسِ يُسَمِّيهَا الْمُنْقِذَةَ، وَ وَاحِدَةً بَيْنَ الْكَتِفَيْنِ يُسَمِّيهَا النَّافِعَةَ، وَ وَاحِدَةً بَيْنَ الْوُرُكَيْنِ يُسَمِّيهَا الْمُغِيثَةَ.

امام صادق (علیهما السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سه گونه حجامت می‌کردند: یکی حجامت در سر که آن را متقدمه (پیشاپیش) می‌نامیدند، و یکی بین دو کتف که آن را

نافع (سودمند) می‌نامیدند، و یکی بین دو کتف که آن را معینه (کمک‌کننده) یا مغیثه (فریادرس) می‌نامیدند.

طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌اسطام)، ص ۵۷

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۲۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۸۱ (و فیهما: "المغیثه" بدل "المعینه")

سم ایستادم و یک مورد را هم روی سحر. در نیروهای نظامی، پدافند صحیح در مقابل سم و سحر موضوعیت دارد و باید به آن توجه کنیم. البته توصیه‌ها فراوان است ولی به‌هرحال باید ادامه دهیم. در جلسات آینده می‌شود توصیه‌های دیگری را هم مطرح کرد.

۴/۲. اصلاح تغذیه؛ دومین اقدام اولویت‌دار برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی

جبهه مقاومت

در حوزه "تغذیه" چه اتفاقی می‌افتد؟ ما در حوزه تغذیه پنج توصیه داریم: توصیه اول و شاید مهمترین توصیه ما اصلاح روش طبخ نان است. مصرف خرما، مصرف سویق، مصرف زیتون و همین‌طور مصرف سرکه طبیعی. اصرار داریم در جیره نیروهای نظامی این پنج مسئله گنجانده شود و مورد تاکید قرار بگیرد. البته ممکن است برای کسانی که علم اهل بیت را مطالعه نکرده‌اند، فهم این مطلب مدتی طول بکشد. ما معتقدیم این پنج غذا خودش کامل است. اما اگر شما اینها را وعده غذایی کامل نمی‌دانید، می‌توانید در کنار غذا این پنج مورد را هم قرار دهید و از آن استفاده کنید. حالا دلایل آن را توضیح دهیم.

۴/۲/۱. اصلاح روش پخت نان؛ اولین و مهم‌ترین اقدام در حوزه تغذیه

چرا "نان" مهم است؟ ولید بن صبیح از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است، حضرت فرمود: «إِنَّمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ»^{۵۱} به تعبیر دقت کنید؛ می‌فرماید: «استواری بدن بر نان است.» در تعبیر دیگری دارد که قوتی در نان است. شما اگر نان خالی را با مدل طبخی که ما در حوزه علمیه پیشنهاد داده‌ایم (نه مدل طبخ غلطی که در سازمان غذا و دارو توصیه می‌شود) مصرف کنید، بدن شما تا آخر عمر استوار باقی خواهد ماند و بدنی قوی خواهید داشت. نان اینقدر اثر دارد! ظهور روایت حضرت را ببینید؛ می‌فرماید: «إِنَّمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ» لذا آنهایی که به روایات اهل بیت (علیهم السلام) متمسک می‌شوند، می‌توانند در محیط‌های کاری خودشان یک نانوائی اختصاصی تاسیس کنند.^{۵۲} به چه علت؟ به این علت که نانی که بیرون است، سالم نیست.

۴/۲/۱/۱. جدا کردن سبوس و اضافه کردن مواد افزودنی؛ دو اشکال روش کنونی پخت نان

من نان‌های بیرون را به دلایلی سالم نمی‌دانم: یک دلیل اینکه "سبوس" [از آن] جدا شده است و افزودنی‌هایی دارد. طبق برخی گزارش‌ها، آقایان وزارت بهداشت تا چهارده مورد افزودنی به نان‌ها اضافه می‌کنند. این افزودن هم کار غلطی است؛ [چرا که] خود خدای متعال می‌فرماید که نان قوت است. اینکه می‌گویم علم ناقص کار دست آدم می‌دهد، [یکی از مصادیقش] همین جاست؛ چون نمی‌دانند نان کامل است، نان قوت است؛ [لذا] می‌آیند چیزهایی را به آن اضافه می‌کنند که این مصداق "تغییر

۵۱. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّمِيمِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ إِزْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **إِنَّمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ.**

امام صادق (علیه السلام): این است و جز این نیست که بدن انسان بر پایه نان بنا نهاده شده (و استوار است).

الکافی، ج ۶، ص ۲۸۶ و ص ۲۸۷ (بهذا السند: مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِزْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِزْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)

المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۵ (بهذا السند: عُمَةُ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِزْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۰ / الوافی، ج ۱۹، ص ۲۷۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۲۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۱۷

عَنْ الصَّادِقِ ع قَالَ: **بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ.**

امام صادق (علیه السلام): بدن انسان بر پایه نان بنا نهاده شده است.

مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴

۵۲. در همین مدرسه مبارکه رکن‌الملک که در سال‌های قبل آمدم یک نانوائی وجود داشت. نمیدانم هنوز هم کار می‌کند یا نه؟

در خلقت الهی^{۵۳} است. شما می‌دانید آردهایی که در نانوبی‌ها وجود دارد، خیلی چیزها به آن اضافه شده است. برای همین است که نان‌ها "بیوست" ایجاد می‌کند، "زخم معده" ایجاد می‌کند و از آن حالت خودش خارج می‌کند. پس یکی از دلایل اینکه می‌گوییم مدل پخت نان اصلاح بشود این است که: اگر خودتان نان را پخت کنید، کسی نمی‌تواند "مواد افزودنی" به آن اضافه کند، و از طرفی مواظبت می‌کنید که نان‌تان "سبوس کامل" داشته باشد.

۴/۲/۱/۲. پخت بر روی آهن؛ اشکال دیگر روش کنونی پخت نان

خواهش می‌کنم این مطلب را هم دقت کنید چون که موضوع مهمی است. این مسئله مقداری نیاز به عقل درایه ای دارد. نان را نباید روی "آهن" و بدون حرارت طبخ کرد. انواع پخت نان که الان وجود دارد اینها هم غلط است. نان باید روی "سنگ" یا "گل" پخته شود، چرا؟ استدلال را دقت بفرمایید: چون روایت دارد: «الحديد رجس نجس»^{۵۴} می‌دانید اصل خلقت آهن برای رفع

۵۳. **ارجاع پژوهشی:** اشاره به مضمون آیه شریفه: «... وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا * لَعْنَةُ اللَّهِ * وَاللَّهُ لَا يَتَّخِذُ مِنْ عَبَادِكَ تَصِيْبًا مَفْرُوضًا * وَلَا يُخَلِّقُهُمْ وَلَا يَمُنِّيهِمْ وَلَا يُمْسِكُهُمْ فَكَذَّبْتُمْ إِذَا دَانَ الْأَنْعَامَ وَلَا مَوْتَهُمْ فَكَيْفَ يُعَذِّبُ خَلْقَ اللَّهِ * وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا * يَعْدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعْدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (سوره مبارکه نساء، آیات ۱۱۷ تا ۱۲۰)

... و [مشركان] جز شيطان سرکش را نمی‌خوانند. * خدا لعنتش کند، [وقتی که] گفت: «بی‌گمان، از میان بندگانت نصیبی معین [برای خود] برخواهم گرفت. * و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد، و وادارشان می‌کنم تا گوشه‌های دامها را شکاف دهند، و وادارشان می‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند.» و [لی] هر کس به جای خدا، شيطان را دوست [خدا] گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است. * [آری،] شيطان به آنان وعده می‌دهد، و ایشان را در آرزوهای افکنند، و جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد.

۵۴. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَيْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفَرِ وَمَعَهُ السَّكِينُ فِي حُقِّهِ لَا يَسْتَعْنِي عَنْهَا أَوْ فِي سِرَاوِيلِهِ مَشْدُوداً وَ الْمِفْتَاحُ يَخَافُ عَلَيْهِ الضَّيْعَةَ أَوْ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةَ فِيهَا حَدِيدٌ قَالَ لَا بَأْسَ بِالسَّكِينِ وَ الْمِنْطَقَةَ لِلْمُسَافِرِ فِي وَقْتِ ضَرُورَةٍ وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ يَخَافُ عَلَيْهِ أَوْ فِي التَّنْبِيَانِ وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كَذَلِكَ آتَى السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوعٌ. الكافي، ج ۳، ص ۴۰۰ (باب النَّبَاسِ الَّذِي تَكَرَّرَ الصَّلَاةُ فِيهِ وَ مَا لَا تَكَرَّرَ)

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَيْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلِ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْحَدِيدِ: أَنَّهُ حَلِيَّةٌ أَهْلِ النَّارِ وَ الدَّهَبُ حَلِيَّةٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ جَعَلَ اللَّهُ الدَّهَبَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ النِّسَاءِ فَحَرَّمَ عَلَى الرِّجَالِ لُبْسَهُ وَ الصَّلَاةَ فِيهِ وَ جَعَلَ اللَّهُ الْحَدِيدَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ الرِّجَالِ فَحَرَّمَ عَلَى الرِّجَالِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَلْبَسَهُ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قِبَالَ عَدُوٍّ فَلَا بَأْسَ بِهِ قَالَ فُلْتُ لَهُ فَالرَّجُلُ فِي السَّفَرِ يَكُونُ مَعَهُ السَّكِينُ فِي حُقِّهِ لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ أَوْ فِي سِرَاوِيلِهِ مَشْدُوداً وَ الْمِفْتَاحُ يَخْشَى إِنْ وَضَعَهُ ضَاعَ أَوْ يَكُونُ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةَ مِنْ حَدِيدٍ قَالَ لَا بَأْسَ بِالسَّكِينِ وَ الْمِنْطَقَةَ لِلْمُسَافِرِ أَوْ فِي وَقْتِ ضَرُورَةٍ وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ إِذَا خَافَ الضَّيْعَةَ وَ التَّنْبِيَانَ وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كُلِّ آتَى السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوعٌ.

تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۲۲۷

الوافي، ج ۷، ص ۴۲۷ / وسائل الشيعة، ج ۴، ص ۴۱۹

مرحوم شیخ حر عاملی (ره) در کتاب شریف وسائل الشيعة در ذیل این روایت چنین مرقوم فرموده است:

وَ رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقَيْبَةَ نَحْوَهُ إِلَّا أَنَّهُ تَرَكَ أَوْلَهُ وَ افْتَصَرَ عَلَى قَوْلِهِ الرَّجُلُ يَكُونُ فِي السَّفَرِ إِلَى آخِرِهِ أَقُولُ: تَقَدَّمَ فِي التَّجَاسَاتِ حُكْمُ الْحَدِيدِ وَ طَهَارَتُهُ وَ أَنَّ التَّجَاسَةَ هُنَا مَحْمُولَةٌ عَلَى الْكَرَاهَةِ أَوْ الْمَعْنَى الْقَوِيَّ أَعْنِي عَدَمَ التَّطَاقَةِ وَ التَّزَاهَةِ... نجاست در این روایت، حمل بر کراهت و یا معنای لغوی آن یعنی عدم نظافت و پاکیزگی می‌شود.

وسائل الشيعة، ج ۴، ص ۴۱۹

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ إِذَا قَصَّ أَظْفَارَهُ بِالْحَدِيدِ أَوْ حَرَّ مِنْ شَعْرِهِ أَوْ حَلَقَ قَفَاهُ فَإِنَّ عَلَيْهِ أَنْ يَمْسَحَهُ بِالْمَاءِ قَبْلَ أَنْ يَصْلِيَ سَبِيلَ فَإِنْ صَلَّى وَ لَمْ يَمْسَحْ مِنْ ذَلِكَ بِالْمَاءِ قَالَ يُعِيدُ الصَّلَاةَ لِأَنَّ الْحَدِيدَ نَجَسٌ وَ قَالَ لِأَنَّ الْحَدِيدَ لِيَأْسَ أَهْلِ النَّارِ وَ الدَّهَبُ لِيَأْسَ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۹۶ / تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۴۲۶

وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۲۸۸ / الوافي، ج ۶، ص ۲۳۸ / بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۱۵

مرحوم شیخ طوسی (ره) در کتاب شریف استبصار در ذیل این روایت چنین فرموده است:

فَالْوَجْهُ فِي هَذَا الْخَبَرِ أَنَّ نَحْمِلَهُ عَلَى ضَرْبٍ مِنَ الْاِسْتِحْبَابِ دُونَ الْاِجْبَابِ لِأَنَّهُ خَبَرٌ شَادُّ مُخَالِفٌ لِلْأَخْبَارِ الْكَثِيرَةِ وَ مَا يَجْرِي هَذَا الْمَجْرَى لَا يَعْمَلُ عَلَيْهِ عَلَى مَا يَتَّبَعُهُ.

الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۹۶

نیازهای موجودی به اسم "جن" است. خدای متعال اصالتاً آهن را برای رفع نیازهای اجنه خلق کرده؛^{۵۰} ولی منافع محدودی هم برای انسان در آهن قرارداده است که مواردش را امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: مثلاً حضرت فرموده‌اند: در آلات جنگی، در ساخت اسلحه، همین طور در مورد چاقوی ذبح حیوانات می‌توانید از آهن استفاده کنید.^{۵۱} مواردی را حضرت استثنا کرده‌اند. بنابراین در پخت نان، ما نمی‌توانیم از فلز آهن استفاده کنیم.

۴/۲/۱/۲/۱. از بین رفتن خاصیت‌ها و ارزش غذایی نان؛ دلیل نامناسب بودن پخت نان بر روی آهن

به اصطلاح موجود، حرارتی که از آهن متساعد می‌شود، فاسدکننده غذاست. یعنی: غذا را نجس می‌کند؛ یعنی: تمام خاصیت‌های غذایی را از بین می‌برد. شما استحضار دارید، خود میزان حرارت، در پخت غذا خیلی مسئله مهمی است؛ اینکه حرارت هم ناشی از چه باشد، خیلی مهم است. ما حرارت ناشی از آهن را برای طبخ مفید نمی‌دانیم. ان‌شاء الله وقتی من مدل‌های طبخ را بحث کردم، بیشتر این را می‌شکافم. ولی خلاصه آن را، الان همه درک می‌کنند. فکر می‌کنم اگر دقت بشود، تفاوت حرارت ناشی از سنگ با حرارت ناشی از گل با حرارت ناشی از آهن، با بررسی‌های تجربی هم قابل اثبات است. یعنی وقتی طبخ روی آهن اتفاق می‌افتد، ارزش غذایی نان به صورت کامل از بین می‌رود. این هم دومین نکته از دلایلی که چرا باید طبخ نان اصلاح شود.

۴/۲/۱/۳. انجام فرایند تخمیر با مواد جانبی؛ اشکال دیگر روش کنونی پخت نان

سومین نکته "فرایند تخمیر" است. تخمیر طبیعی یا به اصطلاح ساده‌تر، عمل آمدن خمیر نان، باید در یک فرایند طبیعی اتفاق بیفتد نه با کمک مواد جانبی که این هم مسئله مهمی است. بنابراین اگر شما زمان کافی برای درست کردن خمیر اختصاص دهید و اصطلاحاً لانجین^{۵۲} خمیر یا ظرف خمیر را (که بازهم توصیه اکید داریم که از آهن نباشد) سرپوشیده قرار دهید می‌توانید یک خمیر آماده شده بدون مواد جانبی را برای پخت نان در اختیار داشته باشید. البته تکنولوژی نان خیلی پیچیده است؛ زمانی بنده مطالعات تاریخی در مورد نان انجام می‌دادم، دیدم مردمان قدیم ما در ایران فقط حدود چهارصد نوع نان داشتند و این نان‌ها هر کدام خاصیت‌هایی داشتند. منتها از وقتی که "سازمان غذا دارو" در این قضیه دخالت کرده است، مردم ایران تنها پنج نوع نان می‌خورند: سنگک، نان تافتون، نان لواش، نان باگت و نان ساندویچی که در اختیار است. باید حتماً مدل طبخ نان تغییر پیدا کند. ان‌شاء الله یک وقتی در جلسه‌ای برای خود نان بحث می‌کنیم.

۵۰. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلَ التَّمِيمِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: فِي الْحَدِيدِ أَنَّهُ جَلِيَّةُ أَهْلِ النَّارِ وَ الدَّهَبُ جَلِيَّةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ جَعَلَ اللَّهُ الدَّهَبَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ النِّسَاءِ فَحَرَّمَ عَلَى الرِّجَالِ لُبْسَهُ وَ الصَّلَاةَ فِيهِ وَ جَعَلَ اللَّهُ الْحَدِيدَ فِي الدُّنْيَا زِينَةَ الرِّجَالِ وَ الشَّيَاطِينِ فَحَرَّمَ عَلَى الرِّجَالِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَلْبَسَهُ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قِبَالَ عَدُوِّ فَلَا بَأْسَ بِهِ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَالرَّجُلُ فِي السَّفَرِ يَكُونُ مَعَ السَّكِّينِ فِي حَقِّهِ لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ أَوْ فِي سَرَاوِيلِهِ مُشْدُوداً وَ الْمِفْتَاحُ يَخْتَسِي إِنْ وَضَعَهُ صَاحٌ أَوْ يَكُونُ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةُ مِنَ الْحَدِيدِ قَالَ لَا بَأْسَ بِالسَّكِّينِ وَ الْمِنْطَقَةَ لِلْمَسَافِرِ أَوْ فِي وَقْتِ ضَرُورَةٍ وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ إِذَا خَافَ الصَّبِيغَةَ وَ التَّسْبِيحَ وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كُلِّ آلَةٍ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوحٌ.

امام صادق (علیه السلام) در مورد آهن فرمودند که: زینت اهل آتش است و طلا زینت اهل بهشت. و خداوند طلا را در دنیا زینت زنان قرار داد پس پوشیدن آن و نماز خواندن در آن را بر مردان حرام کرد، و خداوند آهن را زینت جن و شیاطین قرار داد لذا پوشیدن آن در نماز بر مرد مسلمان حرام کرد؛ مگر اینکه در مقابل با دشمن باشد که اشکالی ندارد. راوی می‌گوید به ایشان گفتم: پس مردی که در سفر چاقو [ی آهنین] به همراه دارد و از آن بی‌نیاز نیست (و به آن نیاز دارد) در کمر بندش و کلید که می‌ترسد گم شود. فرمود: در وقت ضرورت اشکالی ندارد... و همینطور اشکالی نیست در شمشیر و هر وسیله‌ای که در جنگ استفاده می‌شود. ولی در غیر آن (مانند نماز خواندن در آهن) جایز نیست.

تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۲۷

الوافی، ج ۷، ص ۴۲ / وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۱

۵۱. همان.

۵۲. تغار، کاسه بزرگ.

۴/۲/۲. مصرف سوئق (عاملی برای رشد گوشت و ماهیچه‌ها و استحکام استخوان‌ها)؛ دومین اقدام در حوزه تغذیه

دومین چیزی که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که به جیره غذایی پادگان‌های نظامی ما "سوئق"^{۵۸} اضافه بشود. چرا سوئق را باید اضافه کنیم؟ هم مرحوم کلینی (ره) در کافی و هم مرحوم برقی (ره) در کتاب محاسن این روایت را آورده‌اند که بکر بن محمد ازدی به نقل از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده است که حضرت می‌فرماید: «السَّوِيقُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَشْدُ الْعَظْمَ»^{۵۹} می‌فرماید: استخوان‌بندی بدن در صورت مصرف سوئق محکم می‌شود، گوشت و ماهیچه‌های بدن هم رشد پیدا می‌کند. شما حتماً باید سوئق را اضافه کنید، البته این برای سایر مردم هم قابلیت استفاده دارد، خصوصاً کسانی که به سمت پیری می‌روند همیشه سوئق مصرف

۵۸. ارجاع پرورشی: (السَّوِيقُ) مَا يُعْمَلُ مِنَ الْجَنْطَلَةِ وَالشَّعِيرِ مَعْرُوفٌ.

سوئق: آنچه از گندم و جو درست می‌شود. معروف و مشخص است.

المصباح المنیر (قیومی، ۷۷۰ ق)، ج ۲، ص ۲۹۶

سوئق: به آن در فارسی قدیم، «پست» گفته می‌شد. امروزه به آن «قاووت» یا «پوره» می‌گویند. گفتنی است که لغت‌نامه دهخدا لفظ «قاووت» را ترکی می‌داند که غالباً به معنای آرد حبوبات بریان شده است؛ لیکن این واژه، گاه در مورد غیر حبوبات (مانند برخی میوه‌ها یا تره‌بار) نیز کاربرد دارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص ۳۷۵

۵۹. ارجاع پژوهشی: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: السَّوِيقُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَشْدُ الْعَظْمَ.

امام صادق علیه‌السلام: سوئق، گوشت می‌رویاند و استخوان را استحکام می‌بخشد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۸ (عنه) (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰

الوافي، ج ۱۹، ص ۲۷۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۶۱ / هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۴۹ /

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۳۷

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ خَضِرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَأَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَقَالَ لَهُ: يُؤَلِّدُ لَنَا الْمُؤَلُّودُ فَيَكُونُ مِنْهُ الثَّقَلَةُ وَالضَّعْفُ. فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ السَّوِيقِ؟! فَإِنَّهُ يَشْدُ الْعَظْمَ وَيُنْبِتُ اللَّحْمَ.

بکر بن محمد ازدی نقل می‌کند: نزد امام صادق (علیه‌السلام) بودم که مردی از اصحاب ما (شیعیان) نزد ایشان آمد و عرض کرد: برای ما فرزند متولد می‌شود پس برخی از آنها ضعف و کمبود دارند. حضرت فرمود: چه چیز تو را از سوئق باز داشته است؟! همانا سوئق استخوان‌ها را محکم می‌کند و گوشت را می‌رویاند.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۸

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۶ و ج ۱۰۱، ص ۸۰

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى وَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَتَمَةَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ مَعَهَا ابْنُهَا أَظُنُّ اسْمُهُ مُحَمَّدًا فَقَالَ لَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا لِي أَرَى جِسْمَ ابْنِكَ نَحِيْفًا؟ قَالَتْ: هُوَ عَلِيلٌ. فَقَالَ لَهَا: أَسْبِغِي السَّوِيقَ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَشْدُ الْعَظْمَ.

به نقل از بکر بن محمد ازدی: عتیمه، در حالی که پسر خویش را به همراه داشت و به گمانم نام او محمد بود بر امام صادق علیه‌السلام وارد شد. امام صادق علیه‌السلام به او فرمود: «چرا جسم فرزندت، را نحیف می‌بینم؟». گفت: او علیل و بیمار است. امام علیه‌السلام به او فرمود: «به او سوئق بخوران؛ چرا که گوشت می‌رویاند و استخوان را استحکام می‌بخشد».

المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۹

بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۵ و ج ۶۳، ص ۲۷۷

عليه بن مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ وَ عَتِيرَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عُبيدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مُثَوِرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: شَرِبْتُ السَّوِيقَ بِالرَّيْتِ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَشْدُ الْعَظْمَ وَ يَرْفِقُ الْبَشْرَةَ وَ يَرِيدُ فِي الْبَاءِ.

امام صادق علیه‌السلام: خوردن سوئق با روغن زیتون، گوشت می‌رویاند، استخوان را استحکام می‌بخشد، پوست را نازک می‌کند و بر توان جنسی می‌افزاید.

الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۸

سند محاسن: عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عُبيدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مُثَوِرٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۸۰ و ج ۶۳، ص ۲۷۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۸ / الوافی، ج ۱۹، ص ۲۷۸ / الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۶۵

کنند تا دچار پوکی استخوان نشوند. برای نیروهای نظامی هم خیلی مهم است. چون آنها در شرایط سخت هستند و باید «یَشُدُّ الْعَظْمَ» باشند و استخوان بندی محکمی داشته باشند.

۴/۲/۳. مصرف روغن زیتون؛ سومین اقدام در حوزه تغذیه

"روغن زیتون" باید مصرف شود، دلیل آن این حدیث است که ابن قدام از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است. این روایت در کتاب کافی جلد شش آمده است. حضرت می فرماید: «كُلُوا الزَّيْتِ وَ ادْهِنُوا بِالزَّيْتِ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ»^{۶۰} هم روغن زیتون را بخورید و هم با آن روغن مالی کنید. می دانید که از جمله آداب سفره این است که روغن زیتون در سفره باشد. همان موقع که می خورید، همان موقع هم به بخشی از بدن تان بزیند. بعد حضرت دلیل آن را هم می فرمایند، مثل آنجایی که درباره سویق صحبت می کردند و می فرمودند: «يَشُدُّ الْعَظْمَ» سویق استخوان بندی شما را محکم می کند؛ به روغن زیتون که می رسد آنقدر خاصیت دارد حضرت می فرمایند: «فَإِنَّهُ مُبَارَكَةٌ» یعنی نمی شود در یک مجلس خاصیت های روغن زیتون را بیان کرد. [لذا] از کلمه "مبارک" استفاده می کند و می گوید بسیار با برکت است. دیده اید که تعابیر روایات چگونه است. مثلاً: می فرماید: «امام مبارک است»، یا می فرماید: «قرآن مبارک است»،^{۶۱} می گوید: «مومن مبارک است» یعنی: جایی که کثرت خاصیت وجود دارد، اهل بیت از کلمه مبارک استفاده می کنند.^{۶۲} می فرماید: «فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ» روغن زیتون از یک شجره مبارک است. توضیح دادم که قرآن

۶۰. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: كَلُوا الزَّيْتِ وَ ادْهِنُوا بِالزَّيْتِ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون بخورید و خود را با روغن زیتون، چرب کنید؛ چرا که آن، از درختی خجسته است.

الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۴ (عنه) احمد بن محمد بن خالد) عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مكارم الاخلاق، ص ۱۹۱ / عوالي اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۹۹

الوافی، ج ۱۹، ص ۳۳۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۹۴ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۸۲ و ج ۶۳، ص ۱۸۲ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۵ / نهج الفصاحة، ص ۶۱۵

۶۱. ارجاع پژوهشی: وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ (سوره مبارکه انعام، آیه ۹۲)

و این [قرآن] کتابی است پرفایده، که ما آن را نازل کردیم، تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیش از خود است...

وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۵۵)

و این [قرآن] کتابی پرفایده است که ما آن را نازل کردیم پس آن را پیروی کنید و [از مخالفت با آن] بپرهیزید تا مشمول رحمت شوید.

وَ هَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (سوره مبارکه انبیاء، آیه ۵۰)

و این [قرآنی] که آن را نازل کرده ایم، ذکر و پندی پرمنفعت است آیا باز هم شما منکر آن هستید؟

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (سوره مبارکه ص، آیه ۲۹)

این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده ایم تا آیاتش را تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند.

۶۲. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ جَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ. قَالَ: نَفَاعًا.»

امام صادق (علیه السلام) در مورد معنای "مبارک" در قول خداوند عزوجل "و مرا هر جا که باشم مبارک قرار ده" (سوره مبارکه مریم، آیه ۳۱) فرمود: [مبارک یعنی]: بسیار پُر نفع.

الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵ / تفسیر القمی، ج ۲، ص ۵۰

خیلی برای نیروهای نظامی مهم است که دچار اشتباه محاسباتی نشوند. زیرا می‌دانید یکی از کارهایی که توسط افراد نظامی صورت می‌پذیرد تحلیل اطلاعات است. الان دشمن در چه وضعیتی است؟! وضعیت نظامی ما چگونه است؟! اینها را همه مورد بحث قرار می‌دهند. حالا لازمه تحلیل درست داشتن یک عقل قوی است. حضرت می‌فرماید: «الْخَلُّ يَشُدُّ الْعَقْلَ»، بنابراین سرکه باید سر میز غذا در پادگان‌های نیروهای نظامی و سر سفره‌های آنها قرار بگیرد. بله؛ این مجموعه روایاتی بود که خواستم در مورد حوزه تغذیه عرض کنم و راجع به آن بحث نمایم.

۴/۳. تقویت اعضای بدن؛ سومین اقدام اولویت‌دار برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح و نیروهای

نظامی جبهه مقاومت

۴/۳/۱. مصرف "سویق" (برای قوت کتف و ماهیچه‌ها)؛ اولین اقدام برای تقویت اعضای بدن

ستاد کل نیروهای مسلح در "حوزه تقویت نیروی اعضای بدن" چه اقداماتی انجام دهد؟ عرض کردیم در روایات به عدد همه اعضای بدن، بحث‌های تقویت مطرح شده است. تقویت مو، عصب، کلیه، قلب و... . البته در نیروهای نظامی، بعضی از افراد باید بیشتر تقویت شوند. بنابراین ما توصیه‌مان مختص آن افرادی است که بیشتر در "حوزه امنیت" فعال‌اند. البته به نحو عمومی همه اعضاء [در تقویت بدن] تاثیر دارند ولی بعضی از اعضاء تاثیرشان خیلی مهمتر است. مثلاً نیروی نظامی باید آدم پهلوانی باشد؛^{۶۴} باید ماهیچه‌های قوی هم داشته باشد؛ آقایان می‌گویند: بیابید بدن‌سازی انجام بدهید یا از این داروهای غذایی مصرف کنید که عقیم‌کننده است. [ولی] حضرت می‌فرمایند که: سویق استفاده کنید. در روایتی دارد: «اگر چهل روز سویق استفاده شود کتف‌ها تقویت می‌شود»،^{۶۵} آنهایی که ورزش رزمی انجام دادند می‌دانند کتف در دفع تهاجم یک مهاجم چقدر موثر است.

۴/۳/۲. آب کم مصرف کردن؛ دومین اقدام برای تقویت اعضای بدن

کار دیگری که باید انجام دهیم تا بدن یک سرباز و نیروی نظامی استقامت پیدا کند، این است که آب کم استفاده کند. این هم از اختلافات طب اسلامی با طب سلول پایه است. سندش این است در کتاب محاسن از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَقَلُّوا مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ لَأَسْتَقَامَتْ أَبْدَانُهُمْ»^{۶۶} می‌فرماید: اگر مردم آب کم مصرف کنند چه اتفاقی می‌افتد؟ بدنشان

۶۴. حالا زمانی که ما در لرستان بودیم، این جزء فرهنگ مردم ما در آنجا بود. پدران ما توصیه می‌کردند برای یک لِر، یک نفر در مقابل ده نفر خوب است؛ اگر بتواند در مبارزه در مقابل ده نفر دوام بیاورد معقول است ولی خب اگر بیشتر هم شد؛ اشکالی هم ندارد. حال من با آن فرهنگی که در لرستان داشتیم کار ندارم. به‌رحال یک نیروی نظامی... انتقال از متن

۶۵. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثَيْمَةَ أُمِّ وَلَدِ عَبْدِ السَّلَامِ قَالَتْ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: اسْقُوا صَبِيَّانَكُمْ السَّوِيْقَ فِي صَعْرِهِمْ فَإِنَّ ذَلِكَ يُنْبِئُ اللَّحْمَ وَيُسَدُّ الْعَظْمَ. وَ قَالَ: مَنْ شَرِبَ سَوِيْقًا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا امْتَلَأَتْ كَيْفَاةُ قُوَّةِ. امام صادق علیه السلام: به کودکانتان در خردسالی‌شان سویق بدهید؛ چرا که گوشت می‌رویانند و استخوان را استحکام می‌بخشد. و فرمود: هر کس چهل روز سویق بخورد، دو کتف او پُر توان می‌شود.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۹

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۷ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۷ و ج ۱۰۱، ص ۱۰۵

۶۶. عَنْهُ (علي بن محمد بن بُنْدَار) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثَيْمَةَ قَالَتْ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَنْ شَرِبَ السَّوِيْقَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا امْتَلَأَتْ كَيْفَاةُ قُوَّةِ. امام صادق علیه السلام: هر کس چهل روز سویق بخورد، دو کتف او پُر توان می‌شود.

الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۰

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۷۸ / الوافی، ج ۱۹، ص ۲۷۹ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۴۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۵ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۶۱

۶۷. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْإِكْتِازِ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاوٍ. قَالَ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَقَلُّوا مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ لَأَسْتَقَامَتْ أَبْدَانُهُمْ. امام صادق (علیه السلام): بر شما باد پرهیز از زیاد آب نوشیدن! چرا که ریشه همه بیماری‌هاست. و در حدیث دیگر: اگر مردم آب کم می‌نوشیدند، همانا بدن‌هایشان استقامت می‌یافت.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱ / مکارم الأخلاق، ص ۱۵۷

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۵ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۳۹ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۹۸

طیب مشاور (ارائه ۲۴ پیشنهاد برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح)

استقامت پیدا می کند.)) می دانید که آب در همه جا اینطور است، آب همه جا "محلول" می سازد. لذا با ریختن آب روی خاک، آب تبدیل به گل می شود. یعنی شل می شود. این اختصاص به خاک ندارد؛ آب با همه چیز ترکیب می شود و اگر بیش از حد مصرف کنید، آن بخش شل خواهد شد و حالت محلول بودن به آن دست می دهد. [و از طرفی دیگر اگر مصرف آب] کم هم باشد، [بدن و یا هر چیز دیگری] خشک می شود. لذا حضرت می فرماید: کم آب بنوشید که نه بدن تان خشک شود و نه حالت محلول به خودش بگیرد؛ چون وقتی بدن حالت محلول به خودش می گیرد همه چیز تضعیف می شود. از جمله اولین چیزهایی که ضعیف می شود سیستم عصبی بدن است که در صورت اختلال خیلی مشکل ایجاد می کند. لذا خطرناکترین خلط هم، خلط "بلغم" است؛^{۶۷} وقتی پیدا می شود همه چیز تحت تاثیر قرار می گیرد. خب این هم از این مسئله.

۴/۳/۳. تقویت چشم (با مصرف میوه "به")؛ سومین اقدام برای تقویت اعضای بدن

۴/۳/۳/۱. افزایش بینایی و رفع تاری دید؛ برخی از آثار میوه "به" در راستای تقویت چشم

ما توصیه کردیم در بخش تقویت اعضاء، "چشم" سربازان و نیروهای مسلح هم تقویت شود. این هم خیلی بحث مهمی است که باید برای آن برنامه ریزی شود. حالا چطور می شود چشم را تقویت کرد؟ این را خواهش می کنم توجه بفرمایید: چند روایت است که من می خوانم: «أَكَلُ السَّفْرَجَلِ يُذْهِبُ ظُلْمَةَ الْبَصَرِ»^{۶۸} اگر شما "به" را سر میز غذای سربازان خصوصاً در وعده ناشتا^{۶۹} قرار دادید و آنها مصرف کردند، یکی از آثارش این است که "تاری چشم" را از بین می برد و چشم بهتر می بیند. یک روایات دیگری هم هست که باز در مورد "سفرجل (به)" است که می فرماید: «يَجْلُو الْبَصَرَ»^{۷۰} یعنی: بینایی را هم بیشتر می کند، در روایت قبلی فرمود: «تاری را از بین می برد» و در این روایت می فرماید: «بینایی را بیشتر می کند».

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «مضرات زیادآب نوشیدن بر سلامتی»: به پیوست شماره ۴ مراجعه کنید.

۶۷. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع: ... الْمَاءُ وَ هُوَ يُؤَلِّدُ الْبَلْغَمَ.

أبو الحسن علیه السلام میفرمود: ... و آب بلغم پدید می آورد.

الکافی، ج ۸، ص ۲۳۰

الوافی، ج ۲۶، ص ۵۲۶ / بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۶

۶۸. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَكَلُ السَّفْرَجَلِ يُذْهِبُ ظُلْمَةَ الْبَصَرِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن به، تیرگی چشم را از میان می برد.

طب النبوی صلی الله علیه و آله و سلم (مستغفری، ۴۳۲ ق)، ص ۲۷

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۲

۶۹. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُوسُفَ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّيْنَةَ قَالَ حَدَّثَنَا دَارِمُ بْنُ قَبِيصَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ عَنْ أَبِيهِ

مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ [مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ] عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص يَوْمًا وَ فِي يَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ فَجَعَلَ يَأْكُلُ وَ يُطْعِمُنِي وَ يَقُولُ كُلْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّهَا هَدِيَّةُ الْجَبَّارِ إِلَيَّ وَ إِلَيْكَ. قَالَ: فَوَجَدْتُ فِيهَا كُلَّ لَذَّةٍ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ أَكَلَ السَّفْرَجَلَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ عَلَى الرَّيِّقِ صَقَا ذَهْنُهُ وَ امْتَلَأَ جَوْفُهُ حَلْمًا وَ عِلْمًا وَ وَفِيَ مِنْ كَيْدِ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ.

امام علی علیه السلام: روزی، در حالی که پیامبر خدا پیک به در دست داشت، بر ایشان وارد شدم. ایشان به خوردن به و دادن پاره‌هایی از آن به من پرداخت و می فرمود: «ای علی! بخور، که این، هدیه خداوند به من و توست». من در آن، همه لذت‌ها را دیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین فرمود: «ای علی! هر کس سه روز ناشتا به بخورد، ذهنش صفا می یابد، درونش از دانش و بردباری پُر می گردد و از نیرنگ ابلیس و سپاهانش نکه داشته می شود».

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۳

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۲

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۷ و ج ۳۹، ص ۱۲۵ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۹

۷۰. **ارجاع پژوهشی:** رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: كُلُوا السَّفْرَجَلِ وَ تَهَادَوْهُ بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُبَيِّتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ.

۴/۳/۴. تقویت قلب (با مصرف میوه "به")؛ چهارمین اقدام برای تقویت اعضای بدن

۴/۳/۴/۱. ایجاد محبت در قلوب (کاهش نزاع) و برطرف کننده ترس؛ برخی از آثار میوه "به" در راستای تقویت قلب

البته "به" میوه عجیبی است، حضرت می فرماید که: «**يُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ**»^{۷۱} یعنی: اگر "به" بخورید، همدیگر را بیشتر دوست خواهید داشت و با هم دعوا نمی کنید. این خیلی مسئله مهمی در نیروهای نظامی است. اینجا دور از خانواده ها هستند، لذا وقتی جنگ ها طولانی می شود، این دوری از خانواده باعث می شود اختلاف در لشکر اسلام زیاد شود، لذا اگر "به" مصرف شود، قلب آرام می شود و موذت گسترش پیدا می کند. یکی از کارهای دیگری که باید انجام دهیم این است که: باید قلب فرماندهان نظامی و نیروهای نظامی هم آرام باشد. عضو "قلب" خیلی مهم است، چرا برای فرماندهان نظامی خیلی مهمتر است؟ چون زیر آتش و در شرایط جنگی هستند. اگر ترس بر نیروهای نظامی غلبه کند ما دچار مشکل می شویم. بنابراین حتماً در تدابیر ما باید "به" اضافه شود. حالا به غیر از خاصیتی که "به" برای "چشم" دارد؛ برای "قلب" هم دارای خاصیت است. من روایت آن را خدمت شما بخوانم: حسن بن راشد از امام صادق (علیه السلام) در کتاب کافی نقل می کند: «**أَكْلُ السَّفَرْجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَيُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ وَيَذْكِي الْفُؤَادَ وَيُسَجِّعُ الْجَبَانَ**»^{۷۲} می فرماید: "به" انسان ترسو را شجاع می کند. شما در نیروهای نظامی به شجاعت و جسارت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ **بِه** بخورید و به همدیگر هدیه دهید؛ چرا که چشم را جلا می دهد و دوستی را در دل می رویاند.

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۱

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۱ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۶۴

۷۱. همان.

۷۲. **ارجاع پرورشی؛ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَكْلُ السَّفَرْجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَ يُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ وَ يَذْكِي الْفُؤَادَ وَ يُسَجِّعُ الْجَبَانَ.**

امام علی علیه السلام: خوردن به، نیروی قلب ضعیف است، معده را پاک می سازد، دل را نشاط می دهد و ترسو را شجاعت می بخشد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۰

سند محاسن: عنه عن القاسم بن يحيى عن جده عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين

تحف العقول، ص ۱۰۱ / الخصال، ج ۲، ص ۶۱۲

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رضي الله عنه قال حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ غَيْبِ الْبَطْنِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بصير و مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَةَ أَبْوَابٍ مِمَّا يُضَلِّحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۹ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۸ و ص ۱۶۵ / بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰ و ج ۶۳، ص ۱۶۸ و ۱۷۰ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۶۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص

۱۳۵ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۶، ص ۶۶۰

علي بن إبراهيم عن أبيه عن التوفلي عن السكوني عن أبي عبد الله ع قال: كان جعفر بن أبي طالب عند النبي ص فأهدني إلى النبي ص سَفَرْجَلٍ فَقَطَّعَ مِنْهُ النَّبِيُّ ص قِطْعَةً وَ نَاوَلَهَا جَعْفَرًا فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهَا فَقَالَ خُذْهَا وَ كُلْهَا فَإِنَّهَا تُذَكِّي الْقَلْبَ وَ تُسَجِّعُ الْجَبَانَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى كُلُّ فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ الْوَجْهَ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

امام صادق علیه السلام: جعفر بن ابی طالب، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود. برای پیامبر صلی الله علیه و آله یک به، هدیه آوردند. پیامبر صلی الله علیه و آله قطعه ای را از آن برید و به جعفر داد. جعفر، از خوردنش خودداری ورزید. فرمود: «بگیر و بخور؛ چرا که قلب را هشیاری می دهد و ترسو را دلیر می کند».

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۹ (عن التوفلي و ياشنادو)

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۵ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۹۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۹

وَ عَنْهُ [الْأَشْعَثُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْأَشْعَثِ مِنْ وُلْدِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ بْنِ قَيْسِ الْكِنْدِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْمُخْتَارِ مِنْ وُلْدِ الْمُخْتَارِ بْنِ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ:] قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: **إِنَّ فِي السَّفَرْجَلِ حَصْلَةً لَيْسَتْ فِي سَائِرِ الْفَوَاكِهِ.** فُلْتُ: وَ مَا ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: **يُسَجِّعُ الْجَبَانَ هَذَا وَ اللَّهُ مِنْ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ!**

امام صادق علیه السلام فرمود: «در به، ویژگی ای است که در دیگر میوه ها نیست». پرسیدم: ای پسر پیامبر خدا آن چیست؟ فرمود: «ترسو را دلیر می کند. به خداوند سوگند، این، از دانش پیامبران است!».

طب الأئمة عليهم السلام (البنابستام)، ص ۱۳۶

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۶ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۶۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۱

خیلی نیاز دارید؛ بنابراین باید "به" زیاد مصرف شود. یک بخش این است که توصیه و اندرز می‌کند و بخشی هم این است که الگوی تغذیه نیروها را عوض می‌کند.

۴/۳/۵. ایجاد تهویه طبیعی برای ساختمان؛ پنجمین اقدام برای تقویت اعضای بدن (خصوصاً عضو "ریه")

یک کار دیگری که باید در نیروهای مسلح برای تقویت اعضای بدن انجام شود، اصلاح ساختمان‌سازی و گرمایش و سرمایش و تهویه ساختمان است. می‌دانید نفس برای سربازان خیلی مهم است البته برای همه مهم است ولی گاهی یک سرباز یا یک فرمانده باید بتواند در جنگ تا بیست فرسخ بدود. لذا به لحاظ نفس باید خیلی قوی باشد. حالا چه چیزی نفس را قوی می‌کند؟ بهترین چیز، تهویه طبیعی است. می‌دانید تهویه اگر درست نباشد، حتی گاهی وقت‌ها بیماری کبدی مثل "یرقان"^{۷۳} ایجاد می‌کند. حالا اگر به "یرقان" هم منتهی نشود، هوای مانده "ریه" را تضعیف می‌کند.

۴/۳/۵/۱. کاشت درختان معطر و مثمر در قسمت شمالی و جنوبی ساختمان؛ راهکاری برای تهویه طبیعی ساختمان و تقویت

ریه

حالا پیشنهاد ما باز هم مبتنی بر روایات این است که: در قسمت شمالی و جنوبی ساختمان، درخت کاری شود و نه در قسمت شرق و غربی‌اش. چرا؟ چون شرق و غرب محیط برای دریافت نور است. شما نباید به بهانه ولو اصلاح تهویه، نور را محدود کنید. بنابراین شما باید چه کاری انجام دهید؟ درخت‌های یک ساختمان نظامی یا ساختمان مسکونی را شمالی و جنوبی را طراحی کنید. بعد چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر درخت (خصوصاً درخت‌های معطر و مثمر) در قسمت شمالی و جنوبی متکثر باشد؛ مثلاً تا ۱۵ درجه (با همین ادبیات پوزیتیستی عرض می‌کنم) دما کاهش پیدا می‌کند. بنابراین آن وقت دیگر شما تابستان از این کولرهایی که باعث می‌شود بدن انسان دچار ابتلائات شود بی‌نیاز می‌شوید. حوزه‌های علمیه قدیمی اکثراً به این شکل بودند و سرتاسر آنها بصورت مفصل پر از درخت بود. الان در همین حوزه کلباسی که در آن حضور داریم، بخشی از این توصیه‌ها اجرا شده است. ببینید یک حیاط پایین داریم که پر از درخت است، حالا اگر بررسی کنیم می‌بینیم این کار دما را کاهش می‌دهد. بنابراین شما به تهویه مصنوعی کمتر نیاز پیدا می‌کنید. حالا اگر درختانش معطر هم باشند، باعث می‌شود که از عطر درختان، قلب هم تقویت شود. چون خاصیت عطر، تقویت قلب است.^{۷۴} اگر درخت هم مثمر باشد، انگیزه‌های دیگری هم پیدا می‌شود و این خلاصه یک

۷۳. **ارجاع پرورشی:** قَالَ الْأَطِبَّاءُ: الْيَرْقَانُ: يَتَغَيَّرُ مِنْهُ لَوْنُ الْبَدَنِ تَغْيِيرًا فَاحِشًا إِلَى صُفْرَةٍ أَوْ سَوَادٍ، بِجَرَيَانِ الْخِلْطِ الْأَصْفَرِ أَوِ الْأَسْوَدِ إِلَى الْجِلْدِ وَ مَا يَلِيهِ بِلَا عُقُوبَةٍ كَذَا فِي الشِّفَاءِ لِابْنِ سِينَا.

اطباء و همچنین ابن سینا در شفاء می‌گوید: یرقان: بیماری‌ای است که رنگ بدن به سمت رنگ زرد و سیاه تغییر فاحشی پیدا می‌کند بخاطر جریان پیدا کردن خلط صفر و سودا به سوی پوست و نزدیک پوست بدون عفونت.

تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۴

۷۴. **ارجاع پژوهشی:** الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الطَّيْبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را تقویت می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰

الوافی، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۳

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا مَعَ أَبِي بَصِيرٍ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ تَشُدُّ الْقَلْبَ وَ تَرِيدُ فِي الْجَمَاعِ.

تدبیر جامع است. پس ببینید برای اصلاح و تقویت "ریه" از تهویه مصنوعی بهره‌رزم. تدبیر اصلی تهویه مصنوعی خصوصاً در فصل‌های گرم برای اینکه کولر حذف شود، این است که در قسمت شمال و جنوب درختکاری گسترده بر اساس درخت‌های معطر و مثمر انجام شود.

۴/۳/۶. راه‌اندازی مسابقات "سبق و رمایه" (سوارکاری و تیراندازی)؛ ششمین اقدام برای تقویت اعضای بدن
آخرین تدبیری که برای تقویت اعضای بدن به نیروهای مسلح پیشنهاد می‌کنم، راه‌اندازی مسابقات "سبق و رمایه" است. مسابقات "اسب‌دوانی" در نیروهای مسلح باید راه بیفتد.

۴/۳/۶/۱. بدن‌سازی طبیعی، انگیزه و شوق فراوان، شرط‌بندی حلال (برای مسابقه‌دهندگان)، خروج اخلاط ناسالم از بدن؛ برخی از فوائد مسابقات اسب‌دوانی

حالاً نه به‌خاطر اینکه اسب جای "تانک" یا "اسلحه" را بگیرد؛ بلکه به‌خاطر اینکه اسب‌دوانی یک "بدن‌سازی طبیعی" است و من بعید می‌دانم که حتی در سایر تدابیر، حتی شنا به اندازه اسب‌دوانی تاثیر مثبت بر بدن وجود داشته باشد. بنابراین اگر شما می‌خواهید که به صورت طبیعی و با انگیزه خود سربازها کار پیش برود (چون من در محیط نظامی بوده‌ام و خشم شب‌ها و رزمایش‌ها را تجربه کرده‌ام؛ دیده‌ام که در سربازها خیلی انگیزه برای حضور در این کارها وجود ندارد)؛ تدبیر دقیق اسلام در این زمینه راه‌اندازی مسابقه اسب‌دوانی است. می‌دانید در مسابقه اسب‌دوانی "شرط‌بندی" هم جایز است.^{۷۵} (نه تماشای شرط‌بندی،

امام صادق (علیه السلام) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: **بوی خوش، قلب را محکم می‌کند** و بر [توان] آمیزش می‌افزاید.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰ / قرب الإسناد، ص ۱۶۷ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۶
الوافی، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۳

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: **الطِّيبُ نُشْرَةٌ...**

امام علی علیه السلام: **بوی خوش شادمانی می‌آورد...**

نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۴۶ / عیون الاخبار ج ۲ ص ۴۰

وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۴۳ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۳۰۰

۷۵. ارجاع پژوهشی: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَنْفِرُ عِنْدَ الرَّهَانِ وَ تَلْعُنُ صَاحِبَهُ مَا خَلَا الْحَافِرَ وَ الْخُفَّ وَ الْأَرِيْشَ وَ التَّضَلَّ وَ قَدْ سَابَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَسْمَاءَ بِنْتُ زَيْدٍ وَ أُجْرَى الْخَيْلِ» .

امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که فرشتگان از شرط‌بندی بیزاری جویند و لعنت می‌کنند کسی را که این کار را انجام دهد؛ مگر در مسابقه اسب یا شتر دوانی و تیراندازی و نیزه بازی، و رسول خدا صلی الله علیه و آله با اسامه بن زید، به شتر و یا اسب دوانی مسابقه داد.

من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۹ و ج ۳، ص ۴۸
الفصول المهمه، ج ۲، ص ۳۱۲

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْجَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ تَضَلٍّ يَغْنِي التَّضَالَ.
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: **مسابقه دادن (شرط بندی) روا نیست؛ مگر در سه چیز: در شتر سواری، یا اسب دوانی، یا تیراندازی.**

الکافی ج ۵ ص ۴۸ / قرب الإسناد ج ۱ ص ۸۸ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۵
الوافی، ج ۱۵، ص ۱۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۹۳

وَ يَهْدَا الْإِسْنَادَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «لَا تَأْسُ بِشَهَادَةِ الَّذِي يَلْعَبُ بِالْحَمَامِ وَ لَا تَأْسُ بِشَهَادَةِ صَاحِبِ السَّبَاقِ الْمُرَاهِنِ عَلَيْهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَدْ أُجْرَى الْخَيْلِ وَ سَابَقَ وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَخْضُرُ الرَّهَانَ فِي الْخُفِّ وَ الْحَافِرِ وَ الْأَرِيْشِ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ قَمَارٌ حَرَامٌ» .

تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۸۴

الوافی، ج ۱۶، ص ۱۰۱۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۲۵۳

طیب مشاور (ارائه ۲۴ پیشنهاد برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح)

[بلکه] خود مسابقه‌دهندگان شرط ببندند. پس به خاطر شرط‌بندی هم انگیزه‌ها ارتقاء پیدا می‌کند. آن وقت یک دور اسب‌دوانی، خیلی کمک می‌کند که "اخلاط ناسالم" از بدن خارج شود، و بدن به صورت طبیعی ساخته شود. پس [مسئولین نیروهای نظامی کشور تلاش کنند که] حتماً "سبق و رمایه" [در بین نیروهای نظامی] راه بیافتد.

۴/۴. مدیریت بیماری‌های شایع نیروهای مسلح؛ چهارمین اقدام اولویت‌دار برای ارتقاء سلامت

نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت

این دو محور آخر را هم به نحو اجمال عرض کنم.

۴/۴/۱. بیماری چاقی؛ یکی از بیماری‌های شایع نیروهای مسلح

۴/۴/۱/۱. مصرف کم آب؛ تدبیر اصلی برای درمان بیماری چاقی

در حوزه بیماری‌های شایع نیروهای مسلح، "بیماری چاقی" خیلی مضر است که دیگر شرح نمی‌دهم و تدبیر اصلی همان "مصرف کم آب" است. وقتی شما کم آب مصرف می‌کنید، اصطلاحاً شکم‌تان برآمده نمی‌شود. بنابراین می‌توانید تحرک بیشتری داشته باشید.

۴/۴/۲. بیماری‌های چشمی؛ یکی دیگر از بیماری‌های شایع نیروهای مسلح

۴/۴/۲/۱. استفاده از "سرمه" در شب و مصرف میوه "به"؛ راه‌حلهایی برای درمان بیماری‌های چشمی

راه حل بیماری‌های چشمی را هم که عرض کردم. یکی از راه‌حل‌های عمده همان میوه "به" است. "سرمه" هم یک راه حل دیگر است^{۷۶} ولی چون سرمه مردها را زیبا می‌کند، برای برخی سخت است که آن را استفاده کنند؛ البته استفاده از سرمه برای شب است^{۷۷} نه روز. در مورد سرمه ممکن است این‌قلت‌های اجرایی وارد کنند؛ به همین دلیل، ما همان "به" را توصیه کردیم.

۷۶. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِیْسَى عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ زُجَلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **الْإِثْمِدُ یَجْلُو البَصَرَ وَ یُبِثُّ السَّعْرَ وَ یَذْهَبُ بِالذَّمَعَةِ.**

امام صادق علیه السلام: سرمه اثمید، چشم را جلا می‌دهد، موی بر می‌رویاند و اشک‌ریزش را می‌برد.

الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴

عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ أَتَى النَّبِيَّ ص أَغْرَابِيٌّ يَقُولُ لَهُ قَلِيبٌ وَطَبُّ الْعَيْنَيْنِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص إِنِّي أَرَى عَيْنَيْكَ وَطَبَّتَيْنِ يَا قَلِيبُ **عَلَيْكَ بِالْإِثْمِدِ فَإِنَّهُ سِرَاجُ الْعَيْنِ.**

امام صادق علیه السلام: عربی بادیه‌نشین که او را «قلیب» می‌گفتند و آبریزش چشم داشت، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. به او فرمود: «ای قلیب! می‌بینم چشمانت آبریزش دارد. بر تو باد سرمه اثمید، که روشنایی چشم است.»

مکارم الأخلاق، ص ۴۶ / طب الأئمة عليهم السلام (ابن‌اسطام)، ص: ۸
جابر بن یئوب الجرجانی قال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِیْسَى عَنِ ابْنِ الْمُقَطَّلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۹۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۵۴

۷۷. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِیْسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَلِيمِ الْفَرَّاءِ عَنْ زُجَلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص یَسْتَجِلُّ بِالْإِثْمِدِ إِذَا أَوَى إِلَى فُرَاشِهِ وَثَرَأَ وَثَرَأَ.**

امام صادق (علیه‌السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همیشه وقتی به رختخواب می‌رفتند به صورت فرد با اثمید سرمه می‌کشیدند.

الکافی، ج ۶، ص ۴۹۳

وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۰ / الوافی، ج ۶، ص ۶۸۹ / بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۷۱

عَنِ الرِّضَاعِ قَالَ: **مَنْ أَصَابَهُ صَغَفٌ فِي بَصَرِهِ فَلْيَسْتَجِلَّ سَنَعٍ مَرَادٍ عِنْدَ مَنَامِهِ مِنَ الْإِثْمِدِ أَرْبَعَةً فِي الْبُیْمَةِ وَ ثَلَاثَةً فِي الْبِیْسَرَى.**

و نیز از آن حضرت است که: هر کس را ضعف چشم عارض شود وقت خواب هفت میل سرمه اثمید بکشد، چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ.

مکارم الأخلاق، ص ۴۶

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۹۵

۴/۴/۳. بیماری‌های ناشی از جراحی؛ یکی دیگر از بیماری‌های شایع نیروهای مسلح

۴/۴/۳/۱. استفاده از عسل و داروهای طبیعی انعقاد خون (مانند سویق عدس، خاکستر پوست کدو و چوب نی)؛

راه‌حلهایی برای درمان جراحی

موضوع دیگر، بیماری‌های ناشی از "جراحی" است که در بین نیروهای نظامی شایع است. در این زمینه ما دو توصیه داریم: یکی داروهایی مانند "عسل" که زخم را به سرعت التیام می‌دهد. این باید در دستور کار قرار بگیرد. خیلی التیام زخم را سریع می‌کند. یکی هم در "داروهای طبیعی برای انعقاد (بسته‌شدن) خون" که این را می‌خواهیم یک نشست تخصصی برای آن در قم برگزار کنیم. ده داروی انعقاد خون در روایات داریم که اینها باید بحث شود و به همه مردم هم آموزش داده شود تا مثلاً مادران هم بتوانند در خانه درست کنند. برای نیروهای نظامی هم خیلی مهم است. مثلاً یک مورد از اینها "سویق سیب" است که انعقاد خون برای خون‌ریزی دماغ ایجاد می‌کند که خیلی مهم است. خاکستر تهیه شده از "پوست کدو" (نه از خود کدو) بسیار انعقاد سریعی ایجاد می‌کند. خاکستر تهیه شده از "چوب نی" انعقاد خون ایجاد می‌کند. "سویق عدس" انعقاد خون ایجاد می‌کند بخصوص در خانم‌ها که به بهبود بیماری‌های رحمی کمک می‌کند.^{۷۸} حالا این هم در حوزه بیماری جراحی.

۴/۴/۴. بیماری ضعف قلب؛ یکی دیگر از بیماری‌های شایع در نیروهای مسلح

بیماری "ضعف قلب" را هم گفتیم. شما فرض کنید که فرماندهی بترسد (چقدر می‌تواند موثر باشد؟ بنابراین شجاع بودن یک فرمانده نظامی) خیلی مهم است. البته قلب تدابیر گسترده دارد [که در جلسه‌ای به صورت مستوفی باید به آن پرداخت].

الآن که با مدل فقهی بررسی می‌کنیم، در نیروهای مسلح این پنج بیماری را شایع‌تر و مضرتر می‌دانیم: بیماری چاقی، بیماری‌های چشمی، جراحی، ضعف در قلب؛ البته در مورد بیماری‌های مفید باید با ستاد کل نیروهای مسلح صحبت شود که آنها بدانند که چه بیماری‌هایی مفید است و به سمت درمان آن نروند.

۷۸. **ارجاع پژوهشی؛** وَ عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَارٍ قَالَ: إِنَّ جَارِيَةً لَنَا أَصَابَهَا الْحَيْضُ وَ كَانَ لَا يَنْقَطِعُ عَنْهَا حَتَّى أَسْرَفَتْ عَلَى الْمَوْتِ فَأَمَرَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ أَنْ تُشَقَّى سَوِيقُ الْعَدَسِ فَسَقَيْتُ فَانْقَطَعَ عَنْهَا وَ غُوِيَتْ.

به نقل از علی بن مهزیار: یکی از دخترکان ما عادت شد و خونریزی‌اش متوقف نمی‌شد تا جایی که در آستانه مرگ قرار گرفت. امام جواد (علیه السلام) فرمود تا سویق عدس به او بخوراند. این سویق به او خوراند شد و پس از آن، خونریزی بند آمد و او بهبود یافت.

الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷ / مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳

الوافی، ج ۱۹، ص ۲۸۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۸۲ / عوالم العلوم، ج ۲۳، ص ۳۶۶

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: سَوِيقُ الْعَدَسِ يَنْقَطِعُ الْعَطَشَ وَ يَقْوِي الْمَعِدَةَ وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً وَ يُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ وَ يُبْرِئُ الْجَوْفَ وَ كَانَ إِذَا سَافَرَ عَ لَا يَفَارِقُهُ وَ كَانَ يَقُولُ ع: إِذَا هَاجَ الدَّمُ بِأَحَدٍ مِنْ حَسْبِهِ قَالَ لَهُ: اشْرَبْ مِنْ سَوِيقِ الْعَدَسِ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ هَيْجَانَ الدَّمِ وَ يُطْفِئُ الْحَرَاةَ

امام صادق علیه السلام فرمود: «سویق عدس، تشنگی را از میان می‌برد، معده را تقویت می‌کند، درمان هفتاد درد در آن است، صفرا را خاموش می‌کند و درون را سردی می‌بخشد».

ایشان، چون سفر می‌کرد، از این سویق، جدایی نداشت و چون در کسی از خدمتگزارانش خون به جوش می‌آمد، به وی همیشه می‌فرمود: «از سویق عدس بخور؛ چرا که جوش آمدگی خون را فرو می‌نشاند و حرارت را خاموش می‌کند».

الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷ / مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳

الوافی، ج ۱۹، ص ۲۸۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۱ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۵۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۸۲

۴/۵. تغییر تعریف "دارو" (معرفی داروهای عمومی)؛ پنجمین اقدام اولویت‌دار برای ارتقاء

سلامت نیروهای مسلح و نیروهای نظامی جبهه مقاومت

محور آخر توصیه‌های ما به نیروهای نظامی عزیزمان (که خداوند ان‌شاء‌الله برای ملت ایران و منطقه مقاومت حفظشان کند)، معرفی "داروهای عمومی" است. همان‌طور که عرض کردم درک بهداری‌های سپاه و ارتش درک ناقصی است. ما نیاز داریم درک از "دواء" را ارتقاء بدهیم.

۴/۵/۱. تَجَوُّع (به خود گرسنگی دادن)؛ اولین و نافع‌ترین دارو

ما اولین بحثی که داریم این است که تعریف از "دواء" در ذهن‌ها تغییر پیدا کند. "دواء" در مرحله اول "مفرد" یا "مركب" نیست؛ این مطلب را بدانید! دواهای اولیه حتی "اعمال یدای" هم نیستند. [بلکه] دواهای اولیه، اتفاقاتی است که در "قلب"، "معدة"، "گوارش" و امثال اینها ایجاد شود. مثلاً حضرت می‌فرماید: «أَنْفَعُ الدَّوَاءِ التَّجَوُّعُ»^{۷۹} «این مهم است که آدم‌ها بدانند که "گرسنگی"، "دواء" است. لذا دوستانی از ما که این روایات را می‌خوانند، در روز یک وعده غذا می‌خورند. آن روزها که روزه نیستند یک وعده غذا می‌خورند. از آنها می‌پرسیم که چرا این کار را می‌کنید؟ می‌گویند: برای اینکه گرسنگی و بیماری "لایجتمان" هستند. یعنی: در بدن این دو با هم جمع نمی‌شوند.^{۸۱} هر وقت دیدید که گرسنه هستید بدانید که بیماری از بدن تان خارج می‌شود. این مهم است که درک از دارو تغییر پیدا کند. ما خودمان در جریان طبی جدید گاهی اوقات اشتباه می‌کنیم و برای مردم جا می‌اندازیم که مثلاً مهمترین دارو همین "آویشن" است؛ "نمک" است؛ یعنی شروع می‌کنیم همین غذاها را بیان می‌کنیم. [در حالی که] حضرت

۷۹. ارجاع پرورشی: تَجَوُّع - تَجَوُّعاً [جوع]: خود را گرسنه نگهداشت.

فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ج ۱، ص ۲۱۰

تَجَوُّع: تَعَمَّدَ الْجُوعَ.

تَجَوُّع: از روی عمد به خود گرسنگی داد.

مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۱۹ / لسان العرب، ج ۸، ص ۶۲

تَجَوُّعٌ لِلدَّوَاءِ أَيْ لَا تَسْتَوْفِ الطَّعَامَ.

تَجَوُّعٌ لِلدَّوَاءِ: یعنی: بخاطر دواء (و درمان)؛ به طور کامل غذا نخور (شکم خود را پر نکن، خود را گرسنه نگه دار).

لسان العرب، ج ۸، ص ۶۲

۸۰. ارجاع پژوهشی: عن علی ع: التَّجَوُّعُ أَنْفَعُ الدَّوَاءِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): به‌خودگرسنگی دادن، نافع‌ترین دواء است.

عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۵۱، ح ۱۳۲۱ / تصنیف غرر الحکم، ص ۳۲۰، ح ۷۳۹۶

عن علی ع: التَّجَوُّعُ أَدْوَى الدَّوَاءِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): به‌خودگرسنگی دادن، دواء‌ترین (بهترین) دواء است.

غرر الحکم، ص ۵۱، ح ۹۵۳

جهت مشاهده روایات مؤید در مورد «تاثیر فراوان تجوع بر درمان بیماری‌ها»؛ به پیوست شماره ۵ مراجعه کنید.

۸۱. ارجاع پژوهشی: عن علی ع: لَا يَجْتَمِعُ الْجُوعُ وَ الْمَرَضُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): گرسنگی و بیماری با هم جمع نمی‌شوند.

عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۵۳۳، ح ۹۷۳۹ / غرر الحکم، ص ۷۷۲، ح ۱۳۵ / تصنیف غرر الحکم، ص ۳۲۰، ح ۷۴۰۹

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۲۲

می‌فرماید: خیر! «أَنْفَعُ الدَّوَاءِ التَّجَوُّعُ» نافع‌ترین دواء این است که به خودتان گرسنگی بدهید. اصلاً بدن شما دچار چالش نمی‌شود.

۴/۵/۱/۱. شام؛ مهم‌ترین وعده غذایی (و لزوم عدم حذف آن در فرایند تجوُّع)

این یکی از اختلافات ما با طب سلولی است. روزی یک وعده بخورید و آن یک وعده را هم برای شام بگذارید. البته داریم که «فَلْيَبَاكِرِ الْغِذَاءَ»^{۸۲} و یا داریم که «لُقْمَةُ الصَّبَاحِ مِسْمَارُ الْبَدَنِ»؛ ولی دقت کنید که حضرت می‌فرماید: «لُقْمَةُ الصَّبَاحِ» اگر صبح هم خواستید غذا بخورید، مفصل نخورید! «لُقْمَةُ الصَّبَاحِ» لقمه‌ای صبح بخورید که از «تجوُّع» [و گرسنگی] از دست نروید. [وگرنه] مهم‌ترین وعده غذایی شام است. حضرت می‌فرماید: «أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعِشَاءِ»^{۸۳} هرکس دیدید بدنش افتاده است [و ضعیف شده است]، بدانید او شام نخورده است. این تشخیص مهمی است. اگر دیدید بدنش خراب شده و از دست رفته؛ [بدانید که بخاطر ترک شام است؛ چون] حضرت می‌فرماید: «أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعِشَاءِ». پس وعده شام را مفصل‌تر از بقیه وعده‌ها در نظر بگیرید. ان‌شاء الله باید زمانی هم آداب شام خوردن را بحث کنیم. در مجموع باید درک از دواء را ارتقاء بدهیم.

۴/۵/۲. عسل؛ یکی دیگر از مهم‌ترین داروهای عمومی

آنجایی که به داروهای مهم می‌رسیم به ویژه داروهایی که جامع هستند، عسل در رأس این داروها خودنمایی می‌کند. محمد بن سوقه عن الصادق (علیه السلام) (این حدیث هم در کتاب کافی،^{۸۴} هم در محاسن^{۸۵} و هم در من لا یحضره الفقیه^{۸۶} آمده

۸۲. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَ لَا بَقَاءَ فَلْيَبَاكِرِ الْغَدَاءَ وَ لِيُجَوِّدِ الْجَدَاءَ وَ لِيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ وَ لِيُقَلِّلَ مُجَامَعَةَ النِّسَاءِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ مَا خِفَّةُ الرِّدَاءِ؟ قَالَ: قَلَّةُ الدِّينِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که می‌خواهد جاودانه بماند - که البته جاودانگی، در کار نیست -، صبحانه تناول کند، کفش نیکو [و مناسب] بپوشد، ردایش سبک باشد، و با زنان، کمتر نزدیکی کند». گفته شد: ای پیامبر خدا! سبکی ردا چیست؟ فرمود: «اندک بودن دین».

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵

و با تفاوت‌هایی در متن؛ در مصادر و منابعی مثل:

صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۹ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸ / الأمالی (للطوسی)، ص ۶۶۶

سند امالی: وَ بِهَذَا الْإِسْتِثْنَاءِ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْقُرَظِينِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَلِيُّ بْنُ حَبِيبٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، وَ جَعْفَرَ بْنِ عِيسَى بْنِ يَقْطِينٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَبِي غُنْدَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، ج ۲، ص ۱۴۴ / الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۲۴۴ / طب الأئمة عليهم السلام (بنابسطام)، ص ۲۹

مكارم الأخلاق، ص ۲۱۲ / الدعوات (للراوندي)، ص ۷۵ / مجموعة ورام، ج ۲، ص ۸۰

الوافي، ج ۲۶، ص ۵۵۸ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۶۱ و ج ۲، ص ۲۴۱ و ص ۲۴۳ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۷ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۲۱۶ / مستدرک الوسائل،

ج ۱۳، ص ۳۸۷ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۳، ص ۶۷۰

۸۳. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعِشَاءِ.

امام صادق (علیه السلام): ریشه‌ی ویرانی بدن، ترک خوردن شام است.

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۸

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۲۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۳ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۸

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «مضرات فراوان ترک وعده شام»: به پیوست شماره ۶ مراجعه کنید.

۸۴. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَوْفَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ

الْعَسَلِ.

الكافي، ج ۶، ص ۳۳۲

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۳۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۹۸ / الفصول المهمة (شيخ حرّ)، ج ۳، ص ۷۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۲ / هداية الأمة (شيخ حرّ)، ج ۸، ص ۱۸۶

است): «لَمْ يَسْتَشْفِ مَرِيضٌ بِمِثْلِ شُرْبَةِ الْعَسَلِ»^{۸۷} می فرماید: هیچ کس شفا پیدا نکرد، مثل شفای که با عسل است. وقتی داروها را هم بحث می کنید، باید بدانید که "آنتی بیوتیک ها" و "آنتی بیوتیک ها" دارو نیستند. تمام این داروها دارای تالی فاسد اند. می دانید آن برادر فاضل ما داشتند داروی معده را توضیح می دادند (پخش هم شده، در اختیار همه است) دو تا سه دقیقه عوارض آن دارو را توضیح می دهند. من دو یا سه بار گوش کردم، ایشان از رو می خواندند؛ فقط "اعدام به شیوه قرون وسطی" جز عوارض آن نبود! همه چیز جز عوارض بود. خودتان آن دارو را ببینید. آن داروی معده که خیلی هم معروف است. اینها برای این است که ما از این علوم [اهلبیت (علیهم السلام)] محروم شده ایم. حضرت می فرماید: «عسل فاسد نمی شود.» حتی چند هزار سال یکجا بماند فاسد نمی شود! آن وقت این مایع عجیب وقتی وارد بدن انسان می شود، شفای کامل است؛ [مثلاً: عسل و سیاه دانه کمک می کند که شما به سمت خارج کردن آپاندیس نروید^{۸۸} و در حوزه های مختلف جزء داروهای "التیام دهنده زخم" است و دهها مسئله دیگر را هم کمک می کند. پس این هم توصیه آخر است.

۸۵. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي نَصْرِ قَرَابَةَ بْنِ سَلَامِ الْحَلَابِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ الْعَسَلِ.
امام صادق (علیه السلام): مردم به (چیزی) مثل عسل شفاء نیافتند.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۹

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ وَ يَعْقُوبَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْقُنْدِيِّ عَنِ ابْنِ سَنَانَ وَ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا اسْتَشْفَى مَرِيضٌ بِمِثْلِ الْعَسَلِ.
عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع وَنُحَيْلَةَ.
امام صادق (علیه السلام): هیچ مریضی به (چیزی) مثل عسل شفاء نیافت.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۹

۸۶. **ارجاع پژوهشی:** رَوَى مُوسَى بْنُ بَكْرِ الْوَأَسْطِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: اللَّحْمُ بَيْنَ اللَّحْمِ وَ السَّمَكُ يَذِيبُ الْجَسَدَ وَ الدَّبَّاءُ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ وَ كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ وَ مَا اسْتَشْفَى مَرِيضٌ بِمِثْلِ الْعَسَلِ...
موسی بن جعفر (علیه السلام): هیچ مریضی به (چیزی) مثل عسل شفاء نیافت.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۱

۸۷. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: لَمْ يَسْتَشْفِ مَرِيضٌ بِمِثْلِ شُرْبَةِ الْعَسَلِ.
امیرالمومنین (علیه السلام): هیچ مریضی مانند نوشیدن عسل شفاء نیافت.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۹

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۲ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۸۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۰۰

وَ عَنْ عَلِيِّ ع: مَا اسْتَشْفَى الْمَرِيضُ بِمِثْلِ شُرْبِ الْعَسَلِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): مریض مانند نوشیدن عسل شفاء نیافت.

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۶

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ لَعْفِ الْعَسَلِ.

امام صادق (علیه السلام): مردم مانند لیسیدن عسل شفاء نیافتند.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۰

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «تاثیر فراوان "عسل" بر درمان بیماری ها»: به پیوست شماره ۷ مراجعه کنید.

۸۸. **ارجاع پژوهشی:** وَ قَدْ رَوَيْنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ص أَنَّهُ حَضَرَ يَوْمًا عِنْدَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ أَمِيرِ الْمَدِينَةِ فَشَكَا مُحَمَّدٌ إِلَيْهِ وَجَعاً يَجِدُهُ فِي جَوْفِهِ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ ع أَنَّ رَجُلًا شَكَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَجَعاً يَجِدُهُ فِي جَوْفِهِ فَقَالَ: لَمْ يَسْتَشْفِ مَرِيضٌ بِمِثْلِ شُرْبَةِ الْعَسَلِ وَ أَلِي فِيهَا ثَلَاثُ حَبَّاتٍ شَوِينِزٍ أَوْ خُمْسًا أَوْ سَبْعًا وَ اشْرَبْهُ تَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ فَفَعَلَ ذَلِكَ الرَّجُلُ فَبَرَأَ.

۴/۵/۳. داروی امام کاظم (علیه السلام)؛ یکی دیگر از داروهای عمومی

داروی کاظمیه شریف (داروی امام کاظم (علیه السلام)) جزو داروهای خوب است که مجرب و توصیه شده است.^{۸۹}

اینها در مجموع پنج حوزه توصیه بود. اگر جمله آخرم را بخواهم بگویم: به نظر بنده اگر بخواهیم وزن بدهیم؛ از این ۲۵ توصیه‌ای که به نیروهای مسلح داشتیم، مهمترین آنها "اصلاح نان" است. اگر این نان اصلاح شود آن وقت جسدها همان طور می‌شود که حضرت فرمودند: «بُنِي عَلَى الْخُبْزِ» یعنی: [جسدها] بر خُبز (نان) بنا شده‌اند.

این هم یک بحث بود. ان‌شاء الله در جلسه دوم، طیب مشاور را برای توصیه به آموزش و پرورش برگزار خواهیم کرد. ان‌شاء الله در خدمتتان خواهیم بود. من از همه دوستان تشکر می‌کنم. از حضرت آیت الله کلباسی که بانی این جلسه شدند و زحمت هم کشیدند تشکر ویژه می‌کنم. از همه تقاضا می‌کنم که مشارکت و زمینه‌سازی کنید که این بحث‌های جدید تمدنی بین مردم و مسئولین گسترش بیشتری پیدا کند. از اینکه تصدیع کردم از همه شما عذرخواهی می‌کنم.

والحمد لله رب العالمين

فَمَنْ ذَلِكَ أَنْتَ فَأَعْتَرَضَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ كَانَ حَاضِرًا فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَدْ بَلَّغْنَا هَذَا وَفَعَلْنَا فَلَمْ يَنْفَعْنَا فَغَضِبَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ قَالَ إِنَّمَا يَنْفَعُ اللَّهُ بِهِذَا أَهْلَ الْإِيمَانِ بِهِ وَ التَّصْدِيقِ لِرُسُلِهِ وَ لَا يَنْفَعُ بِهِ أَهْلَ التَّفَاقِي وَ مَنْ أَخَذَهُ عَلَى غَيْرِ تَصْدِيقٍ مِنْهُ لِلرَّسُولِ فَأَطْرَقَ الرَّجُلُ.

امام علی علیه السلام: مردی نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) از دردی که در درون خویش داشت، اظهار ناراحتی کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شربت‌ی از غسل بردار و سه یا پنج یا هفت دانه شونیز (سیاهدانه) در آن بینداز و بنوش تا به اذن خداوند عز و جل بهبود یابی». او این کار را انجام داد و بهبود یافت.

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۵

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۷۲

وَ بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَثُ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِرَجُلٍ اسْتَكْبَرَ بِطَنَةِ مُحَمَّدٍ حُذَّ شَرِيَّةَ عَسَلٍ وَ أَلْقَى فِيهَا ثَلَاثَ حَبَّاتِ شُونِيزٍ أَوْ خَمْسَ [خَمْسًا] أَوْ سَبْعَ [سَبْعًا] ثُمَّ اشْرَبَهُ تَبَرُّاً بِإِذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ لَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ عِنْدَ مُحَمَّدٍ مِنْ جَلَّةِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فَقَدْ وَصَفَ لَهُ هَذَا فَقَالَ الرَّجُلُ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ يَا جَعْفَرُ فَقَدْ فَعَلْنَا هَذَا فَمَا رَأَيْتَ أَنْ يَنْفَعَنَا فَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ إِنَّمَا يَنْفَعُ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَ لَا يَنْفَعُ أَهْلَ التَّفَاقِي وَ عَسَى أَنْ تَكُونَ مُنَافِقًا وَ أَخَذْتَهُ عَلَى غَيْرِ تَصْدِيقٍ مِنْكَ لِلرَّسُولِ اللَّهُ ص فَتَكْسُ الرَّجُلُ رَأْسَهُ.

الجعفریات (الاشعثیات)، ص ۲۴۴

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۸

۸۹. ارجاع پژوهشی: منبع روایی داروی معروف به "داروی امام کاظم (علیه السلام)" این روایت است: قَالَ السَّرِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السَّرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْأَرْمِينِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ع وَ قَدْ اسْتَكْبَرَ فِي الْإِيمَانِ بِالْأَدْوِيَةِ الْبَعْضِ فَجَاءَهُ الْمُتَرَفُّعُونَ بِالْأَدْوِيَةِ الْبَعْضِ فَجَعَلُوا يَصِفُونَ لَهُ الْعَجَائِبَ. فَقَالَ: أَيْنَ يَذْهَبُ بِكُمْ؟ اِقْتَصِرُوا عَلَيَّ سَيِّدِ هَذِهِ الْأَدْوِيَةِ الْإِهْلِيَّةِ وَ الرَّازِيَانِيَّةِ وَ الشَّكْرِيَّةِ فِي اسْتِقْبَالِ الصَّيْفِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ فِي اسْتِقْبَالِ الشِّتَاءِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يُجْعَلُ مَوْضِعَ الرَّازِيَانِيَّةِ مَضْطَكِي؛ فَلَا يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ.

امام رضا (علیه السلام): موسی بن جعفر (علیه السلام) بیمار شد و پزشکان آمدند بالینش و عجائبی برایش وصف کردند. پس حضرت فرمود: به کجاها می‌روید؟! بر سید این داروها اکتفاء کنید که هلیله و رازیانه و شکر است، در سه ماه تابستان ماهی سه بار و در زمستان ماهی سه روز و هر روزی سه بار و بجای رازیانه مصطکی باشد؛ پس بیمار نشود جز به بیماری مرگ!

طب الأئمة عليهم السلام (لابناسطام)، ص ۵۰ / طب الأئمة الصادقين عليهم السلام (نسخه خطی)، ص ۲۴

الفصول المهمة (شيخ حرز عاملی)، ج ۳، ص ۵۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۴۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۹۹

پیوست‌ها:

پیوست شماره ۱: اساسنامه فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران

(مصوب جلسه ۱۲۷ مورخ ۶۸/۵/۱۰ شورای مشترک کمیسیونهای ۱ و ۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی به موجب مجوز جلسه ۱۹۴ مورخ ۶۸.۵.۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) شماره ۱۸۶۴ د ش - تاریخ ۶۸/۵/۳۰ به استناد بند ۴ قانون اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبه یکصد و سی و پنجمین نشست مورخ ۶۶/۱۰/۱۵ آن شورا و در اجرای ماده ۵ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران که به اختصار "فرهنگستان" نامیده می شود طبق این اساسنامه تشکیل می شود.

ماده ۱ هدف:

نیل به استقلال علمی و فرهنگی و توسعه علوم و فنون پزشکی و تقویت روح پژوهش و ارتقای سطح علوم پزشکی کشور و دستیابی به آخرین یافته ها و نوآوری ها در عرصه دانش پزشکی از طریق فعالیتهای جمعی و جذب و حمایت و تشویق از دانشمندان و محققان برجسته.

ماده ۲ وظایف:

۱. کوشش در جهت گسترش مرزهای دانش و تلاش مستمر برای ارتقای سطح دانش و پژوهش در کشور.
۲. بررسی و تحلیل وضعیت علمی و فنی آموزشی و پژوهشی علوم پزشکی کشور و ارائه پیشنهاد در زمینه بهبود و ارتقای آن به مراجع ذیربط.
۳. انجام دادن امور مشاوره علمی و تحقیقاتی اساسی و مسائل مربوط به تکنولوژی که از سوی دولت و شورای پژوهشهای علمی و مراکز علمی و تحقیقاتی از فرهنگستان درخواست می شود و ارائه پیشنهادها لازم در این زمینه ها.
۴. مطالعه تجربیات کشورها در کسب و توسعه علوم و تکنولوژی پزشکی و همچنین بررسی آخرین یافته های علمی و نحوه استفاده از آنها با توجه به زمینه ها و امکانات موجود در کشور.
۵. تشویق و ترغیب دانشمندان و پژوهشگران به خلق آثار علمی، از طریق حمایت مادی و معنوی ایشان.
۶. ایجاد تسهیلات لازم در جهت مبادله اطلاعات و نتایج تحقیقات و تبادل نظر بین دانشمندان و محققان و مبادله متخصصان و پژوهشگران علوم پزشکی سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی و جهان سوم با واگذاری بورس و استفاده از مسافرت های علمی و فرصتهای مطالعاتی از طریق مراجع ذیربط.
۷. بررسی و پیشنهاد ضوابط در خصوص ارتقاء سطح علمی سمینارها و کنگره ها و کنفرانسهای پزشک در سطح ملی و بین المللی و ارزیابی این گونه مجامع.
۸. برگزاری سمینارها و کنفرانسها و کنگره ها و سمپوزیومها در زمینه جدیدترین یافته های علوم پزشکی.

۹. اشاعه اطلاعات و دانسته‌های علوم پزشکی از طریق انتشار مجلات و کتب علمی و پژوهشی بالاخص نتایج تحقیقات و یافته‌های جدید علوم پزشکی در سطح کشور و جهان.
۱۰. اعطای پاداش و جایزه و نشان علمی به دانشمندان و پژوهشگران و مؤسساتی که خدمات علمی برجسته‌ای انجام داده‌اند از طریق مراجع قانونی.
۱۱. پیشنهاد تخصیص اعتبارات و امکانات تحقیقاتی برای فعالیتهای دانشمندان برجسته.
۱۲. بررسی و تصویب عضویت فرهنگستان در مجامع و سازمانهای بین‌المللی که وظایف و اهداف متناسب با وظایف و اهداف فرهنگستان دارند در چهارچوب قوانین و مقررات کشور.

ماده ۳ - ارکان فرهنگستان عبارت است از:

۱. رئیس جمهور در مقام ریاست عالی فرهنگستان.
۲. هیأت امناء.
۳. مجمع عمومی (متشکل از اعضای علمی پیوسته).
۴. رئیس فرهنگستان.
۵. شورای علمی (رئیس فرهنگستان و رؤسای گروه‌های علمی).
۶. دبیر.

ماده ۴ - هیأت امناء مرکب است از:

- الف - وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان رئیس هیأت امناء.
- ب - وزیر فرهنگ و آموزش عالی.
- ج - رئیس فرهنگستان.
- د - رئیس یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ه - پنج نفر از دانشمندان و صاحب‌نظران به پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ماده ۵ - وظایف هیأت امناء:

۱. انتخاب رئیس فرهنگستان از میان سه نفری که مجمع پیشنهاد می‌کند و معرفی وی به ریاست جمهوری برای صدور حکم.
۲. تصویب سازمان اداری فرهنگستان.
۳. بررسی و تصویب خط مشی کلی.
۴. بررسی و تصویب بودجه پیشنهادی.

۵. تصویب حسابهای سالانه.
۶. بررسی و تصویب بودجه تفصیلی بر اساس اعتبارات مصوب در بودجه سالانه کشور در چهارچوب اساسنامه.
۷. تصویب آیین‌نامه‌های اداری مالی، معاملاتی، استخدامی و همچنین آیین‌نامه‌های داخلی فرهنگستان.
۸. جلب و قبول کمکها و هدایا اشخاص حقیقی و حقوقی.
۹. تصویب ضوابط مربوط به اعطای پاداش و جوایز و بورس و نشان و مدال به افراد واجد شرایط.
۱۰. پیشنهاد عضویت فرهنگستان در سازمانها و مجامع بین‌المللی به مراجع ذیصلاح.

ماده ۶ - مجمع عمومی:

- "مجمع" مرکب است از کلیه اعضای پیوسته فرهنگستان، جلسات این مجمع حداقل سالی یک بار تشکیل می‌شود.
- تبصره ۱ - اعضای وابسته می‌توانند در مجمع بدون حق رأی شرکت کنند.
- تبصره ۲ - ریاست مجمع با رییس فرهنگستان است.

ماده ۷ - وظایف مجمع عمومی:

۱. تصویب سیاستها و برنامه‌های علمی فرهنگستان.
۲. تصویب نظامنامه نحوه اجرای فعالیتهای علمی فرهنگستان.
۳. تعیین دانشمندانی که شرایط دریافت پاداش یا جایزه یا بورس یا مدال یا نشان و یا فرصت مطالعاتی را دارند و معرفی ایشان به ریاست عالی فرهنگستان.
۴. پیشنهاد سه نفر به هیأت امناء برای تعیین رییس فرهنگستان.
۵. انتخاب اعضای پیوسته و افتخاری.

ماده ۸ - شورای علمی:

- شورای علمی مرکب است از:
- رییس فرهنگستان، به عنوان رییس شورا.
- رؤسای گروه‌های علمی.

ماده ۹ - وظایف شورای علمی:

۱. بررسی سیاستها و برنامه‌های علمی فرهنگستان و پیشنهاد آن به مجمع برای تصویب.
۲. تصویب و تدوین نظامنامه نحوه اجرای فعالیتهای علمی فرهنگستان و ارائه آن به مجمع برای تصویب.

۳. تعیین وظایف گروه‌های علمی.
۴. بررسی و اظهار نظر در مورد طرح‌های علمی و ارجاع آن به گروه‌های علمی ذیربط.
۵. تعیین اهم مسائل و موضوعاتی که لازم است مورد تحقیق قرار گیرد و پیشنهاد آنها به مراکز علمی ذیصلاح در کشور.
۶. تهیه و تدوین ضوابط مربوط به اعطای پاداش و جوایز و بورس و نشان و مدال به افراد واجد شرایط و پیشنهاد آن به هیأت امناء جهت تصویب.
۷. تعیین دانشمندی که شرایط دریافت پاداش یا جایزه یا بورس یا مدال یا نشان و یا فرصت مطالعاتی را دارند و معرفی ایشان به مجمع برای تصویب.
۸. بررسی و پیشنهاد ضوابط در خصوص ارتقای سطح علمی سمینارها و کنگره‌ها و کنفرانسهای پزشکی در سطح ملی و بین‌المللی و ارزیابی این گونه‌مجامع.
۹. انجام دادن سایر کارهایی که از سوی هیأت امناء مجمع و ریاست فرهنگستان به این شورا ارجاع می‌شود.

ماده ۱۰ - رئیس فرهنگستان:

رئیس فرهنگستان از میان سه نفر از دانشمندان برجسته کشور به انتخاب مجمع عمومی و تصویب هیأت امناء و حکم ریاست جمهوری (ریاست عالی فرهنگستان) برای ۵ سال منصوب می‌شود و انتخاب مجدد وی بلامانع است.

تبصره - در صورتی که "رئیس از میان اعضای پیوسته فرهنگستان انتخاب نشود، پس از انتصاب به این سمت، عضو پیوسته فرهنگستان محسوب خواهد شد و نماینده فرهنگستان نزد کلیه مراجع دولتی و غیر دولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی خواهد بود.

ماده ۱۱ - وظایف رئیس فرهنگستان:

۱. پیشنهاد مصوبات شورای علمی و مجمع به هیأت امناء جهت بررسی و تصویب نهایی.
۲. پیشنهاد سازمان اداری، بودجه و حسابهای سالانه به هیأت امناء جهت تصویب.
۳. پیشنهاد عضویت فرهنگستان در مجامع بین‌المللی به هیأت امناء.
۴. پیشنهاد انتصاب دبیر فرهنگستان به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
۵. انتصاب رؤسای گروه‌های علمی.
۶. پیشنهاد افراد به عنوان اعضای پیوسته، وابسته و یا افتخاری فرهنگستان به مجمع جهت تصویب.
۷. پیگیری و نظارت بر حسن اجرای تصمیمات هیأت امناء مجمع و شورای علمی.
۸. دعوت از اعضای هیأت امناء مجمع و شورای علمی برای تشکیل جلسه.

ماده ۱۲ - دبیر فرهنگستان:

"دبیر" از میان اعضای فرهنگستان انتخاب و با حکم وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منصوب می‌شود.

ماده ۱۳ - وظایف دبیر فرهنگستان:

۱. اداره کلیه امور دبیرخانه اعم از اداری و مالی.
۲. تأمین کارکنان مورد نیاز فرهنگستان.
۳. انجام دادن سایر اموری که از طرف هیأت امناء مجمع، شورای علمی و ریاست فرهنگستان به وی محول می‌شود.

ماده ۱۴ - گروه‌های علمی:

گروه‌های علمی فرهنگستان عبارت‌اند از:

گروه علوم بالینی پزشکی.

گروه علوم پایه پزشکی.

گروه پیراپزشکی.

گروه علوم دارویی.

گروه علوم دندانپزشکی.

گروه علوم بهداشتی و تغذیه.

گروه طب اسلامی و طب سنتی.

تبصره ۱ - هر گروه علمی متشکل از تعدادی از اعضای پیوسته و یا وابسته فرهنگستان است که با توجه به نوع تخصص ایشان توسط رییس فرهنگستان برای عضویت در گروه انتخاب شده‌اند، هر گروه علمی ریسی خواهد داشت که توسط رییس فرهنگستان منصوب می‌شود.

تبصره ۲ - وظیفه گروه تنظیم و ارائه برنامه‌های علمی به شورای علمی خواهد بود.

تبصره ۳ - شورای علمی با تصویب مجمع عمومی می‌تواند در صورت لزوم گروه‌های علمی را در یکدیگر ادغام و یا گروه‌های علمی جدیدی تشکیل دهد.

ماده ۱۵ - فرهنگستان مؤسسه‌ای است با شخصیت حقوقی مستقل که به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وابسته است، اعتباراتی که برای فرهنگستان در بودجه سالانه کشور منظور می‌شود در ردیف خاص و به صورت کمک خواهد بود.

ماده ۱۶ - فرهنگستان جز در مورد ذی‌حسابی موضوع ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی از لحاظ امور مالی و معاملاتی تابع مقرراتی خواهد بود که از طرف هیأت امناء تصویب می‌شود.

ماده ۱۷ - فرهنگستان دارای اعضای پیوسته، وابسته و افتخاری خواهد بود که به پیشنهاد رییس فرهنگستان یا حداقل پنج تن از اعضای مجمع و بتصویب مجمع عمومی و با حکم رییس فرهنگستان به عضویت فرهنگستان پذیرفته می‌شوند و عضویت ایشان مادام‌العمر خواهد بود.

تبصره ۱ - اعضای پیوسته باید ایرانی و ملتزم به رعایت قوانین جمهوری اسلامی ایران باشند.

همچنین این اعضا باید حداقل دارای درجه دانشیاری یا رهبری پژوهش باشند.

عضویت خیرگان بدون مدرک در صورتی که درجه علمی ایشان طبق مقررات مربوط معادل موارد فوق ارزیابی شده باشد بلامانع است.

تبصره ۲ - دانشمندان برجسته بین‌المللی که به عضویت افتخاری فرهنگستان پذیرفته می‌شوند وظیفه‌ای در فرهنگستان ندارند و انتخاب ایشان به احترام مقام علمیشان است.

ماده ۱۸ - فرهنگستان حداقل ۱۵ عضو پیوسته از میان دانشمندان رشته‌های مختلف خواهد داشت که بار اول با پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی انتخاب خواهند شد.

ماده ۱۹ - آیین‌نامه چگونگی رسیدگی به حساب‌های سالانه و مؤسسه با هماهنگی وزارتین بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت امناء می‌رسد.

این اساسنامه مشتمل بر نوزده ماده و هشت تبصره به پیشنهاد شماره ۳۰۱۳ مورخ ۱۳۶۸/۴/۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در یکصد و بیست هفتمین جلسه مورخ ۱۳۶۸/۵/۱۰ شورای مشترک کمیسیونهای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت و به تصویب رسید.

آدرس مطلب: سایت مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100020>

پیوست شماره ۲: اهمیت و فوائد خرما (خصوصاً خرماى عجوه) در روایات

خرما؛ پاک‌ترین طعام:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مَيْسَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَاماً فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ» قَالَ: أَزْكَى طَعَاماً التَّمْرُ.

امام باقر و صادق (علیهما السلام) در تفسیر قول خدا تعالی «باید بنگرد کدام خوراک پاکتر است، (کهف/ ۱۹) فرمود: خوراک پاکتر همان خرما است.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۱
وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۳۲ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۷۵

خرما؛ محبوب رسول خدا و اهلیت (علیهما السلام):

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ عَبَّسَةَ بْنِ بَجَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا قَدَّمَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ع طَعَامٌ فِيهِ تَمْرٌ إِلَّا بَدَأَ بِالتَّمْرِ.

امام صادق (علیه السلام): هیچ طعامی که به همراه خرما بود در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار داده نشد؛ مگر اینکه به وسیله خرما آغاز کردند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۱
الوافی، ج ۱۹، ص ۳۷۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۳۲

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يُحِبُّ أَنْ يَرَى الرَّجُلَ تَمْرِيًّا لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ ص التَّمْرِ.

همیشه امام سجاد (علیه السلام) دوست داشت که کسی خرما را دوست داشته باشد؛ چون رسول خدا صلی الله علیه و آله خرما را دوست داشت.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۱
سند محاسن: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الْكُوفِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْوَافِي، ج ۱۹، ص ۳۷۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۳۲

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: دَخَلْنَا عَلَيْهِ فَاسْتَدْعَى بِتَمْرٍ فَأَكَلْنَا مِنْهُ ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنِّي أُحِبُّ الرَّجُلَ أَوْ قَالَ: يُعْجِبُنِي الرَّجُلُ إِذَا كَانَ تَمْرِيًّا.

از عقبه بن بشیر که نزد ابی جعفر علیه السلام بود برای ما خرما خواست ما خوردیم و بیشتر خواستیم و انگه فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: من دوست دارم کسی که خرما دوست باشد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۱ (فیه فدعا بل فاستدعی)
سند محاسن: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْوَافِي، ج ۱۹، ص ۳۷۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۳۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۲

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنِّي لِأَحِبُّ الرَّجُلَ أَنْ يَكُونَ تَمْرِيًّا.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من خوش دارم مرد خرما دوست باشد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۲

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۳۳

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ ع يَا عَلِيُّ! إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي الرَّجُلُ أَنْ يَكُونَ تَمْرِيًّا.

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! من خوش دارم مرد خرما دوست باشد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۲

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۳۴

خرمای عجوه:

عجوه؛ اولین درخت روی زمین

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ خَطَّابِ الْحَلَّالِ عَنْ عَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: يَا عَلَاءُ! هَلْ تَدْرِي مَا أَوَّلُ شَجَرَةٍ نَبَتْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ. قَالَ: إِنَّهَا الْعُجْوَةُ. فَمَا خَلَصَ فَهِيَ الْعُجْوَةُ وَ مَا كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَإِنَّمَا هُوَ مِنَ الْأَشْبَاهِ.

از علاء بن رزین که امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای علاء! میدانی نخست درختی را که بر زمین روئیده؟ گوید: گفتم: خدا و رسولش و زاده رسولش داناترند، فرمود: راستش آن عجوه است که هر کدام از درختان خرما که خالص باشند عجوه‌اند و درختان خرمای غیر از آن مانند آن هستند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۸

الوافی، ج ۱۹، ص ۳۷۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۲۹

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ خَمَّادٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفَضِيلِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْعُجْوَةَ وَالْعَتِيقَ مِنَ السَّمَاءِ. قُلْتُ: وَ مَا الْعَتِيقُ؟ قَالَ: الْفَحْلُ.

فضیل از امام باقر (علیه السلام): خداوند عز و جل خرمای عجوه و عتیق (نوع مرغوبی از خرما) را از آسمان فرودرستاده است. گفتم: عتیق چیست؟ فرمود: فحل.

الکافی، ج ۶، ص ۳۴۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۹

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۴۲ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۷۸

عجوه؛ مادر تمام درختان خرما

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعَجْوَةُ هِيَ أُمُّ التَّمْرِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَدَمَ ع مِنَ الْجَنَّةِ.

امام صادق (علیه السلام): خرماى عجوه، مادر (ریشه و اصل) تمام درختان خرماست که خداوند از بهشت برای آدم نازل کرد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۷

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۲ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۷۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۳۹

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوُشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعَجْوَةُ أُمُّ التَّمْرِ وَ هِيَ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْجَنَّةِ لِأَدَمَ ع وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَبَنَةٍ أَوْ نَضِيبَةٍ أُتْرِقَتْ فَذَرُّهَا غِثٌّ عَلَى غِثِّهَا» قَالَ يَعْنِي الْعَجْوَةَ.

امام صادق (علیه السلام): عجوه مادر همه خرماها است و این همان است که خداوند از بهشت برای آدم فرو فرستاد و همان است

معنی قول خدا تبارک و تعالی «هر چه را ببریید یا بریا دارید» یعنی: عجوه.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۷

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۷۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۴۰

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: كَانَتْ نَخْلَةَ مَرْيَمَ ع الْعَجْوَةَ وَ نَزَلَتْ فِي كَانُونَ وَ نَزَلَ مَعَ آدَمَ ع الْعَتِيقُ وَ الْعَجْوَةُ وَ مِنْهَا تَفَرَّقَ أَنْوَاعُ النَّخْلِ.

امام رضا علیه السلام: خرماى مریم، عجوه بود که در ماه کانون (از ماه‌های تابستان) نازل شد. و به همراه آدم خرماى عتیق و عجوه از بهشت نازل شدند و انواع دیگر خرما از آنها است.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۰

سند محاسن: عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن أبيه عن معمر بن خالد عن أبي الحسن الرضا

بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۱۷ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۷۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۳۹

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ: أَخَذْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ نَوَى الْعَجْوَةِ فَغَرَسَهُ صَاحِبٌ لَنَا فِي بُسْتَانٍ فَخَرَجَ مِنْهُ السُّكَّرُ وَ الْهَيْرُونَ وَ الشَّهْرِيْزُ وَ الصَّرْفَانُ وَ كُلُّ ضَرْبٍ مِنَ التَّمْرِ.

از ابی خدیجه: از مدینه هسته عجوه گرفتیم و یار ما آن را در بستانش کاشت و از آن سکر، هیرون، شهریز، صرفان، و هر نوع درآمد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۰

سند محاسن: عنه عن محمد بن علي عن عبد الرحمن بن أبي هاشم عن أبي خديجة

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۴۳ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۷۸

علامه مجلسی در بحار:

توضیح في القاموس السكر بالضم و تشدید الكاف معرب شكر واحدته بهاء و رطب طيب و عنب يصيبه المرقق فينتشر و هو من أحسن العنب و قال الهیرون کزیتون ضرب من التمر و في بحر الجواهر هیرون بالكسر نوع من جيد التمر و في القاموس في السین المهملة تمر شهریز بالضم و الكسر و بالنعث و بالإضافة نوع معروف و قال في المعجمة تمر شهریز تقدم في السین و في الصحاح تمر شهریز و شهریز و شهریز و شهریز بالشین و السین جميعا لضرب من التمر و إن شئت أضفت مثل ثوب خز و قال الصرفان

جنس من التمر و في القاموس الصرفان محرکة تمر رزین صلب المضاع يعدها ذوو العیالات و الأجراء و العبيد لجزاءتها أو هو الصیحانی و من أمثالهم صرفانة ربعية تصرم في الصيف و تؤكل بالشتية توضیح: در قاموس گفته: سگر با ضمه و تشدید کاف شکر است و نام خرماي خوبی و انگوری که پوسته نازک است و میترکد و بهتر انگور است، و گفته: هیرون بر وزن زیتون یکنوع خرما است و در بحر الجواهر است که هیرون بکسر یکنوع خرماي خوبست ... در صحاح است که خرماي شهریز، شهریر، سهریر و سهریر با شین و سین هر دو یکنوع خرما است ... و گفته صرفان يك نوع خرما است، در قاموس گفته: صرفان با حرکت راء خرماي سخت پرگوشتی است که خوراك عیال و مزدور و بندها است چون کفایت غذائی دارد و آن را صیحانی گویند و يك مثل عربی است که (صرفانة ربعية تصرم بالصيف و تؤكل بالشتية).

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۴۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ذُكِرَتِ التَّمْرُوزُ عِنْدَهُ فَقَالَ الْوَاحِدُ عِنْدَكُمْ أَطْيَبُ مِنَ الْوَاحِدِ عِنْدَنَا وَ الْجَمِيعُ عِنْدَنَا أَطْيَبُ مِنَ الْجَمِيعِ عِنْدَكُمْ.

از هشام بن حکم که نام خرما را نزد امام ششم علیه السلام بردند و آن حضرت فرمود: يك نوع خرما شما در عراق دارید که بهتر از يك نوع خرماي ما است در مدینه، ولی روی هم رفته خرماي مدینه بهتر است.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۸

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ: ذُكِرَ التَّمْرُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۸۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۹

بیان: عندکم أي بالعراق عندنا أي بالمدينة أو الحجاز و الحاصل أنه قد يوجد عندکم تمر يكون أحسن من ذلك الصنف عندنا لكن أكثر أصنافه عندنا أحسن مما عندکم أو يكون عندکم تمر هو أحسن من جميع تمرنا لكن أكثر تمرنا أحسن مما عندکم فإذا قیس المجموع بالمجموع كان ما عندنا أحسن.

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۹

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع: أَنَّ الَّذِي حَمَلَ نُوحٌ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ مِنَ التَّنَخْلِ الْعَجْوَةُ وَالْعَدْقُ.

امام صادق (علیه السلام): آن درخت خرمايی که نوح با خود در کشتی حمل کرد، عجوه و عدق بود.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۰

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۴۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۱

خرمای صرقان؛ نوعی از عجوه

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَرْبِ صَاحِبِ الْجَوَارِي قَالَ: لَمَّا قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ رَه بَعَثَنِي هَذَا بِنُ صَدَقَةَ الْحَسَّاشِ فَاشْتَرَيْتُ سَلَةً رُطْبِ صَرْفَانَ مِنْ بُسْتَانَ إِسْمَاعِيلَ فَلَمَّا جِئْتُ بِهِ قَالَ مَا هَذَا قُلْتُ رُطْبٌ بَعَثَهُ إِلَيْكُمْ هَذَا بِنُ صَدَقَةَ فَقَالَ لِي قَرَّبَهُ فَقَرَّبْتُهُ إِلَيْهِ فَقَلَبْتُهُ بِإِصْبَعِهِ ثُمَّ قَالَ: نَعَمْ التَّمْرُ هَذِهِ الْعَجْوَةُ لَا دَاءَ وَ لَا عَائِلَةَ.

از حرب کنیز فروش که چون امام صادق علیه السلام آمد و عبد الله بن حسن با او بود هذیل بن صدقه مرا فرستاد و یک زنبیل رطب صرفان از بستان اسماعیل خریدم و چون آوردمش فرمود: این چیست؟ گفتم: رطبی که هذیل بن صدقه براتان فرستاده فرمود: بیارش نزدیک، نزدیکش بردم و با انگشتش آن را زیر و رو کرد و فرمود: چه خوب خرمائی است این عجوه که درد و آفتی ندارد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۵

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۱

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن أبيه عن سعدان عن رجل عن أبي عبد الله ع قال: الصرفان هي العجوة وفيه شفاء من الداء. امام صادق (عليه السلام): خرماي صرفان همان عجوه است و در آن شفاء از بیماری‌هاست.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۶

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۱ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۳

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن ابن أبي نجران عن محبوب بن يوسف عن بعض أصحابنا قال: لما قدم أبو عبد الله ع الحيرة خرج مع أصحاب لنا إلى بعض البساتين فلما رآه صاحب البستان أعظمه فاجتنى له ألواناً من الرطب فوضعه بين يديه و وضع أبو عبد الله ع يده على لون منه فقال ما تسمون هذا فقلنا السابري قال هذا نسميه عندنا عدق بن زيد ثم قال للون آخر ما تسمون هذا أو قال: فهذا؟ قلنا: الصرفان. قال: نعم التمر لا داء ولا غائلة أما إنّه من العجوة.

امام صادق (عليه السلام): صرفان چه خرماي خوبی است! هیچ درد و گرفتاری ندارد. آگاه باشید که صرفان (نوعی از) عجوه است.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۶

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۳

عليه بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله ع قال: الصرفان سيّد ثموركم. امام صادق (عليه السلام): صرفان، بهترین خرماي شماست.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۷

المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۴۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۳۶

خرمای برنی (برنیک)؛ یکی از انواع بهترین خرماها

عليه بن إبراهيم عن أبيه عن عمرو بن عثمان عن أبي عمرو عن رجل عن أبي عبد الله ع قال: خير ثموركم البرني يذهب بالداء ولا داء فيه و يذهب بالإغيا و لا ضرر له و يذهب بالبلغم و مع كل ثمرة حسنة. و في رواية أخرى: يهنأ و يفرأ و يذهب بالإغيا و يشبع.

امام صادق علیه السلام: «بهترین خرماي شما، خرماي برنی است؛ دردها را می‌برد و خود، بیماری نمی‌زاید، خستگی را می‌زداید و زیانی در بر ندارد، بلغم را از میان می‌برد، و با هر خرماي خوبی‌ای همراه است».

در روایتی دیگر است که فرمود: «[خرما] گوارا و سبک می‌کند، و خستگی را می‌برد و سیر می‌کند».

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۳

سند محاسن: عنّه (احمد بن محمد بن خالد) عن مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَمْرٍو عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْوَافِي، ج ۱۹، ص ۳۷۹ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۳۵ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۱۰۲

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكِيمِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: التَّمْرُ الْبَرْزِيُّ يُشْبِعُ وَيُهْنَأُ وَيَمْرَأُ وَهُوَ الدَّوَاءُ وَلَا دَاءَ لَهُ يَذْهَبُ بِالْعَبَاءِ وَمَعَ كُلِّ تَمْرَةٍ حَسَنَةٌ.

امام صادق (علیه السلام): خرماى برنى سیر می کند و گوارا و سبک است، دواء است و هیچ درد و مرضی با او نیست، خستگی را می برد. و با هر خرماى یک خوبى است.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۶

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۸۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۳۶

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الرَّازِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ وَبَيْنَ يَدَيْهِ تَمْرٌ بَرْزِيٌّ وَهُوَ مُجَدِّ فِي أَكْلِهِ يَأْكُلُهُ بِشَهْوَةٍ فَقَالَ لِي يَا سُلَيْمَانُ اذْنُ فَكُلْ قَالَ فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَأَكَلْتُ مَعَهُ وَ أَنَا أَقُولُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَرَاكَ تَأْكُلُ هَذَا التَّمْرَ بِشَهْوَةٍ. فَقَالَ: نَعَمْ إِنِّي لِأَحْبَبُهُ. قَالَ: قُلْتُ: وَ لِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ تَمْرِيًّا وَ كَانَ عَلِيٌّ ع تَمْرِيًّا وَ كَانَ الْحَسَنُ ع تَمْرِيًّا وَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ ع تَمْرِيًّا وَ كَانَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ع تَمْرِيًّا وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ ع تَمْرِيًّا وَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع تَمْرِيًّا وَ كَانَ أَبِي ع تَمْرِيًّا وَ أَنَا تَمْرِيٌّ وَ شِيعَتُنَا يُحِبُّونَ التَّمْرَ لِأَنَّهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَتِنَا وَ أَعْدَاؤُنَا يَا سُلَيْمَانُ يُحِبُّونَ الْمُسْكِرَ لِأَنَّهُمْ خُلِقُوا «مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ».

سليمان جعفری گفت: خدمت حضرت رضا (علیه السلام) رسیدم جلو آن جناب خرماى برنى بود که با کمال اشتها مشغول خوردن بود. فرمود: سليمان بيا بخور من جلو رفته خوردم عرض کردم: فدایت شوم! چنین می بینم که خیلی با علاقه از این خرما میخوردید. فرمود: آری من خرما را خیلی دوست دارم.

عرض کردم: چرا؟ فرمود: زیرا پیغمبر اکرم خرمائی بود امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز بخرما علاقه داشت امام حسن (علیه السلام) همچنین و حضرت حسین (علیه السلام) نیز همان طور بود زین العابدین (علیه السلام) چنین بود حضرت باقر (علیه السلام) هم بخرما علاقه داشت و حضرت صادق (علیه السلام) نیز چنین بود پدرم موسی بن جعفر (علیه السلام) هم خرمائی بود منهم بخرما علاقه دارم شیعیان ما نیز خرما را دوست میدارند چون آنها از سرشت ما آفریده شده اند ولی دشمنان ما علاقه بشراب دارند زیرا آنها را «از شعله آتش» آفریده اند.

الكافي، ج ۶، ص ۳۴۶

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۷۶ / بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۲ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۳۶

البرني: تمر معروف معرب أصله برنيك يعني الحمل الجيد.
برنى: خرماى معروفى است که در اصل "برنيك" بوده است.

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۷۶

پیوست شماره ۳: تاثیر فراوان "نمک طبیعی" بر درمان و پیشگیری از بیماری‌ها

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: لَا يُخْصَبُ خَوَانٌ لَا مِلْحَ عَلَيْهَا وَ أَصْحُ لِلْبَدَنِ أَنْ يُبَدَأَ بِهِ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ.

موسی بن جعفر (علیه السلام): سفره ای که نمک در آن نباشد، برکت ندارد. و برای صحت بیشتر بدن غذا را با نمک آغاز کنید.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۱

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۶

حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمَيْمَنِيِّ عَنْ سُكَيْنِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ عَنْ فَرَوَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ع أَنْ: مُرْ قَوْمَكَ يَفْتَتِحُوا بِالْمِلْحِ وَيَخْتَتِمُوا بِهِ وَإِلَّا فَلَا يُلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ.

از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود: خداوند به موسی وحی فرمود: که به قومت دستور بده هنگام خوردن غذا، اول از نمک شروع کنند و آخر هم به نمک ختم کنند. در غیر این صورت اگر مریض شوند باید خود را ملامت کنند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ الْمُحْسِنِ الْمَيْمَنِيِّ عَنْ سُكَيْنِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

منابع دیگر: الجواهر السننية في الأحاديث القدسية (کلیات حدیث قدسی)، ص ۱۰۴ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۶

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ فِي الْمِلْحِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْأَوْجَاعِ ثُمَّ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ.

امام صادق (علیه السلام): همانا در نمک شفاء از هفتاد نوع از انواع دردهاست. اگر مردم می دانستند که چه چیزی در نمک است، به غیر از آن خود را مداوا نمی کردند.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام (شیخ حرّ)، ج ۸، ص ۱۸۵

حديث الأربعمائة: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ ع: ... ابْتَدَأَ بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارَهُ عَلَى التَّرِياقِ الْمُجَرَّبِ وَ مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ.

امام علی علیه السلام: غذای خود را با نمک آغاز کنید. اگر مردم آنچه را در نمک هست می دانستند، آن را بر تریاق تجربه شده برمی گزیدند. هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد درد و نیز دیگر دردهایی که فقط خداوند از آنها آگاه است، از او

می رود.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۶۲۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۳۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ) عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَنْ افْتَتَحَ طَعَامًا بِالْمِلْحِ وَخَتَمَهُ بِالْمِلْحِ دَفَعَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً.

امام صادق (علیه السلام): هر کس غذای خود را با نمک آغاز و با آن ختم کند، هفتاد بیماری از او دفع می‌شود.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷ / الفصول المهمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۵۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد بیماری که کسی غیر از خدا نمی‌داند از او می‌رود.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ ع: مَنْ بَدَأَ بِالْمِلْحِ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ دَاءً مَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ مَا هُوَ.

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام): هر کس (غذایش را) با نمک آغاز کند، خداوند هفتاد بیماری - که بندگان نمی‌دانند چیست - را از بین می‌برد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۶ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۵۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ ع: يَا عَلِيُّ افْتَتِحْ بِالْمِلْحِ وَاخْتِمْ بِهِ فَإِنَّهُ مِنْ افْتَتَحَ بِالْمِلْحِ وَخَتَمَ بِهِ عَوْفِي مِنْ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ مِنْهَا الْجُنُونُ وَ الْجُدَامُ وَ الْبَرَصُ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه السلام): ای علی! غذایت را با نمک آغاز کن و با آن ختم کن؛ چرا که از هفتاد نوع از انواع بلاء - از جمله جنون و جذام و پیسی - بهبودی می‌یابد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۸

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنْ ابْدَأْ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمِ بِالْمِلْحِ فَإِنَّ فِي الْمِلْحِ دَوَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً أَهْوَنُهَا الْجُنُونُ وَ الْجُدَامُ وَ الْبَرَصُ وَ وَجَعُ الْحَلْقِ وَ الْأَضْرَاسِ وَ وَجَعُ الْبَطْنِ.

امام صادق (علیه السلام) از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که حضرت فرمود: خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: هنگامی که می‌خواهی غذا بخوری با نمک شروع کن و غذا را با نمک خاتمه بده. زیرا نمک داروی هفتاد بیماری است که کوچکترین آنها جنون، جذام، برص، گلو درد، دندان درد و درد شکم می‌باشد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۶ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۵۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۸ / الجواهر السنية في الأحادیث القدسية (کلیات حدیث قدسی)، ص ۱۴۴

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السُّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: لَا يَجِلُّ مَنَعُ الْمِلْحِ وَالنَّارِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): منع کردن مردم از نمک و آتش حلال نیست.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۳۰۸ / قرب الإسناد، ص ۱۳۷

سند قرب الاسناد: أَبُو الْبَخْتَرِيِّ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۴۴۶ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۵۳ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۶۸

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ) عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ ذَرَّ عَلَيَّ أَوَّلَ لُقْمَةٍ مِنْ طَعَامِهِ الْمِلْحَ ذَهَبَ عَنْهُ بِنَمَسٍ الْوُجْهِ.

امام صادق علیه السلام: هر کس بر نخستین لقمه غذای خود، نمک بپاشد، گدازد و مگر صورت او از میان می رود.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳ / مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۱۰ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۵۰ /

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۹

الْقَاضِي الْقُضَاعِي فِي الشَّهَابِ: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: سَيِّدُ إِدَامِكُمْ الْمِلْحُ. وَ قَالَ ص: لَا يَضْلُحُ الطَّعَامُ إِلَّا بِالْمِلْحِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بهترین خورششت شما نمک است.

و همچنین فرمودند: طعام به غیر از نمک اصلاح نمی شود.

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۴

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدُّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَدَعَتْ رَسُولَ اللَّهِ صِ عَقْرَبٌ وَ هُوَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ فَأَخَذَ التَّلْعَ فَضَرَبَهَا ثُمَّ قَالَ بَعْدَ مَا انْصَرَفَ: لَعْنَتِكَ اللَّهُ فَمَا تَدْعِينَ بَرًّا وَ لَا فَاجِرًا إِلَّا أَذَيْتُهُ قَالَ ثُمَّ دَعَا بِمِلْحِ جَرِيشٍ فَذَكَرَكَ بِهِ مَوْضِعَ اللَّدْعَةِ. ثُمَّ قَالَ: لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ الْجَرِيشِ مَا اخْتَأَجُوا مَعَهُ إِلَى تَرِياقٍ وَ لَا إِلَى غَيْرِهِ مَعَهُ.

امام باقر (علیه السلام): عقربی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را -در حالی که در حال نماز خواندن با مردم بودند- گزید؛ پس حضرت کفشی را برداشتند و به عقرب زدند. سپس بعد از نماز فرمودند: خدا تو را لعنت کند! که خوب و بد را رها نمی کنی مگر اینکه آزار می دهی. سپس نمک جریش درخواست کردند، پس آن را به موضع گزیدگی مالیدند. سپس فرمودند: اگر مردم می دانستند چه در نمک است با وجود آن به هیچ تریاق و غیر تریاق نیاز نداشتند.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۰

بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۰۲ و بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۰۷ و ج ۶۳، ص ۳۹۵

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۸۳

علامه مجلسی (ره) در معنای **ملح جریش** چنین مرقوم نموده اند:

بیان فی القاموس جرشه یجرشه و یجرشه حکه و الشیء لم ینعم دقه. و قال الجریش کأمیر من الملح ما لم یطیب.

بیان: از قاموس که نمک جریش آنست که پاک نشود و برای سر سفره آماده نیست.

و قال ابن بیطار نقلا عن دیسقوریوس فی منافع الملح و قد یتضمم به مع بزر کتان للذغة العقرب و مع فودنج الجبل و الزوفی لنهشة الأفعی الذکر و مع الزفت و القطران أو العسل لنهشة الأفعی التي یقال لها قرطس و هی حبة لها قرنان و مع الخل و العسل لمضرة سم الحیوان الذي یقال له أربعة و أربعون و لدغ الزناбір و قد ینفع من نهشة التمساح الذي یكون فی نیل مصر و إذا سحق و صیر فی خرقة کتان و غمس فی خل حاذق و ضرب به ضربا دقیقا العضو المنهوش من بعض الهوام نفع من النهشة و قد ینفع من مضرة الأفیون و القطر القتال إذا شرب بالسکنجبین.

ابن بیطار بنقل از دیسقوریوس گفته در باره منافع نمک که: بسا با آن به همراهی بزر "کتان" گزیدگی کژدم را ضاماد کنند، و یا فودنج کوهی و زوفا برای گزیدن افعی نر، و با زفت و قطران یا عسل برای گزش افعی که آن را قرطس خوانند و آن ماریست که دو شاخ دارد، و با سرکه و عسل برای رفع زیان جانوری بنام هزارپا و گزش زنبورها، و بسا سودمند است برای گزش نهنگی که در نیل مصر است و چون سائیده شود در خرقة کتانی باشد و در سرکه بسیار ترشی فرو شود و آهسته بعضو گزیده شده از برخی خزنده ها زده شود خوبست، و بسا از زیان افیون و قطر کشنده سود دهد اگر با سکنجبین نوشیده شود. (ترجمه کمره ای)

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۰۸

رُوي أَنَّهُ إِذَا لَدَعَتْ الْعُقْرَبُ إِنْسَانًا فَلْيَأْخُذْ شَيْئًا مِنَ الْمِلْحِ وَ يَضَعْهُ عَلَى الْمَوْضِعِ ثُمَّ يَعْصِرْهُ بِإِبْهَامِهِ حَتَّى يَدُوبَ.

روایت است که چون عقرب آدمی را گزد نمک بر جای نیش آن نهد و آن را فشارد تا آب شود.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۷۴ (نقلا عن السرائر)

پیوست شماره ۴: مضرات زیاد آب نوشیدن

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تُكْتَبُ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ.

امام صادق (علیه السلام): زیاد آب تنوش؛ چرا که ریشه همه بیماری‌هاست.

الكافي، ج ۶، ص ۳۸۲

الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۴۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَهُوَ يُوصِي رَجُلًا فَقَالَ لَهُ: أَقْلِلْ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ يَمُدُّ كُلَّ دَاءٍ وَاجْتَنِبِ الدَّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بِدَنِّكَ الدَّاءَ.

امام صادق (علیه السلام) در حالی که مردی را توصیه می‌کردند به او فرمودند: کم آب بنوش؛ چرا که ریشه همه بیماری‌هاست و تا جاییکه بدنت تحمل دارد از دواء پرهیز کن.

الكافي، ج ۶، ص ۳۸۲ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۸ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۹۸

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِيَّاكُمْ وَالْإِكْتَارَ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ.

امام صادق (علیه السلام): بر شما باد پرهیز از زیاد آب نوشیدن! چرا که ریشه همه بیماری‌هاست.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۵

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَشِيْمٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَقَلَّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ صَحَّ بَدَنُهُ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس کم آب بنوشد، بدنش سالم گردد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۲

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۶ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۹

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَشْرَبُ أَحَدُكُمْ الْمَاءَ حَتَّى يَشْتَهِيَهُ فَإِذَا اشْتَهَاهُ فَلْيَقِلَّ مِنْهُ.

امام صادق (علیه السلام): هیچکدام از شما آب ننوشد مگر در صورتی که اشتها و میل شدید به آن داشته باشد؛ پس هر گاه میل شدید پیدا کردید نیز کم بنوشید.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۳۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۹۸

فوائد نوشیدن ماء فاتر (آب جوشیده ولرم):

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحَلْوَاءٍ يُفْطِرُ عَلَيْهَا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَسُكَّرَةً أَوْ تَمْرَاتٍ فَإِذَا أَعْوَزَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَمَاءٌ فَاتِرٌ وَ كَانَ يَقُولُ يُنْقِي الْمَعِدَةَ وَ الْكَبِدَ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ الْقَمَّ وَ يُقْوِي الْأَضْرَاسَ وَ يُقْوِي الْحَدَقَ وَ يَجْلُو النَّاطِرَ وَ يُغْسِلُ الدُّنُوبَ غَسْلًا وَ يُسَكِّنُ الْعُرُوقَ الْهَائِجَةَ وَ الْمِرَّةَ الْغَالِيَةَ وَ يَقْطَعُ الْبُلْغَمَ وَ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ عَنِ الْمَعِدَةِ وَ يَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ.

از حضرت صادق (ع): پیغمبر (ص) با شیرینی افطار می فرمود و اگر شیرینی نمی یافت با آب ولرم افطار می کرد و می فرمود که کبد و معده را شست و شو می دهد و تمیز می نماید و دهان را خوشبو می سازد، و دندانها و سیاهی و قرنيه چشم را محکم و چشم را تیز بین می نماید و گناهان را کاملاً می شوید و رگهایی که به هیجان در می آید و همچنین مژه (سودا و صفرا) را آرام میکند و بلغم را برطرف میکند و حرارت معده را فرو می نشاند و سردرد را از بین می برد.

الكافي، ج ۴، ص ۱۵۳

الوافي، ج ۱۱، ص ۲۴۷ / وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۱۵۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: شَيْئَانِ صَالِحَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ وَاحِدٍ قَطُّ فَاسِداً إِلَّا أَضْلَحَاهُ وَ شَيْئَانِ فَاسِدَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفًا قَطُّ صَالِحاً إِلَّا أَفْسَدَاهُ فَالصَّالِحَانِ الثُّرْمَانُ وَ الْمَاءُ الْفَاتِرُ وَ الْفَاسِدَانِ الْجُبْنُ وَ الْقَدِيدُ.

امام صادق علیه السلام: دو چیز مناسب است که به هیچ درون نادرستی در نمی آیند، مگر این که آن را به درستی می آورند، و دو چیز نامناسب است که به هیچ درون سالمی در نمی آیند، مگر این که آن را نادرست [و ناسالم] می کنند. آن دو چیز مناسب، عبارت اند از: انار و آب نیم گرم (ولرم)؛ و آن دو چیز نامناسب، عبارت اند از: پنیر و گوشت خشک شده.

الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۶۳

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۶۴ / الوافي، ج ۱۹، ص ۲۹۷

الفاتر: الحار الذي سكن حره. ماء فاتر: بين الحار و البارد.

ماء فاتر: آب گرمی که حرارتش فرونشسته، آب فاتر آبی که بین داغ و سرد است.

لسان العرب، ج ۵، ص ۴۳

پیوست شماره ۵: تاثیر فراوان "تجوُّع" (به خود گرسنگی دادن) بر درمان بیماری‌ها

روزه؛ مصداقی از تجوُّع:

رسول الله صلی الله علیه و آله: صوموا تَصِحُّوا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه بگیرید تا تندرست شوید.

الدعوات، ص ۷۶، ح ۱۷۹ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۲ / عوالي اللآلی، ج ۱، ص ۲۶۸

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷

عن رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى نَبِيِّهِ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ: أَنْ أَخْبِرَ قَوْمَكَ أَنْ لَيْسَ عَبْدٌ يَصُومُ يَوْمًا ابْتِغَاءً وَجْهِي، إِلَّا أَصْحَحْتُ جِسْمَهُ وَأَعْظَمْتُ أَجْرَهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل، وحی کرد که: «به طایفه‌ات خبر بده هیچ بنده‌ای، یک روز برای خشنودی من روزه نمی‌گیرد، مگر آنکه تن او را سالم می‌دارم و او را پاداشی بزرگ می‌دهم».

شُعب الإيمان، ج ۳، ص ۴۱۲ (عن أبي إسحاق الهمداني عن الإمام علي عليه السلام) / الفردوس، ج ۱، ص ۱۴۳ (عن أبي الدرداء) / كنز العمال، ج ۸، ص ۴۴۷

الإمام علي عليه السلام: الصَّيَامُ أَحَدُ الصَّحَّتَيْنِ.

امام علی علیه السلام: روزه، یکی از دو [طریق] سلامت است.

غرر الحکم، ح ۱۶۸۳

تاکید بر "کم‌خوری"؛ مویدی برای روایات "تجوُّع"

رسول الله صلی الله علیه و آله: أُمَّ جَمِيعِ الْأَدْوِيَةِ قَلَّةُ الْأَكْلِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مادر همه داروها، کم‌خوری است.

المواعظ العديّة، ص ۲۱۳

رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ، صَحَّ بَدَنُهُ وَصَفَا قَلْبُهُ، وَمَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ، سَقِمَ بَدَنُهُ وَقَسَا قَلْبُهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خوراکش اندک باشد، تنش سلامت و دلش صفا می‌یابد؛ و هر کس خوراکش فراوان باشد، تنش بیمار و دلش سخت می‌گردد.

تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۲۲۹ / الدعوات، ص ۷۷، ح ۱۸۷ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۸، ح ۳۵

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَلَّةُ الْأَكْلِ مَحْمُودٌ فِي كُلِّ قَوْمٍ؛ لِأَنَّ فِيهِ مَصْلَحَةَ الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ.

امام صادق علیه السلام: کم‌خوری، در میان هر طایفه‌ای، ستوده است؛ زیرا منفعت باطن و ظاهر، در آن است.

مصباح الشريعة، ص ۲۳۷ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۷، ح ۳۳

الإمام علي عليه السلام: قَلَّةُ الْأَكْلِ يَمْنَعُ كَثِيرًا مِنْ أَعْلَالِ الْجِسْمِ.

امام علی علیه السلام: کم‌خوری، مانع بسیاری از بیماری‌های جسم می‌شود.

غرر الحکم، ح ۶۷۶۸ / عيون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۰، ح ۶۲۴۸

طیب مشاور (ارائه ۲۴ پیشنهاد برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح)

عن علیّ علیه السلام: **أَقْلِلْ طَعَاماً تُقَلِّلُ سَقَاماً.**

امام علی علیه السلام: خوراك را كم كن تا بیماری‌ها را كم كنى.

غرر الحكم، ح ۲۳۳۶

نهی از "پرخوری": مویدی دیگر برای روایات "تجوّع"

عن علیّ علیه السلام: **إِدْمَانُ الشَّبِيعِ يورِثُ أَنْوَاعَ الْوَجَعِ.**

امام علی علیه السلام: اعتیاد به سیری، انواع دردها را به همراه می‌آورد.

غرر الحكم، ح ۱۳۶۳

عن علیّ علیه السلام: **الشَّبِيعُ يَكْثُرُ الْأَدْوَاءَ.**

امام علی علیه السلام: سیری، بیماری‌ها را افزون می‌سازد.

غرر الحكم، ح ۹۱۲ / عیون الحكم و المواعظ، ص ۵۱، ح ۱۳۲۲

عن علیّ علیه السلام: **إِيَّاكَ وَإِدْمَانَ الشَّبِيعِ؛ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ الْأَسْقَامَ وَيُثِيرُ الْعِلَلَ.**

امام علی علیه السلام: از اعتیاد به سیری حذر کن؛ چرا که ناتن‌درستی‌ها را تحریک می‌کند و بیماری‌ها را برمی‌انگیزد.

غرر الحكم، ح ۲۶۸۱ / عیون الحكم و المواعظ، ص ۹۷، ح ۲۲۴۸

پیوست شماره ۶: مضرات فراوان ترک وعده "شام" بر سلامتی

روایات بسیار فراوانی از اهلیت (علیهم السلام) در مورد مضرات ترک وعده شام (خصوصاً در سن کهنسالی) وارد شده است؛ که در اینجا به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ نَعْلَبَةَ عَنْ رَجُلٍ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: طَعَامُ اللَّيْلِ أَنْفَعُ مِنْ طَعَامِ النَّهَارِ.

امام صادق (علیه السلام): غذای شب نافع‌تر از غذای روز است.

الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۷ / الوافی، ج ۲۰، ص ۵۱۰

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ الْهَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ: مَا تَقُولُ أَطْبَاؤُكُمْ فِي عَشَاءِ اللَّيْلِ؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ. قَالَ: لَكِنِّي أَمُرُّكُمْ بِهِ.

ابو علی لهبی نقل می‌کند: امام صادق (علیه السلام) فرمود: اطباء و پزشکان شما در مورد شام خوردن چه می‌گویند؟ گفتند: آنها از خوردن شام ما را نهی می‌کنند. امام فرمود: ولی ما شما را به خوردن شام امر می‌کنیم.

الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹

الوافی، ج ۲۰، ص ۵۰۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۲

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُزُورَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرْكُ الْعَشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ. امام صادق (علیه السلام): ترک کردن غذای شب، خرابی بدن است.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۲

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَوَّلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعَشَاءِ.

امام باقر (علیه السلام): آغاز خرابی بدن، ترک غذای شب است.

قَالَ وَ رَوَاهُ أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ مِثْلَهُ.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۳ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام (شيخ حرّ)، ج ۸، ص ۱۱۹

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: عَشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ ع بَعْدَ الْعَتَمَةِ فَلَا تَدْعُوهُ فَإِنَّ تَرْكَ الْعَشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): شام خوردن انبیاء در ثلث اول شب است، خوردن شام را فراموش نکنید که ترک آن بدن را فرسوده می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

تحف العقول، ص ۱۱۰ / الخصال، ج ۲، ص ۶۱۹ / مکارم الأخلاق، ص ۱۹۴

الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۲

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرَكُ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً وَ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَسَنَّ
الْأَيِّبَتِ إِلَّا وَ جَوْفُهُ مُمْتَلِئٌ مِنَ الطَّعَامِ.

امام صادق (علیه السلام): ترک کردن غذای شب (شام) پیرکننده انسان است! و سزاوار است که وقتی انسان به سن پیری رسید که شب نخوابد مگر آنکه شکمش پر از غذا باشد.

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵ (فيه: خَرَابُ الْجَسَدِ، بَدَل مَهْرَمَةً)

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۴ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۸

عَنْهُ عَنِ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدَائِنِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ نَقَصَتْ مِنْهُ قُوَّةٌ وَ لَا تَعُودُ إِلَيْهِ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس شام را ترک کند، قوتی از او کم می شود و به او بر نمی گردد.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۳

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۱ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۹۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۵

عَنْهُ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُهَلَّبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرَكُ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً وَ قَالَ: أَوَّلُ
أَنْهَادِ الْبَدَنِ تَرَكُ الْعِشَاءِ.

امام صادق (علیه السلام): ترک کردن شام، مایه پیری است. و فرمود: اول انهدام بدن، ترک کردن شام است!

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۴

قَالَ النَّبِيُّ ص: تَعَشُّوا وَ لَوْ بِكَفٍّ مِنْ حَشْفٍ؛ فَإِنَّ تَرَكَ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): شام بخورید اگر چه مشتی خرماي پست باشد؛ زیرا شام نخوردن مایه ضعف و پیری است.

شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، ص ۳۲۵

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۶۶ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۴ / نهج الفصاحة، ص ۳۸۶

عَنْ جَعْفَرِ عَنِ ابْنِ الْفَدَّاحِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَدَعُوا
الْعِشَاءَ وَ لَوْ عَلَى حَشْفَةٍ إِنِّي أَحْسَى عَلَى أُمَّتِي مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ الْهَرَمَ فَإِنَّ الْعِشَاءَ قُوَّةُ الشَّيْخِ وَ الشَّبَابِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شام را وا مگذارید، هر چند به خوردن دانه خرماي خشکیده ای باشد. من بر امت خویش از این بیم دارم که از وا گذاردن شام پیری و درهم شکستگی به سراغشان آید؛ چرا که شام، مایه نیرومندی پیر و جوان است.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۹۷ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۳ / طب
الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۰۲

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
ع يَقُولُ: لَا خَيْرَ لِمَنْ دَخَلَ فِي السَّنِّ أَنْ يَبِيْتَ خَفِيفاً بَلْ يَبِيْتُ مُمْتَلِئاً خَيْرَ لَهُ.

امام صادق (علیه السلام): هیچ خیری برای کسی که داخل در پیری شده است نیست که با شکم سبک شب را صبح کند؛ بلکه
اینکه با شکم پر بخوابد برای او بهتر است.

الكافي، ج ۶، ص ۲۸۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲

سند محاسن: عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۳ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۹

پیوست شماره ۷: تأثیر فراوان "عسل" بر درمان بیماری‌ها

آیات ۶۸ و ۶۹ سوره مبارکه نحل:

«وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

و پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که: از کوه‌ها و درختان و آنچه [از داربست‌هایی] که [مردم] بر می‌افرازند، برای خود خانه‌هایی برگزیر * آن گاه از همه محصولات و میوه‌ها بخور، پس در راه‌های پروردگارت که برای تو هموار شده [به سوی کندو] برو از شکم آنها [شهدی] نوشیدنی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در آن شفاء برای مردم است. قطعاً در این [حقیقت] نشانه‌ای [بر قدرت، لطف و رحمت خدا] ست برای مردمی که می‌اندیشند.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص: الْعَسَلُ شِفَاءٌ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): عسل شفاء است.

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸

بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۵

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: الْعَسَلُ فِيهِ شِفَاءٌ.

امیرالمومنین (علیه السلام): در عسل شفاء است.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۹ و ۵۰۰ (عَنْهُ عَنِ الثُّؤَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ)

الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۷۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۳ و ۲۹۱ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۰۰

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَوَاهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِذَا أَخَذْتَهُ مِنْ شَهْدِهِ.

امام کاظم علیه السلام: عسل، درمان هر درد است، اگر که آن را از شهدش بگیری.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۹

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۹۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۸۶

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَىٰ عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: لَعْنُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» وَ هُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ مَضْغِ اللَّبَانِ يُذِيبُ الْبَلْعَمَ.

امام علی علیه السلام: لیسیدن عسل، درمان هر درد است؛ خداوند فرموده است: «از دل زنبور عسل، نوشیدنی‌ای به رنگ‌های گوناگون، بیرون می‌آید که در آن برای مردم، شفاء است». عسل به همراه قرائت قرآن و جویدن کُنْدَر، بلغم را از بین می‌برد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۳۲ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۸

سند محاسن: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَىٰ عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ

الْمُؤْمِنِينَ

مكارم الأخلاق، ص ۱۶۵

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۹۸ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۷۷ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۳۷

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَلَا دَاءَ فِيهِ يُفَلُّ الْبَلْعَمَ وَيَجْلُو الْقَلْبَ.

امام علی علیه السلام: عسل، شفای هر بیماری است و بیماری ای هم در آن نیست؛ بلغم را کم می کند و دل را جلا می دهد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۶

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۴

وَ بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْأَجَلُّ الْعَالِمُ الرَّاهِدُ الرَّاشِدُ أَمِينُ الدِّينِ ثَقَّةُ الْإِسْلَامِ أَمِينُ الرَّؤَسَاءِ أَبُو عَلِيٍّ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرِسِيُّ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ غُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْأَصَمِّ رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَعِشْرِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ السَّعِيدُ الرَّاهِدُ أَبُو الْفَتْحِ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ هَوَازِنَ الْقَشِيرِيُّ أَدَامَ اللَّهُ عَزَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ دَاخِلَ الْفَبَةِ الَّتِي فِيهَا قَبْرُ الرَّضَاعِ غُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْمُبَارَكِ رَمَضَانَ سَنَةِ إِحْدَى وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْعَالِمُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْحَاتِمِيُّ الرُّوزَنِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ هَارُونَ الرُّوزَنِيُّ بِهَا قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ حَفَدَةَ الْعَبَّاسِ بْنِ حَمَزَةَ النَّيْسَابُورِيِّ سَنَةِ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِبِيُّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي سَنَةَ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع] قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الْبِرْكَةَ فِي الْعَسَلِ وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَوْجَاعِ وَ قَدْ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل برکت را در عسل قرار داده است. درمان دردها، در آن است و هفتاد پیامبر، دوام سودمندی آن را از خداوند خواسته اند.

صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۹۰

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۶

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۴

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُعْجِبُهُ الْعَسَلُ.

امام صادق (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همیشه عسل را دوست داشتند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۳۲

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۹۸ / الوافي، ج ۱۹، ص ۳۳۸

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُعْجِبُهُ الْعَسَلُ وَ قَالَ ع عَلَيْكُمْ بِالشَّفَاءِ مِنَ الْعَسَلِ وَ الْقُرْآنِ.

امام صادق (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همیشه عسل را دوست داشتند. و فرمود: بر شما باد دو شفاء: عسل و قرآن.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۹۰

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: نِعْمَ الشَّرَابُ الْعَسَلُ؛ يَرَعَى الْقَلْبَ، وَيُذْهِبُ بَرْدَ الصَّدْرِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عسل، چه خوب نوشیدنی‌ای است! قلب را مراقبت می‌کند و سردی سینه را از میان می‌برد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۵ و ج ۶۳، ص ۲۹۰ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۲۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۷۰

و بهذا الإسناد [حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهَ الْمَرْزُوقِيُّ بِمَرْزُوقٍ فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِيَّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَتِسْعِينَ وَمِائَةٍ وَحَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بَنِيْسَابُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْفَقِيهَ الْخُورِيِّ بَنِيْسَابُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ الشَّيْبَانِيُّ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع وَحَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ الْأُسْتَنْائِيِّ الرَّازِيُّ الْعَدْلُ بِبَلْخٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرُويهِ الْقَزْوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَاعِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنِ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع] قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ شِفَاءٌ فَفِي شَرْطَةِ حَجَامٍ أَوْ شَرْبَةِ عَسَلٍ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر در چیزی درمانی باشد، در نیشتر (تیغ) حجامتگر و [در] نوشیدنی‌ای از عسل است.

عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۵ / صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۳ (با سندی دیگر)

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۱۶ و ج ۶۳، ص ۲۹۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۸ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۴

حَدَّثَنِي الْحُسَيْنِيُّ، حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنِيعٍ، حَدَّثَنَا مَرْوَانُ بْنُ شُجَاعٍ، حَدَّثَنَا سَالِمُ الْأَفْطَسُ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: شَرْبَةِ عَسَلٍ، وَ شَرْطَةِ حَجَامٍ، وَ كَيْتِ نَارٍ، وَ أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيْ. رَفَعَ الْحَدِيثَ وَ رَوَاهُ الْقُمِّيُّ، عَنْ لَيْثٍ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ فِي الْعَسَلِ، وَ الْحَجْمِ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درمان، در سه چیز است: نوشیدنی‌ای از عسل، نیشتر (تیغ) حجامتگر، و گزشتی از آتش. اما من، امت خویش را از داغ کردن، باز می‌دارم.

صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۱۹ و ص ۱۲۰

(بهذا السند: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحِيمِ، أَخْبَرَنَا سُرَيْجُ بْنُ يُونُسَ أَبُو الْحَارِثِ، حَدَّثَنَا مَرْوَانُ بْنُ شُجَاعٍ، عَنْ سَالِمِ الْأَفْطَسِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ)

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۸۴

(بهذا السند: حَدَّثَنَا مَرْوَانُ بْنُ شُجَاعٍ، قَالَ: مَا أَحْفَظُهُ إِلَّا سَالِمُ الْأَفْطَسُ الْجَزْرِيُّ ابْنُ عَجْلَانَ، حَدَّثَنِي عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ)



جدول تصمیم طیب مشاور (۲۴ پیشنهاد برای ارتقاء سلامت نیروهای مسلح)

دسته بندی تصمیمات:	تصمیمات پیشنهادی:	آثار تصمیمات:
افزایش ایمنی: (حوزه بیوتوریسم)	خوردن سویق سیب	مفید مقابله با سموم
	مصرف گوشت شتر	مقابله با یهود (طلسم و سحر)
	مصرف میوه سیب	مقابله با سحر
	مصرف خرماى عجوه (خصوصاً ۷ عدد صبح ناشتا)	مفید برای دفع و درمان سموم
	مصرف نمک طبیعی (خصوصاً قبل و بعد غذا)	مفید برای درمان سموم پیشگیری و درمان انواع بیماری‌ها
	حجامت	صحت عمومی بدن و دفع سموم
اصلاح تغذیه:	اصلاح الگوی پخت نان: (با استفاده از ۱. آرد طبیعی سیوس‌دار (بدون مواد نگهدارنده) ۲. تخمیر طبیعی ۳. پخت روی سفال)	استواری بدن
	مصرف سویق	رشد گوشت و ماهیچه‌ها و استحکام استخوان‌ها
	مصرف روغن زیتون (به جای مصرف روغن‌های تراریخته)	دارای برکات فراوان (فَأْتِيهَا مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ)
	مصرف سرکه طبیعی	افزایش قدرت تحلیل اطلاعاتی
تقویت اعضاء بدن:	مصرف سویق (خصوصاً صبح ناشتا)	تقویت کتف و ماهیچه‌ها
	مصرف کم آب	استقامت بدن
	تقویت قلب (با مصرف میوه «به»)	تقویت عمومی بدن و رفع ترس
	تقویت چشم (با مصرف میوه «به»)	افزایش بینایی و رفع تاری دید
	تقویت عمومی بدن (خصوصاً عضو «ریه») (با ایجاد تهویه طبیعی در قسمت شمالی و جنوبی ساختمان با کاشت درختان و گیاهان مثمر و معطر)	تقویت قلب کاهش استفاده از تهویه مصنوعی
	انجام مسابقات سبک و رمایه (سوارکاری و تیراندازی)	بدن‌سازی طبیعی افزایش انگیزه نیروها خروج اخلاط ناسالم از بدن
مدیریت بیماری‌های شایع نیروهای مسلح:	برای بیماری چاقی: مصرف کم آب	تقویت عمومی بدن افزایش تحرک
	برای بیماری‌های چشمی: مصرف میوه «به» و شرمه کشیدن در شب	افزایش بینایی و رفع تاری دید
	برای بیماری‌های ناشی از جراحت: اسفاده از غسل و داروهای طبیعی انعقادخون (مانند: سویق عدس، خاکستر پوست کدو، خاکستر نی)	ترمیم جراحت و انعقاد خون
	برای ضعف قلب: مصرف میوه «به»	افزایش شجاعت
	تجوُّع (به‌خودگرسنگی‌دادن)	نافع‌ترین دواء برای انواع بیماری‌ها
تعریف دارو و معرفی داروهای عمومی:	مصرف غسل	درمان و پیشگیری از انواع بیماری‌ها
	مصرف داروی امام کاظم (علیه‌السلام)	تقویت سیستم ایمنی و پیشگیری از انواع بیماری‌ها

* مسیرهای ارتباطی: